شیطانی‌ترین ماشین سیاسی، نظامی دنیا بود. به زانو افگند و این سنگر را نیز فتح نمود.

آنطوری که همه میدانیم و در خلال سیزده سال جریان جهاد، طی مقالات متعدد و نوشتار های مختلف وطی خطابه‌ها و موعظه‌ها، در دفترها و منبرها در همه جا با صراحت گفته شد، بزرگترین علت و دیباچه همه مشکلات ما چه در نزد حلقات دوستان و چه در مجالس دشمنان ،اختلاف قیادت های جهادی است و اینکه اینها برسرچه مسایلی اختلاف دارند، پیش خود شان است. ولی این یک امر مسلم است که اختلاف دینی و عقیدتی با هم ندارند پس از اینجاست که مسأله غامضهت بیشتر پیدا میکند و آدمی را به اندیشه وامی‌دارد و تشویش ایجاد می‌کند.

در جریان مذاکرات باروس‌ها، با صراحت در یافتیم که اختلاف ما مانع انعطاف آنها در ناحیۀ عمل میشود، این مطلب در متن گزارش جریان سفر، به وضوح انعکاس یافته است و در میان توده های مردم ما از عوام و خواص، زن و مرد بر همین یک نکته انگشت میگذارند و آنرا مصیبت درد ناک میخوانند، در واقع نیز همین است که اختلاف مصیبت است. نتیجه اختلاف و ادامه نزاع در میان یک ملت در همه حال منجر به پریشانی و تزلزل بنای آزادی و عظمت آن ملت می گردد. اسلام به شدت اختلاف را محکوم می کند و آنرا ناشی از خلل در ایمان میداند.

شواهد تاریخی به وضوح نشان میدهد که یگانه عامل تفوق دشمنان و تسلط و نفوذ گستردۀ آنها در ساحات مختلف زنده‌گی و حیات ما مسلمانها، فقط و فقط فروپاشیدن پیوند های عمیق دینی و روح اخوت، در میان جوامع اسلامی است.

زورگویی و توطئه و تجاوزی که از جانب دشمنان به عناوین مختلف در برابر مسلمانان صورت می پذیرد، زمینه ساز اولین آن بر پایه اختلاف و تفرق در میان کشور های اسلامی استوار است.

پیروزی هیأت مجاهدین در ارتباط این سفر و صدور اعلامیۀ

مشترک، جهان را بهت زده ساخت. دوستان از ناباوری ها بدر آمدند و باسرور از نتیجهٔ این مذاکرات خورسند گردیدند و اطمینان پیدا کردند که مجاهدین در معرکهٔ سیاسی نیز چیره دست و توانا هستند. ولی دشمنان که قلبا ناراض و ابتکاری چنین پیروزی را در عرصه سیاست برای مجاهدین متمنی نبودند، با شتاب دست به فعالیت زدند و حتی روس‌ها را تحت فشار گرفته اند تا انعطاف خود را در ساحه عمل تبارز ندهند و می بینیم که بادست پاچگی تمام، تمام نیروهای کفری به حرکت آمده و میخواهند توطئه خود را در کشور ما و علیه ملت ما پیاده کنند.

در اخیر ناگفته نباید گذاشت که عکس العمل های لفظی در برابر این توطئه ها کافی نیست، فقط فشار این عکس العمل ها را دهان گوینده و صفحهٔ کاغذ و قلم نویسنده احساس می‌کند و بس.

برای مقابله با دسایس خطر ناک کفر جهانی، لازم است این فشارها و جبهه گیری ها در عمل پیاده شود، دیگر وقت اختلاف نیست صدها توطئه در کمین است. باز هم دوای این درد وحدت است. وحدتی نه برای فروکش شدن عاجل و آنی و یا عقب راندن موقتی توطئه‌گران از برابر خود، بلکه وحدتی درخور انتظار ملت. متعهدانه و بر وفق دساتیر والای اسلام.

این آرزوی ۵ میلیون مهاجر است. این آرمان و الای شهدای گلگون قبای ماست. این یگانه راه زدودن همه اشکها و تسکین دهندهٔ همه رنجهای بیکران ملت ماست و بالاتر از همه، در این راه، سعادت ابدی امت مسلمه مضمر است و سر بلندی و افتخار کشور ما. به امید توفیق نیل به این آرمان بزرگ.

عقربه های ساعت، ۶ شام به وقت مسکو رانشان می‌داد، همه آماده حرکت اند و بکسهای خود را به داخل دهلیز هوتل آورده‌اند تا به فرود گاه برده شود و خود برای ملاقات آخرین باروس‌ها، روانه قصر پارلمان شوروی میشوند و ساعت ۶:۳۰ به وقت مسکو هر دوطرف دور میز مذاکره می نشینند، روتسکوی می‌گوید:

آب و هوای مسکو چگونه بود؟

استاد فرمود: هوای بهاری بود.

روتسکوی گفت: آرزومندیم که نتایج مذاکرات هم بهاری باشد.[۱]

روتسکوی. متن روسی اعلامیه را مطالعه نموده گفت، چرا در اینجا در ماده سوم، برای آغاز انتخابات مدت دو سال ذکر شده است؟

استاد فرمود: مشکل این است که ۵ میلیون هموطن ما مهاجر است و آنها می خواهند به افغانستان برگردند و خانه های ویرانه خود را آباد سازند،ما به بازسازی کشور و احصائیه گیری دقیق نیاز مندیم و به نظر ما در خلال دو سال این کار، امکان پذیر است.

روتسکوی می‌گوید من به خاطری این سوال را طرح کردم که تا انتخابات به عمل نیاید وضع بی ثبات است.

استاد: ما اراده کرده‌ایم که همه نیروهای که می‌توانند امنیت و ثبات کشور را تضمین کنند سهم بگیرند. ما ازشخصیت های مؤثر درمیان مردم دعوت می کنیم تا شورای بزرگی را تشکیل دهند. آنها که حرف شان در میان مردم ما وزنه خاصی دارد، همچو شخصیت ها میتوانند در دوره انتقالی کار ها را به ثبات و آرامی به پیش ببرند.

روتسکوی: شما از متن این سند راضی هستید؟

استاد: یک آغاز مفید است، کارهای مهم دیگر باید آغاز شود من علاقه مندی، شخص شما را در حمایت از مردم مظلوم افغانستان

---

۱ – استاد در مذاکراتش با روس‌ها همیش صریح بوده است. از جمله در ۱۲ قوس ۱۳۶۷ ش برابر با ۲ دسامبر ۱۹۸۸ م که ریاست هیأت مجاهدین را در مذاکره با روس‌ها در طایف بر عهده داشت. در صحبتی با ورانتسوف رئیس هیأت روسی انجام داد. به او گفت هتلر که یک زمستان با روس‌ها جنگیده است شما چه اندازه از او نفرت دارید در حالی که شما در افغانستان ده زمستان است که همین عمل را انجام می‌دهید. بناء می‌توانید احساس مردم افغانستان را در برابر خود درک کنید.

در کنفرانس مطبوعاتی مسکو که روتسکوی از استاد راجع به هوای مسکو پرسید و استاد گفت هوای بهاری بود. شاید روتسکوی انتقام حرف استاد راکه به ورانتسوف گفته بود گرفته باشد، زیرا استاد از ورانتسوف پرسیده بود. آب و هوای مسکو چطور است .ورانتسوف پاسخ داده بود که در این روزها بسیار سرد است. واستاد گفته بود، تمام آتش را به افغانستان فرستاده اید و صحنه‌های نبرد را در افغانستان گرم کرده‌اید. پس باید هوای مسکو سرد باشد. فاضل

احساس کردم وبرای ما قابل قدر است.

موضع گیری موثر فدراسیون روسیه، مخصوصاً مستر یلتسین در قسمت تجاوزروسیه در افغانستان برای مامطلب مهمی بوده است. ما منتظر قدمهای جرأت مندانه و انقلابی شما هستیم. نقش سهم گیری زعامت جدید این کشور می تواند عمر فاجعه را در افغانستان کوتاه‌تر کند.ما در روشنی تصمیم گیری های زعامت جدید، چنین انتظار داریم. آغای بیلگانوف در کلمه حمایت ورژیم های تحت الحمایه با ما مناقشه داشتند، من برای آنها گفتم اگر رژیم کابل تحت الحمایه شما نیست، بیایید اعلان کنیم و شما بگویید که رژیم نجیب تحت الحمایه ما نیست. اما آنها نپذیرفتند. اگر چنین میشد بسا مشکلات ما پایان می‌یافت.

به هر حال ما به اتفاق رسیدیم و ما یک توقع داریم که کمک‌ها، قبل از جنوری قطع شود و آرزومندیم که در طیاره باشیم و خبرهایی از این نوع را بشنویم.

با مسألهٔ مذاکرات مستقیم با اتحاد شوروی و با روسیه از این لحاظ علاقه مند هستیم که باید روابط ما با همسایه‌ها بعد از جنگ، روابط همسایگی باشد.

روتسکوی: من آرزو دارم بعد از برگشت شما مفاد اعلامیهٔ مشترک به همه تنظیم ها رسانیده شود تا از پشتیبانی همه برخوردار گردد و ما هم این اعلامیه را به مطبوعات می‌دهیم و به آن عمل میکنیم.

آیت الله محسنی : رژیم، از مواد غذایی شما طوری که استاد عرض کردند، در اهداف نظامی خود استفاده می‌کند، شما در زمینه چه قدمی را بر میدارید؟

روتسکوی: در مادهٔ هشتم اعلامیه آمده است که باید هیأت مشترکی تشکیل گردد و خواهش من اینست در کمیسیون مشترک بالای مسایل مربوط، جانبین غور بکنند.

آیت الله محسنی: ما انتظار داریم که علاوه از مواد مندرجهٔ

اعلامیه، روسیه قدم‌های جرأت مندانه بردارد تا مورد اطمینان ملت شود و گروه هایی که در این مذاکره، شرکت نکردند، تشویق شوند.

روتسکوی: من چیزی را که وعده دادم و گفتم، اجراء می‌کنم در مورد راکت سکاد، برای ما گزارش دادند که اکمالاتش قطع شده است و آنچه در اعلامیه تذکر رفته ما اجرا می‌کنیم و من تقاضا می‌کنم ماده‌ای که در مورد اسرای جنگی ذکر شده، همزمان باکار های دیگر اجرا شود و شما کمیسیونی را که تعیین می کنید با ما مذاکرات را ادامه دهد و این دو کمیسیون با صلاحیت می‌توانند با هم اسنادی را امضا کنند و من خواهش میکنم تشکیل این کمسیون به تعویق اندخته نشود و در صورت تشکیل آن از طریق سفارت ما در پاکستان ما را مطلع سازید و طوری که من وعده داده ام طی یک ماه آینده ملاقات هایی با ایران و پاکستان و سعودی انجام خواهیم داد که چگونه قدرت را به حکومت انتقالی اسلامی انتقالی بدهیم و توافقات مندرجه اعلامیه باید از طرف ماوشما در عمل پیاده شود.

روتسکوی خواست این حرف پایان حرف‌هاباشد از همینرو گفت: از مطبوعات دعوت می‌کنیم تا همه چیز را فلم برداری کند و آنچه توافق شده، مشترکا به خبرنگاران میگوییم.

اما استاد نخواستند حرفهای روتسکوی پایان حرفها باشد و حرفهای روتسکوی را چنین رد کردند:

از پیشنهاد های شما بسیار تشکر می‌کنم، ما باوجودی که از کشورهای اسلامی پاکستان، سعودی وایران و همکاری های شان سپاس‌گزاریم، مایل هستیم که در مسایل مربوط به ما، باکسی دیگری مذاکره نشود و ما نمی خواهیم در مسایل مربوط به کشور مان، به دیگران موقع داده شود.[1]

---

۱ - استاد با وجود آنکه بنام محافظه‌کار مشهور است، اما در گفته‌ها و نوشته هایش صریح اللهجه است. به ویژه در مسایلی که به استقلالیت و خط ملی ارتباط بگیرد. صراحت خود را نمی‌تواند کتمان کند. استاد در سالهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی ایران که برخی می‌خواستند قیام مردم مسلمان ومجاهد افغانستان را متأثر از انقلاب اسلامی ایران بدانند←

پس از پایان یافتن حرف‌های استاد، ساعت ۷:۱۳ شام مجاهدین وهیأت شوروی عقب میز گرد قرار گرفتند و خبر نگاران که در بیرون انتظار می کشیدند، اجازه و رود یافتند. ورروتسکوی متن روسی اعلامیه مسکور را در برابر خبرنگاران قرائت کرد. سپس به سوالات خبرنگاران پاسخ گفته شد که در اول هر خبرنگار دست بلند می کرد و سوال می‌نمود و در آخر، خبرنگاران به یکدیگر فرصت نمی‌دادند و یکی بر دیگر پیشدستی می کردند.

استاد به برخی از سوالات خبرنگاران چنین پاسخ داد:

شروع مذاکرات مفید بود برخی موادی که بالای آن توافق شده است مفید است. این اولین باری است که رسما دو طرف باهم اعلامیهٔ رسمی می‌دهند و شوروی به انتقال صلاحیت به حکومت انتقالی اسلامی اعتراف و موافقه نموده است. و اولین باری است که شوروی موافقه می کند اکمالات بالای رژیم نجیب قطع شود.

و به ارتباط اسرای جنگی مجاهدین آمادگی دارند که اولین گروه از اسرای جنگی شوروی را قبل از اول جنوری ۱۹۹۲ آزاد سازند.

.رساله‌ای بنام« استقلالیت انقلاب» در تهران نوشتند و در آن به انواع وابستگی‌ها تماس گرفته همه را ردکردند. همچنان در مقاله دیگری که در پاکستان نوشتند .یادآور شدند که جمعیت اسلامی افغانستان در تهران مخالف ریاض و اسلام آباد. حرف نمی‌زند و نه در اسلام آباد برضد ریاض و تهران موضع‌گیری میکند و نه هم در ریاض حرفهای دیگرش را فراموش میکند، این همه بیانگراستقلالیت فکری موصوف است. استاد در راه سفر به مسکو در اسلام آباد و جده این شیوهٔ خود را آفتابی نموده و در این باره که آیا در مورد شکل حکومت با روسها مذاکره خواهد کرد گفتند: آیا در مورد شکل حکومت باروس‌ها مذاکره خواهیم کرد؟ نه، هرگز. ما با روس‌ها دراین مورد مذاکره نخواهیم کرد و نه به آنها چنین اجازه‌ای خواهیم داد. این حق ماست. نه به روس و نه به دیگران چنین اجازه‌ای خواهیم داد. کیفیت تشکیل حکومت در افغانستان تنها حق خود ماست.

همچنان وقتی که روتسکوی در مسکو گفت: من وعده داده ام طی یک ماه آینده ملاقاتهایی با ایران و پاکستان و سعودی انجام خواهیم داد که چگونه قدرت را به حکومت انتقالی اسلامی انتقالی بدهیم. و به این ترتیب روتسکوی می‌خواست مذاکرات را پایان دهد استاد حرفهای اورا با صراحت رد نموده گفتند: ما باوجودی که از کشورهای اسلامی پاکستان، سعودی وایران و همکاری های شان سپاس‌گزاریم، مایل هستیم که در مسایل مربوط به ما، باکسی دیگری مذاکره نشود و ما نمی‌خواهیم در مسایل مربوط به کشور مان. به دیگران موقع داده شود. البته این صراحت لهجه و استقلال خواهی. زیان‌های بر استاد وارد کرده است که تفصیل آنرا بایست به وقت دیگر موکول کرد.

«فاضل»



الهام و فضل الرحمن فاضل در جده

استاد در برابر یک سوال دیگر گفتند:

طرف روسیه فدرال، خیلی قاطع برخورد داشت اما طرف شوروی مسایل را باشک دنبال میکرد. باز هم نتایج خوب بود. ما علاقه مند هستیم با روسیه و جمهوری‌های مستقل آسیای میانه که با ما هم‌سرحد هستند و دارای زبان و فرهنگ مشترک هستیم و ملت های آنها با ما روابط دینی دارند، رابطه حسنه داشته باشیم.

و به این ترتیب مذاکرات مجاهدین با روس‌ها، با صدور اعلامیهٔ هشت ماده‌ای پایان یافت.

هیأت مجاهدین در حالی که از طرف مقامات بلند پایه روسی بدرقه می‌شدند، به میدان هوایی مسکو رفتند و ساعت نه شب به وقت مسکو، تلویزیون مسکو گزارش توافقات را پخش کرد. سپس مجاهدین با برادرانی که از ایران آمده بودند خدا حافظی کردند. و به هواپیمایی که ۲۴ ساعت قبل در میدان هوایی، انتظار هیأت را می‌کشید بالا شدند[۱] و به صوب جده رهسپار گردیدند.

پس از وصول به جده و رفع خستگی های ناشی از این سفر پرجنجال، برادران همسفر جمعا و فردا غرض ادای عمره به صوب بیت الحرام عزیمت نمودند و پس از ادای عمره و ادای شکران این پیروزی در این سفر، واپس به جده و یکی دو روز دیگر غرض دید و وادید و ملاقات با دوستان و مهاجرین در قصرالمؤتمرات جده باقی ماندیم.

---

۱ - وقتی که به هواپیما بالا شدیم. اعضای هیأت در آن هواپیمای بزرگ در هر جایی که میل شان بود اخذ موقع کردند. من هنوز هم در «فرست کلاس» هواپیما بودم. مگر استاد کدام هدایتی داشته باشد یا حد اقل تبصره‌های آن بزرگان را در مورد مذاکرات بشنوم و بدانم. ناگاه مولوی صاحب محمد نبی به من اشاره نمودند که به نزدشان بروم، ایشان کلید اتاق شان را با خود آورده بودند و دروازه ورودی هواپیما هم بسته شده بود اما هنوز «زینهٔ آهنین » را دور نکرده بودند. شیشه دروازه را تک‌تک زدم، دروازه باز شد ومن کلید اتاق مولوی صاحب را به آن کسی که دروازه را باز نموده بود تسلیم کردم و افرادی که هنوز در صحن فرودگاه بودند قضیه را دانستند وهمه را خنده گرفت. بعد از این که به جده رسیدیم و زمینه مساعد گردید و من داستان را به وثیق صاحب و فرهیخته صاحب حکایت کردم. وثیق‌صاحب خندید و کلید اتاقش را از جیبش کشید و گفت من آن را با خود به جده آورده‌ام !. فاضل

روتسکوی: من چیزی را که وعده دادم و گفتم، اجراء می کنم... و من تقاضا می کنم ماده ای که در مورد اسرای جنگی ذکر شده، همزمان با کارهای دیگر اجرا شود و شما کمیسیونی را که تعیین می کنید با ما مذاکرات را ادامه دهد و این دو کمیسیون با صلاحیت می توانند با هم اسنادی را امضا کنند و من خواهش میکنم تشکیل این کمیسیون به تعویق انداخته نشود و در صورت تشکیل آن از طریق سفارت ما در پاکستان ما را مطلع سازید و طوری که من وعده داده ام طی یك ماه آینده ملاقات هایی با ایران و پاکستان و سعودی انجام خواهیم داد که چگونه قدرت را به حکومت انتقالی اسلامی انتقال بدهیم و توافقات مندرجه، اعلامیه باید از طرف ما و شما در عمل پیاده شود.

روتسکوی خواست این حرف پایان حرف ها باشد از همینرو گفت: از مطبوعات دعوت میکنیم تا همه چیز را فلم برداری کند و آنچه توافق شده، مشترکاً به خبرنگاران میگوییم.

اما استاد نخواستند حرفهای روتسکوی پایان حرفها باشد و حرفهای روتسکوی را چنین رد کردند:

از پیشنهادهای شما بسیار تشکر می کنم، ما با وجودی که از کشورهای اسلامی پاکستان، سعودی و ایران و همکاری های شان سپاس گزاریم، مایل هستیم که در مسایل مربوط به ما، با کسی دیگری مذاکره نشود و ما نمی خواهیم در مسایل مربوط به کشورمان به دیگران موقع داده شود.

(ازصفحه۱۰۴کتاب)

در این جریان «الهام» اسیر ازبکستانی همراه پدر و کاکایش که با هیأت مجاهدین از مسکو به جده آمده بودند، تحت شرایطی موافقه نمود تا به ازبکستان برود. شروطی که الهام داشت این بود:

۱ - وی متوجه کاکایش که سمت ولسوالی خوارزم ازبکستان را داشت، شده گفت:

پدرم تا حال به اسلام بلد است، نماز می خواند ولی تو تعهد بسپار که مسلمان می‌شوی ونماز می‌خوانی.

۲ - به کاکایش گفت که چون تو ولسوال هستی من می‌خواهم در آنجا مردم را به اسلام دعوت کنم و تو باید از من حمایت کنی.

۳ - پس از ملاقات با مادرم و سپری شدن سه ماه، زمینه عودت مرا به نزد مجاهدین آماده بسازی تا من بتوانم بنزد برادرانم در افغانستان و پشاور برگردم..

و با پذیرش این سه شرط الهام با استاد و اعضای هیأت وداع کرد و رهسپار ازبکستان گردید. سپس توسط طیاره به صوب مدینة‌الرسول رهسپارشدیم، حوالی ساعت یک شب به مدینهٔ منوره رسیدیم و شب را در هوتل سپری کردیم و غرض ادای فریضهٔ بامداد به مسجد النبی (ص) رفتیم و پس از ادای نماز و زیارت روضهٔ اطهر و ادای نماز ظهر در مسجد النبی و زیارت بعضی اماکن مقدسه جانب میدان هوایی رفتیم و از آنجا توسط هواپیمای اختصاصی به صوب اسلام آباد پرواز کردیم . حوالی ساعت ۴ روز سه شنبه وارد میدان هوایی اسلام آباد گردیدیم و بدین ترتیب این سفر پر مخاطره، تاریخی و مهم پایان یافت.

* * *

تذکار:
خواننده گان گرانقدر، به علت گذشت سالیان دراز بر اصل عکس ها ، کیفیت رنگ آنها اندکی متغیر شده بود ، از آنرو امیدواریم ما را معذور پندارید .



آیت الله محسنی، مسعود خلیلی، استاد ربانی و مرتضوی در حال صحبت با مادران
اسیران روسی در مسکو

بنابراین همه برادران دست نیاز به پیشگاه ذات کبریایی برافراشته بودند و با سوز و گداز و با کمال خشوع و تضرع نصرت پرورگار را دراین معرکه التجا مینمودند. چه این رویارویی با دشمن، کمتر از صحنه‌های خونین داخل کشور نبود.

سرانجام نزدیکی‌های شام، طیاره در فرودگاه بین المللی مسکو (شیری میتوا -۲) بر زمین نشست.

همه دعامیکردند که خداوند مجاهدین را پیروز کند، مسعود خلیلی نسبت به دیگران با صدای بلندتر «آیت الکرسی» را تلاوت میکرد هرکسی زیر لب وِرد و دعایی زمزمه داشت، تبسم معنی خیزی بر لبان استاد پدیدار بود و اعضای هیأت با رعایت سن و وظیفه از پلکان هوا پیما پایان شدند. ما اعضای انجمن آخرین کسانی بودیم که از هواپیما پایین می‌شدیم.[1]

هوا بارانی بود و باد سرد مسکو بر سر و صورت مان کوبیدن گرفت. معین وزیر خارجه شوروی وچند تن دیگر در میدان هوایی مسکو « شیری میتوا - ۲) از هیأت مجاهدین استقبال کردند، هجوم خبرنگاران و عکاسان شروع شد، هیأت داخل ترمینل گردید[2] و در

---

۱ - قبل از پایان شدن، خوب به خاطر دارم که مسعود خلیلی بعد از کسب اجازه از استاد رو به حاضران نموده گفت : برادران در پایین شدن نوبت را مراعات دارند. هر برادر یک شماره دارد، استاد، یک، مولوی صاحب محمدنبی، دو، آیت الله صاحب، سه، قاضی صاحب وقاد، چهار مولوی صاحب فضلی پنج . و به این ترتیب برای همه یک شماره تعیین کرد و گفت آخرین نفر من. و همه، جز خودش ،نوبت را مراعات کردند، زیرا او برای خود، شمارهٔ آخرین یعنی پانزدهم را داده بود، اما چون حرف‌های استاد را باید به زبان انگلیسی ترجمه می‌نمود، از همینرو همیش در پهلوی استاد بود . فاضل

۲ - استاد وقتی که داخل ترمینل میگردیدند نظر من به مجسمهٔ نیم تنهٔ «لینین» افتاد که از سنگ یا گچ سفید ساخته شده بود، خود را به استاد نزدیک کردم وبرایش گفتم مسیرش را طوری انتخاب کند که کدام عکاس از ایشان در نزدیک مجسمه لینین عکس برداری نکند. البته این کار به خاطر این بود تا رقیبان حسود و یا هم پیش‌پابینان، هفته‌ها وقت خودرا ضایع نکنند که استاد در زیر مجسمه لینین خبیث! عکس یادگاری گرفت!، مثلی که در پشاور عکس یک دوشیزه افغان را که با ریگان رئیس جمهور امریکا عکس گرفته بود پخش کردند و گفتند که دختر صبغت الله خان مجددی با ریگان عکس گرفته است، در حالی که خداوند به حضرت صاحب جز فرزندان نرینه دختری عطا نفرموده است.!فاضل

آنجا مصاحبه مختصری انجام یافت. از ترمینل برون شدیم، موترها آماده رفتن به اقامتگاه هیأت در مسکو بود. موترهای حامل هیأت بعد از ۲۰ دقیقه ساعت ۴۰ : ۴ به وقت مسکو به هوتل « اکتبر سکایا» که روبروی تعمیر سابقهٔ وزارت خارجه قرار دارد، رسید. گفته میشود که این هوتل،مهمانخانه وزارت خارجه شوروی است.

دوساعات بعد اعضای هیأت احزاب افغانی مقیم ایران هم با هواپیمای اختصاصی از جمهوری اسلامی ایران به مسکو رسید[1] و آنها نیز با ما پیوستند. صحبت مختصری با رئیس هیأت، استاد برهان الدین ربانی به عمل آوردند و در رابطهٔ مذاکره فردا با جانب شوروی با هم تبادل نظر کردند.

برادرانی که از جمهوری اسلامی ایران تشریف آورده بودند عبارت بودند از:

۱ – حجة الاسلام و المسلمین سید رحمت الله مرتضوی
۲ – آقای فیاض
۳ – داکتر سلطانی،
۴ – شیخ زاده،
۵ – قوماندان شفق،

شب را در هوتل سپری کردیم و فردای آن روز یکشنبه ۱۰ نوامبر

---

۱ – در سفر هیأت مجاهدین ازپشاور به مسکو دو نفر از مامورین آی ایس آی که یکی آن کرنیل طارق نام داشت. ما را همراهی می‌کردند . اما در مذاکرات شرکت نداشتند و در ایام مذاکرات در سفارت شان در مسکو می‌بودند. با برادرانی که از جمهوری اسلامی ایران تشریف آورده بودند. نیز سه تن از کارمندان وزارت خارجه ایران .ایشان را همراهی میکردند. از همینرو آقای سید حامد گیلانی، روزی به شوخی گفت ببینید با برادرانی که از ایران آمده‌اند، چند تا «طارق» آمده است؟. سپس به خوشمزه‌گی این شوخی افزوده گفت: آن کسی که با ما آمده است «طارک» است و از آنها «طارغ»به خاطر اینکه پاکستانی‌ها «قاف» را «کاف» تلفظ می‌کنند و ایرانی‌ها «قاف» را «غ».

گستاخی کرنیل طارق را من در جده مشاهده کردم که آقای سید ابراهیم حکمت خارج از هیأت مجاهدین نیز شاهد آن وضع بود. او اصرار داشت تا هیأت پشت سفر به مدینه منوره و دید و وادید در جده نگردد، بلکه هر چه زودتر رهسپار اسلام آباد شود، حتی او به صدای بلند که از آن آمریت می‌بارید صحبت می‌کرد. با وجود آن، هیأت به حرفهایش وقعی نگذاشته و تقریباً پس از مذاکرات، سه روز دیگر در سعودی به سر برد و سپس رهسپار اسلام آباد شد. فاضل .

(۱۹ عقرب) هیأت مجاهدین، باوحدت نظر و عمل تحت ریاست استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان،در تالار شورای عالی اتحاد شوروی (پارلمان) با الکساندر روتسکوی، معاون رئیس جمهور فدراسیون روسیه و مقامات ارشد آن جمهوری دیدار و گفتگو داشتند که آنرا در فصل بعدی گزارش خواهیم داد.

* * *

(۲)

نخستین شب مسکو

شب را باعالمی از اندیشه‌ها و افکار منسجم و نامنسجم در هتل به سر بردیم، چون فردا به سر میز مذاکره، باکسانی روبرو می‌شدیم که سیزده سال تمام ملت ما با آنها مصاف داده بود. با کسانی روبرو می‌شدیم که عمری شکست و رجعت را در قلمرو افکار و اندیشه‌ها شان ناممکن می‌دانستند. باکسانی روبرو می‌شدیم که ۷۳ سال تمام کمونیزم را منحیث ایدیولوژی دورانساز طبقه کارگر، به بشریت تبلیغ کرده بودند و اطاعت بی قید و شرط بشریت را از این نظام در زیر چتر نام نهاد جبر تاریخ،یک امر اجتناب ناپذیر می‌دانستند.

باکسانی روبرو میشدیم که ۷۳ سال باخشونت و قساوت بالای جمجمه‌های مردم راه رفتند و برسرنوشت بخش عظیمی از دنیا جابرانه حکومت راندند و در پهلوی آن، پس از این همه زورگویی‌ها وقدرت نمایی ها در برابر بندگان ناتوان خدا و برهنه پایان افغانستان، عظمت شان برزمین خورده وطشت رسوایی شان از بام افتاده بود، اینهمه تصورات در ذهن فرد فرد هیأت نقش می بست و آن جنایاتی را که برملت‌های مظلوم و بیدفاع روا داشته بودند، یک یک از نظر می‌گذراندیم و آن وحشت و بربریتی را که برملت مسلمان ما رواداشته بودند با آن تابلوهای غم انگیز شان از قتل و کشتار میلیون‌ها انسان بیدفاع وطن ما در برابر مان قرار می‌دادیم و در لابلای اینهمه افکار و اندیشه‌ها، یک یک صفحات سیاه کانارمه‌ها و جنایات ۷۳ ساله روس را ورق می‌زدیم و مرور می‌کردیم وضجه‌ها و ناله‌های انسان‌های دردمند تاریخ از زمان لینین تا ایندم را از کیوبای کمونیست گرفته تا افغانستان خونین، می‌شنیدیم و از میان اینهمه درد ها و رنج‌ها، ضجه‌ها و ناله‌ها، متنی، برای فردا تهیه می‌کردیم و

تابلویی تصویر می نمودیم تا توانسته باشیم، تجسمی از اینهمه وحشت و جنایت در برابر آنها ارائه کنیم و تا باشد ضمیرهای آلوده شان را به رقت وا داریم و در پایان این سیر یک شبه در تاریخ ۷۳ سالهٔ کمونیزم جنایتکار، اندیشه های نامنسجم را منسجم کردیم، دلهره و اضطراب را کنار زدیم و ما با الهام از سنگرهای داغ و خونین جهاد و با الهام از خون پاک شهدای راه خدا و با اتکال به نصرت و مدد پروردگار توانا، مصمم و استوار برخاستیم و بعد از ادای نماز بامداد و صرف چای صبح برای رفتن به مصاف بزرگ تاریخ آماده شدیم.

اینک این شب هیجانی پایان یافته است . عقربه‌های ساعت،(۹) صبح وقت مسکو رانشان میدهد. برادران بعد از جمع و جورکردن کارها و مرتب کردن افکار، آماده حرکت اند. بیرون از هوتل در مقابل درب آن سه عراده ماشین (موتر) والگای سیاه رنگ و یکعراده سرویس غرض انتقال هیأت مجاهدین به محل مذاکره آماده است. هیأت مجاهدین با مهمانداران به طرف بیلی دوم (قصر سفید) حرکت می کنند (بیلی دوم مقر پارلمان شوروی است و این همان قصری است که در زمان کودتای نافرجام ستالینیست‌ها علیه گورباچف آقای یلتسین رئیس جمهور روسیه فدرال چند روز در آن به سر برد و رهبری مقاومت علیه کودتا را بر عهده داشت)

موترهای حامل هیأت به دروازه قصر پارلمان میرسند و هیأت مجاهدین از طرف الکساندر روتسکوی معاون رئیس جمهور فدراسیون روسیه و همراهانش استقبال میگردند. و اکنون هیأت مجاهدین با جانب روسی در برابرهم بر سر میز مذاکره نشسته اند.

جریان مذاکره با معاون رئیس جمهور روسیه [۱]

اولین دور مذاکره:

ساعت ۳۰ : ۹ به وقت مسکو

دوشنبه ۳۰ عقرب ۱۳۷۰ (مطابق ۱۱ نوامبر ۱۹۹۱م)

نخست، الکسندر روتسکوی معاون رئیس جمهور فدراسیون روسیه لب به سخن می گشاید و چنین آغاز میکند:

« آمدن شما را به شوروی خوش آمدید میگوییم، روسیه فدرال تحت رهبری یلتسین از آنچه در افغانستان به وقوع می پیوندد دردمند است. ما می‌خواهیم به خاطر پیداکردن راه حل، دیالوگ میان همه جوانب شروع شود. مذاکرات ما و شما باید در فضای آزاد، صورت گیرد و نقاط نظر شما را باید پیدا کنیم، رسیدن به راه حل و تفاهم کارخود افغانها است. اما من نمی توانم پنهان کنم که قطع خونریزی به نفع روسیه هم است. اهالی صلح دوست روسیه از وضع فعلی رنج می‌برند.

ما آماده ایم جنگ خاتمه یابد و روسیه عزم مداخله در افغانستان را ندارد و « اندرونوف» به همین خاطر فعالیت می‌کند. در اول جنوری سال ۱۹۹۲ ارسال سلاح قطع میشود و مادراین مورد با امریکا به موافقه رسیده ایم، ذهنیت حاکم در شوروی به رها شدن اسیران جنگی ما زیاد علاقه دارد و زندانیان مجاهدین که نزد رژیم نجیب الله اند،باید آزاد گردند و من خواهش می‌کنم که یک فورمول جهت رها کردن محبوسین وضع گردد.

ما طرفدار حل صلح آمیز مسالهٔ افغانستان بدون مداخله در امور داخلی افغانستان هستیم، ما طرفدار حل مسالهٔ افغانستان به شیوه

---

۱ - اینجانب از جده تایپ کوچکی خریده بودم تا جریان مذاکره را حرف به حرف ثبت نمایم، اگرچه در آغاز متردد بودم، اما توکل به خدا نموده ،آنرا در جیب واسکت خویش جای دادم و با خاطر آرام جریان را ثبت کردم. و آنچه شما مطالعه می فرمایید، همان است که مستقیماً از نوار پیاده شده است . فاضل

دموکراتیک هستیم و مردم افغانستان باید تصمیم بگیرند که چه نوع نظام را در افغانستان خواهان اند، رهبری جمهوری روسیه و رئیس جمهور روسیه آماده است با هرحکومتی که از راه حل دموکراتیک به افغانستان می آید،کمک و همکاری کند، و من به صفت معاون رئیس جمهور روسیه، آماده هستم هرنوع همکاری را جهت حل مسالهٔ افغانستان انجام دهم.

ما باید طرز تفکر جهان را فورمول بندی کنیم تا جهانیان درک کنند که بایست در سرزمین مقدس افغانستان صلح احیا شود.

من در جنگ افغانستان شرکت داشتم و من در حالی که معاون رئیس جمهوری هستم، انسان هم هستم و از این ناحیه (شرکت در جنگ) احساس گناه می کنم. من یک شخص نظامی بودم و هستم، موقعی که در افغانستان بودم، اوامر حکومت مرکزی را تطبیق می‌کردم ولی احساس گناه می کنم و باز هم تکرار میکنم که آماده همکاری، در این مسأله هستم.

شوروی تلاش خواهد ورزید که هرقسم که می‌شود راه حل قضیه افغانستان را پیدا کند.

ماشش سال برنامه ای را پی ریزی کردیم که طی آن تماسهای مستقیم با عربستان سعودی و ایران داشته باشیم و ازین طریق، راه حل دموکراتیک را برای افغانستان پیدا کنیم»

از حرف‌های معاون رئیس جمهور روسیه تاثر پدیدار بود و چندین بار ترکیب « سرزمین مقدس افغانستان» را به کاربرد و درپایان حرفهایش افزود:

« ماملاقات‌های شمارا با وزیر خارجهٔ شوروی و نمایندگان جمهوریت‌های آسیای میانه، و سایر مراجع ترتیب داده‌ایم، تا از افکار همه مردم به خوبی آگاه گردید. و آرزو دارم در پایان سفرتان، یک ملاقات دیگرهم با شما داشته باشم.»

استاد درحالی که به چهره روتسکوی چشم دوخته بود، حرفهایش را چنین آغاز کرد:

« بسم الله الرحمن الرحیم.الحمد لله رب العالمین، قاصم الجبارین و الصلاة و السلام علی سیدنا محمد رسول الله و خاتم النبین و علی آله و اصحابه اجمعین.

من نخست از دعوت شما تشکرمیکنم. ما معتقدیم که تحول بزرگی به نفع صلح و آزادی مردم شما و به نفع منطقه و جهان رونما شده است، ما در شرایطی به روسیه می آییم که ایدیالوژی کمونیزم دفن شده است و صدای آزادی و صلح در اینجا به قوت شنیده می‌شود و بسیار خوشحال می بودیم، در زمانی این سفر صورت می‌گرفت که نمایندهٔ واقعی مردم، زمام حکومت را در کابل بر عهده می‌داشت. اما بدبختانه رژیم موجود در افغانستان، ادامه تجاوز ظالمانه ایست که از طرف حکومت روسیه صورت گرفته و توسط تانک‌های روسی به افغانستان آورده شده است. و اینک توسط «سکاد» و «اوریگان» آن در افغانستان حفظ میشود .

من حرف شمارا تایید می کنم که مردم افغانستان خواهان صلح باهمسایگان خود هستند، قرآن ما، برای مادستور می دهد که اگردشمنان صلح می خواهند و آماده صلح اند، شما با آنها صلح کنید.

تغییرات اخیری که بوسیله مستر بوریس یلتسین، صورت گرفته، مورد تایید ماست، این حرف آقای یلتسین را که « ما حمله بر افغانستان را تقبیح می کنیم» تقدیر می نماییم. خبرشدیم که پارلمان روسیه این حمله را محکوم کرده است، و ما خوشحال شدیم. از ین که دولتمردان روسیه نجیب را «بریای» افغانستان خوانده اند خوشحال گردیده‌ایم.»

استاد از ویرانی ها، تعداد کشته شدگان، آواره گی‌ها و مهاجرت‌ها یادآوری نموده گفت:

« روس‌ها در افغانستان از ۴۰ - ۵۰ ملیون ماین جابجا کرده اند که هرروز حادثهٔ دردناکی می‌آفرینند. شما به محکومیت کارهای قبلی تاکید می‌نمایید اما تعجب می‌کنم که کمک‌های شما هنوزهم به نجیب ادامه دارد. من در مذاکرات با «ورانتسوف» در طایف گفته بودم که



مولوی محمد نبی، آقای سلطانی و آقای فیاض

شما چرا جوانان خود را در دفاع از یک مشت جلاد به افغانستان می‌فرستید تا کشته شوند، و امروز برای ما قابل تعجب است که روسیه با وجود مشکلات اقتصادی، مردم روسیه را از لقمه نان محروم ساخته آنرا به جلادان در کابل می فرستد.

شما از دیالوگ مستقیم حرف زدید ، ملت افغانستان می‌گوید آیا خرابی‌های که توسط رژیم نجیب پدیدار شده، بدتراز خرابی‌های نیست که هتلر در شوروی انجام داده است ؟ آیا می شود که ملت روسیه بعد ازین همه ویرانی ها با هتلرکنار بیاید؟! حرف‌های نجیب در مورد صلح قابل باور نیست، زیرا شیطان فرشته نمی شود.

در مطبوعات روسیه برضد مجاهدین حرفهایی می‌زنند و مارا ظالم می خوانند درحالیکه مابه اساس تعلیمات اسلامی خود در برابر روس‌ها فوق العاده روش انسانی داریم، زیرا خداوند بنی آدم را کرامت داده است.من علاقه دارم موضوع اسیران باموضوع انسانهای جنایتکاری چون نجیب ارتباط داده نشود، این دو موضوع ازهم فرق دارند، ما باید بدانیم که چه عامل باعث شده است که مادران زیادی را، در فراق غم فرزندان خود قرار داده است. عاملین این جنایت را مردم شما در کشور تان از صحنه دور کرده‌اند و شما به صفت کسی که در جنایات سهیم بوده احساس گناه می کنید و لی عامل جنایت در کشور ما باقی است و متاسفانه از جانب شوروی باوی کمک می شود. روسیه باید جبران گناهان گذشته اش را نماید و پیغمبر اسلام صلی الله علیه و سلم می فرماید: همه فرزندان آدم اشتباه می‌کنند و بهترین اشتباه کنندگان، کسانی اند که توبه نمایند.[۱]

و ما امیدوار هستیم که شما در قسمت پایان دادن به فاجعه موجود در افغانستان، کمک کنید و طوری که شما بر دوران جرم و جنایت، استبداد و اختناق در کشور تان پایان دادید با ماهم، همکاری کنید که استبداد و اختناق و جنایت کمونیزم را در افغانستان دفن کنیم.

---

۱ - ترجمه حدیث، کل بنی‌آدم خطاء و خیرالخطائین التوابون . فاضل.

ما تاکید می‌کنیم که اگر جلادان آدمکش کابل توبه کنند و تسلیم شوند با آنها بسیار عادلانه رویه می کنیم، «تنی» که وزیر دفاع رژیم بود و در همه جنایات شریک بود، چون به مجاهدین پیوست با اومعامله انسانی صورت گرفت. و برادر نجیب (صدیق الله راهی) همراه با فامیلش مدت‌ها در داخل افغانستان در پناه حمایت مجاهدین بود وچون مایل بودند، افغانستان را ترک کنند، مجاهدین در انتقال شان با آنها همکاری نمودند.

شما باید بدانید که در افغانستان دو چیز صلح را تضمین میکند:

۱ - برچیدن بساط ادامه تجاوز روسیه در افغانستان که رژیم نجیب است و شما باید در این مورد همکاری کنید.

۲ - تشکیل حکومت اسلامی در افغانستان که با تشکیل آن، صلح و استقرار به وجود خواهد آمد.»

استاد بعد از پایان حرفهایش گفتند: برادران ما هریک: آقای مرتضوی، مولوی محمد نبی محمدی و آیت الله محسنی نیز شاید حرف‌های داشته باشند، آرزومندم گفتنی‌های آنانرا نیز بشنوید.

حجة الاسلام سید رحمت الله مرتضوی سخنگوی حزب وحدت اسلامی افغانستان صحبتش را چنین آغاز کرد.

« بسم الله الرحمن الرحیم. مجاهدین همه یک موقف دارند و من که از ایران آمده‌ام، دیدگاه‌های استاد ربانی را کاملاً تایید می‌کنم، حرف‌های که لازم به گفتن بود، ایشان بیان کردند برای تکمیل صحبت‌ها عرض میدارم که: افغانستان و اتحاد شوروی دوستان خوبی بودند و اشتباهاتی که از طرف رهبری سابق شوروی به میان آمده، رهبری جدید باید آنرا جبران کند، تا همان حسن همجواری قایم شود.

در صورتی که در پهلوی اتحاد شوروی یک افغانستان مقتدر و باثبات باشد، بهتر خواهد بود، شوروی از ملت افغانستان، ملت خوبتر پیدا کرده نمی‌تواند. شماوقتی دل ملت ما را بدست می آورید که رژیم کابل را که ملت ما آنرا نمی خواهد، از میان بردارید و الامسلم

دیباچه
(۱)

خوانندگان عزیز اطلاع دارند که یک هیأت بلند پایه مجاهدین، به ریاست استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان و سرپرست وزرات امور خارجهٔ حکومت موقت مجاهدین. بنابه دعوت روسیه فدرال عازم اتحاد شوروی گردیدند و با مقامات بلند پایهٔ اتحاد شوروی وروسیه فدرال و با شرکت وزرای خارجه و نمایندگان بلند پایه برخی از جمهوریت های مسلمان نشین آسیای میانه، مذاکرات مفصلی بعمل آوردند.

این مذاکرات که پنج روز به طول انجامید و در پایان مذاکرات، اعلامیه مشترکی صادر گردید که میتوان آنرا «فتح مبین» برای مجاهدین و ملت شهید پرور افغانستان خواند . محتوای این اعلامیه ره‌آورد عظیم این سفر پنج روزه بود که منحیث افتخار بزرگ در تاریخ مبارزات مردم ما جاویدانه تجلی خواهد یافت.

با این پیشگفتار کوتاه لازم دیدیم که جریان این سفر و گفتگو و برداشت‌های خویش را که از ابعاد مختلف و جهات متعدد. آموزنده است، خدمت خوانندگان عزیز گزارش دهیم. اینک شما و این هم جریان سفر.

کنفرانس مطبوعاتی هیأت در اسلام آباد :

رفتن هیأت مجاهدین به ریاست استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان، داغترین خبری بود که در هفتهٔ اول ماه عقرب ۱۳۷۰ خورشیدی ،زبانزدِ خاص و عام شده بود، و هر کسی در مورد چیزی می‌گفت. عدهٔ زیادی باور نداشتند که سفر به مسکو تحقق پذیرد. در بحبوحه همین باورها و ناباوری‌ها و مخالفت چند تن از

است که ملت ما آنرا بدست حود می بردارد.

در رابطه محبوسین می‌گویم که ما انسان هستیم و برعلاوه آن مسلمان هستیم و طرفدار آزاد کردن محبوسین هستیم و به تایید فرموده استاد ربانی، این هردو فقره از هم جدا می‌باشند.

عامل اصلی پرابلم ها که رژیم کابل است اگر از بین برده شود، دیگر همه معضلات حل میگردد.»

سپس مولوی صاحب محمد نبی محمدی امیر حرکت انقلاب اسلامی گفتند:« بسم الله الرحمن الرحیم. آنچه محترم استاد ربانی رئیس هیأت فرمودند کفایت می‌کند، و آنچه آقای مرتضوی گفت و حرفهای استاد را تکمیل کرد. تکمیل درستی بود و من هم یک جمله را اضافه میکنم و آن اینکه: از روسیه در جهت از میان برداشتن رژیم کابل، آرزومندیم و باید ناامید نشویم. باید در جواب اینطور گفته نشود که ما در امور کابل مداخله نمی کنیم، چرا که رژیم کابل بالای مردم ما به زور تحمیل شده و الان باید از میان برداشته شود و این کار مداخله گفته نمی‌شود.»

بعد از پایان حرفهای مولوی صاحب محمد نبی، استاد به یاد آوردند که اعضای هیأت را معرفی نه نموده اند، بناء اعضای هیأت را معرفی داشتند و سپس گفتند: آیت الله محسنی صحبت کنند.

آیت الله محسنی حرف‌هایش را چنین آغاز کرد:

« بسم الله الرحمن الرحیم. ما واقعاً برای مذاکرات جدی آمده ایم، عده ای با آمدن ما مخالفت داشتند، اما اکثریت موافق بودند، باید شما حرف‌های جدی مطرح کنید. ملت ما با نجیب و دارودسته اش حاضر به محاوره و دیالوگ نیستند. و گروه‌های جهادی هم آماده مذاکره با نجیب نیستند.

شما می‌گویید که رژیم فعلی روسیه، جنایات برژینف را بر عهده ندارد، در حالیکه روسیه بزرگترین جمهوری در شوروی است و در همه جنایات شوروی شریک بوده است، به طور نمونه، شما خود تان در جنگ افغانستان حضور داشتند که فعلاً ناراحت هستید.

ما با اسیران شما معامله انسانی داریم، باید بفهمید که اسیران شما با مجاهدین بسر می‌برند و سکادهای که به افغانستان می فرستید در اثر آن نه تنها مردم افغانستان، بلکه اسیران شما هم کشته می‌شوند، شما آنقدر به کابل سلاح داده اید که اگر اول جنوری سال ۱۹۹۲ هم سلاح قطع شود، سالها برای ادامه مداخله شما کفایت می‌کند.

مجاهدین ما در پل چرخی در نزد رژیم نجیب، زندانی اند و تحت شکنجه قرار دارند.

من در گذشته نامه ای به یلتسین فرستاده بودم شاید رسیده باشد، اینک متن همان نامه را با خود آورده‌ام شما برایش تسلیم کنید.»

[روتسکوی نامه آیت الله محسنی را عنوانی یلتسین تسلیم می‌شود و به حرف‌هایش چنین آغاز می‌کند:]

« استاد صاحب محترم ربانی! من حرفهای شمارا کاملاً تایید می‌کنم اما می‌خواستم یک نکته را یاد آور شوم و آن اینکه روسیه و اتحاد شوروی دو چیز مختلف اند و از هم فرق داردند، شما اطلاع دارید که ما بر ضد شوروی مبارزه می‌کنیم و این مبارزه ما ادامه دارد و روسیه استقلال خود را اعلان کرده است. برخوردهای رهبری شوروی، مورد تایید ماهم نیست.

رهبری شوروی اعلان کرده است که: هیچ نوع سلاح به افغانستان تحویل ندهد، اگر این تحویل‌دهی اسلحه ادامه داشته باشد، من امروز یک کمیسیون تشکیل می‌دهم تاهر سلاحی که به افغانستان می‌رود، زیر کنترول قرار گیرد، و ما می‌خواهیم دروغ رهبری شوروی به همه برملا شود.

ما تضمین می‌کنیم که در روزهای نزدیک به کابل یک مرمی هم داده نخواهد شد و به صفت معاون رئیس جمهوری روسیه این تضمین را می‌دهم و فقط برای مردم افغانستان، مواد غذایی و مواد سوخت کمک می‌کنیم، و اگراین نوع کمک ها را قطع کنیم مردم افغانستان می‌میرند. و این به نفع صلح است، و اگر، کمک نکنیم و مردم بمیرند به اساس اصول آیین اسلام و مسیحیت گناه بزرگی است»

من می‌گویم که ارسال مواد غذایی به مردم افغانستان یکی از راه‌های جبران گناهانی است که در افغانستان مرتکب شده‌ایم. ما باید به افغانستان کمک کنیم چون الله و مسیح گفته است که «به مستضعفین لقمه نان داده شود.»

مادر آغاز مذاکرات گفتیم که اندرونوف - که اورا می شناسید - در آینده نزدیک به ایران، سعودی و پاکستان سفر می‌کند و با مجاهدین هم امکان دیدار مساعد شود، تا جنگ در سرزمین مقدس افغانستان قطع کرده شود و این کار یکی از راه‌های جبران گناهان ماست. ما در ین رابطه با سفیر پاکستان در شوروی ملاقات کرده‌ایم. آنها با اظهارات ما موافق هستند. باید به مجاهدین فرصت داده شود تا یک حکومت اسلامی تشکیل شود، زیرا مجاهدین به خاطر قطع جنگ، مبارزه می‌کنند.

من به چشم سردیدم که مردم افغانستان در چه شرایط دشوار، حیات به سر می‌برند، و کودکان چه حال داشتند؟

کودکان زیبای افغانستان معلول هستند و این جای تأسف است.

من ازینکه ارسال راکت‌های «سکاد» ادامه دارد ناراحت شدم. من آماده هستم که تا هیچ نوع سلاح به افغانستان ارسال نگردد. این وظیفه من بحیث انسانی است که از گناهان خود پیشمان است. و بعد از تاسیس حکومت اسلامی ما پروگرام برچیدن ماین ها را آغاز می‌کنیم، زیرا وقتی که حکومت جدید اسلامی بیاید، روسیه دربرابر ملت افغانستان دست خالی نباشد، بلکه بایست با آنها همکاری داشته باشد.

به آنانی که در مذاکرات اشتراک نکرده اند بگویید که «یلتسین» طرفدار واقعی شما و افغانستان است، ما طرفدار همکاری هستیم و امید واریم ما را همکار واقعی خود بشناسید.

من به صفت معاون رئیس جمهور، به پارلمان نتیجه مذاکرات را گزارش می‌دهم و امیدوارم در خاتمه مذاکرات تان با دیگر شخصیت ها و مراجع، باهم جلسه دیگری داشته باشیم و مذاکرت ما و

شما باید ادامه داشته باشد.»

سپس استاد رشته سخن را بدست گرفته فرمودند:

« من باردیگر از شما تشکر میکنم، حرفهای شما دوستانه بود، ما به اساس دعوت یلتسین آمدیم و اگر دوران برژینف می بود، هرگز ما نمی آمدیم.

شوروی بعد از « نگتیف سمتری » (تناظر منفی) مدهش ترین سلاحها را به افغانستان گسیل داشته است و دراین مورد از طرف احمد شاه مسعود برای من اطلاع داده شده است. برعلاوه یک تعداد ملیشه ها از سرحدات شوروی مسلح میشوند و در پهلوی رژیم نجیب قرار می گیرند.

باید به صفت یک گام عملی اعلان شود که دیگر به رژیم کابل اکمالات صورت نمی گیرد.

من ادامه مذاکرات را تأیید می‌کنم و از احساس شما در مورد کمک مواد غذایی به مردم افغانستان تشکر می‌کنم، اما یادآور می‌شوم که نجیب ازین کمک ها برای ادامه جنگ استفاده میکند و تنها با آنانی کمک غذایی می‌کند که به جنگ می روند، باید در مورد این کمک ها طوری فکر شود که کمک ها به مردم برسد، نه اینکه برای ادامه جنگ از آن استفاده شود.

من امیدوارم که در مذاکرات آینده شاهد ابتکارات جدید شما باشیم و به مستریلتسین اطلاع دهید که مجاهدین افغانستان به خاطر جرأت و قاطعیتش به او علاقه دارند.»

جلسه حوالی ساعت یک بعد از ظهر به وقت مسکو پایان یافت. استاد نخست برای روتسکوی یک جلد البوم جهاد را که مراحل مختلف جهاد را همراه با پیروزی‌های مجاهدین و جنایات روس‌ها و کمونیستها به نمایش می گذاشت تقدیم کردند. سپس ترجمهٔ روسی قرآنکریم را به روتسکوی هدیه کردند و گفتند : این ترجمهٔ کتاب مقدس ما مسلمانان (قرآن کریم) است، آرزومندم آنرا عمیق مطالعه کنید.

روتسکوی گفت : این تحفه مقدسی است و من ازمدت‌ها آرزو داشتم آنرا بدست آورم و مطالعه کنم، مگر متن آن عربی بود و من نمی‌توانستم از آن استفاده کنم. روتسکوی بعد از گفتن این جمله، ترجمه قرآنکریم را با محبت در سینه اش فشرد.

هیأت مجاهدین قصر پارلمان شوروی را ترک گفتند: خبرنگاران از نتایج این جلسه تعارفی، استفسار کردند که استاد آنرا مفید خواند.

هیأت مجاهدین جهت ادای نماز و صرف چای ،نان خشک و تخم جوش‌داده [1] به اقامتگاه شان حرکت کردند تاخود را جهت ملاقات با مادران و خویشاوندان اسیران جنگی شوروی در نزد مجاهدین آماده سازند، که جریان آنرا در بخش آینده إن شاء الله مطالعه خواهید کرد.

❋ ❋ ❋

---

۱ – در مدت پنج روزی که در مسکو به سر بردیم، هیأت به خاطر دست نیافتن به غذای حلال صرف. از چای، نان خشک و شیر استفاده می‌کرد. استاد حتی شیر هم نمی‌نوشید و آیت الله محسنی تنها همان چایی را صرف می‌کرد که حجةالاسلام هادی برایش تهیه می‌کرد و چایی راکه در هوتل تهیه می‌نمودند آنرا صرف نمی‌نمود.ما اعضای انجمن یک‌مقدار خرمایی را که از جده آورده بودیم ،همه را به اعضای هیأت تقسیم کردیم .روزسوم مذاکرات یکتن از وطندران فیض‌آبادی بنام «عبد الرءوف فرزند الحاج قاری عبدالاحد نواسه مرحوم داملا صاحب محمد صدیق» که در مسکو تجارت داشت برای مان قابلی پلو لذیذی، تهیه کرده به هوتل آورد که همه اعضای هیأت با اشتهای تمام آنرا نوش جان نمودند، و یکمقدار زیاد سیب هم آورده بود که برعلاوه اینکه اعضای هیأت آن را صرف کردند مقداری را به خدمه‌های روسی هوتل نیز هدیه دادیم. فاضل

(۳)

گفت و شنود با خویشاوندان اسیران روسی

در بخش قبلی، ادامه گزارش سفر هیأت مجاهدین را تا اینجا تعقیب کردید که هیأت مجاهدین قصر پارلمان شوروی را ترک گفتند و خبرنگاران از نتایج این جلسه تعارفی استفسار کردند که استاد آنرا مفید خواند. هیأت مجاهدین، جهت ادای نماز و صرف نان خشک، چای و تخم جوش داده به صوب اقامت گاه شان حرکت کردند، تا خود را جهت ملاقات با مادران و خویشاوندان اسیران جنگی شوروی در نزد مجاهدین، آماده سازند.

هیأت مجاهدین پس از ورود به اقامتگاه‌شان وادای نماز ظهر و صرف نان چاشت که در دیباچه این صفحه تذکر یافت ،اینک آماده رفتن به مجلسی هستند که مادران و اقارب اسرای شوروی، انتظار ورود آنان را می‌کشند، تا از سرنوشت فرزندان و وابستگان شان که در نزد مجاهدین هستند واقف گردند و اطمینان یابند.

ساعت، ۳ بعد از ظهر به وقت مسکو را نشان می‌دهد، هیأت مجاهدین از اقامت گاه خود خارج می شوند و طبق معمول همان سه عراده موتر والگای سیاه و یک موتر سرویس آماده است. موترها حرکت می کنند، هوای مسکو با وصف سرمای شدیدش، مطبوع و دلکش است، هوای پشاور گرم است وزمستانش هم آن زیبایی طبیعی خود را ندارد. چهار فصل سال هر کدام از خود زیبایی و جاذبهٔ خاص دارد، آنچنانی که سبزه‌ها و گل‌ها و چهچه بلبلان و عندلیبان بهار را زیبا و پر جاذبه و مطبوع می‌سازد، هوای بارانی، خنک باد های زمستانی، برف‌های متراکم و متکاثف و یخبندان ها از زیبایی طبیعی زمستان است، در این چهار صفحه ضخیم سال، ده‌ها رمز و هزاران آیت از آیات قدرت و عظمت خداوندی مشاهده میشود.



آیت الله محسنی، مولوی محمدشاه فضلی، کرنیل طارق پاکستانی و آقای عزیزی در هوتل قصر مؤتمرات جده.

از شیشه موتر به بیرون نگاه می‌کردیم، درخت‌ها همه عریان و کرخت گویی ما را نظاره داشتند، صفوف طولانی از مردم را که لباس های گرم زمستانی به تن داشند و خریطه‌هایی را حمل می‌کردند ،می‌دیدیم که به انتظار بدست آوردن آذوقه خویش در سرمای شدید ایستاده‌اند این صفوف طولانی یکی و دو جای نبود، در هر جاده و خیابان طولاني به نظر می‌خورد، اینکه آیا افراد آخر صف تاشامگاه چیزی بدست آورده می‌توانستد یا خیر؟ بما معلوم نبود ولی ظاهر امر حکایت از درهم و برهم بودن وضع بازار و پریشان حالی مردم می‌کرد.

تندیسه‌های عریان و نیمه عریان در خیابان ها به چشم می‌خورد که نمایانگر فرهنگ برهنه روس‌ها بود.

موترهای حامل هیأت در برابر یک آپارتمان توقف می‌کند، هیأت پس از عبور از دو دهلیز راه خود را به طرف یک تالار بزرگ باز میکند ، این تالار دارای یک ستیژ بزرگ صفحه نمایش افلام و کرسی‌های بیشماری در جانب مقابل است فکر می‌شود تالار برای محافل خاص عیش و عشرت بزرگان حزب کمونیست سابقه بوده است.[1]

ما داخل تالار شدیم و بالای کرسی‌هایی که در دو قطار در صحن ستیژ تالار چیده شده بود قرار گفتیم. کار گردان محفل که از اعضای پارلمان شوری بود هیأت را خوش آمدید گفت و پس از معرفی اعضای هیأت و تقدیم جملات تشریفاتی از رهبر جمعیت اسلامی افغانستان خواست تا گفتنی‌هایش را آغاز کند.

چون دراین تالار علاوه از مادران و وابستگان اسرا، تعدادی از خبرنگاران خارجی نیز حضور داشتند حرف‌های استاد بعد از ترجمه به

---

۱ - این برداشت ده سال قبل دو تن از مبارزان ضد روسیه و کمونیزم است که از همان عینک ضدیت باکمونیزم و شوروی همه چیز را نظاره می‌کردند. شاید من و وثیق صاحب اگر بار دیگر به همان تالار برویم آن گونه که در سال ۱۹۹۱م قضاوت کردیم با دیدن آن تالار در سال ۲۰۰۲م آن گونه قضاوت نه نماییم و آن چنان فلسفه‌بافی هم نکنیم. فاضل.

روسی، توسط مسعود خلیلی به انگلیسی نیز ترجمه می گردید.

ما با صحنه هیجانی‌ای روبرو بودیم، بیش از دوصد تن مادران اسرا و اقارب آن‌ها در این تالار جمع شده بودند که اکثر اشک می‌ریختند، تعدادی از این مادران فوتوهای نسبتاً بزرگ فرزندان شان را در دست داشتند و عده‌ای از اطفال خرد سال بالاتر از هشت سال، نیز جلب توجه می‌کرد و چنین معلوم می‌شد که پدران اینها همراه سایر عساکر شوروی به افغانستان فرستاده شده اند و تاکنون اثری از آنها دردست نیست. اکثرا می گریند و آنها هم که با فشار بر خود نمی‌گذارند اشک ها شان بیرون جهد، نیز می‌گریستند. سیمای گرفته و حزین شان حکایت از درد شدیدی می‌کرد، درد فراق و جدایی از فرزند.

طبیعتاً فرزند برای هرکس شیرین است ولی محبت مادر شدیدتر است. پدر می تواند به مرور زمان خاطره فرزندانش را فراموش کند ولی مادر با اشک‌هایش همیشه این خاطره را زنده نگه میدارد.

ما وقتی با این صحنه برخوردیم و سیمای گرفته و غمگین مادران اسیران را مشاهده کردیم و چهره زعفرانی آن طفلکان را که حکایت از رنج و درد بی‌سرپرستی می‌کرد دیدیم، طاقت نیاوردیم و اشک‌های مان جاری شد.

همهٔ وجود مان در غم و اندوه فرورفت. این نه به خاطر همنوایی با اشک آن مادران اسرای روسی و نه به خاطر سیمای رنگ پریده آن پیره زنان و آن طفلکان. بل به خاطر آن ده ها هزار مادری که در پیش روی‌شان فرزندان دلبندشان را بابرچه وسرنیزه، شکم دریده اند و به یاد آن طفلک شیر خواری که در گهواره بانوک برچه روس‌های جنایتگر، زبانش و حلقومش بریده شده و به یاد آن نونهالان و جوانانی که در سلول‌های جهنمی زندان‌های نوکران بی‌حیای روس، با بدترین وضعی پدرود حیات گفته اند و به یاد آن دوشیزه گان و زنان پاک طینتی که زیر ضربات جانکاه شلاق‌های کفار، جان دادند ولی دست از عفت و شرف خود بر نداشتند.

آری ماهم اشک می ریختیم ولی اشک ما تصویری از یک رنج بیکران و درد عمیقی بود که دامنگیر هفده ملیون مردم کشور ماست. این اشکها داغترین و جوشانترین اشک‌های تاریخ بود. اشکی بود که از صحنه‌های غم انگیز قتل و کشتار بیرحمانه روس‌ها، پیام می‌داد. اشکی بود که راه خود را از میان خون‌های ریخته شدهٔ زندان ها، به بیرون گشوده بود، اشکی بود که از دامان پاک صد ها هزار مادر و از رخساره زعفرانی هزاران یتیم و معلول، پیام می‌داد، این اشک اشکی بود که از زیر خیمه‌های فرسودهٔ ملیون ها مهاجر بیرون می جهید.

و استاد محترم نیز بادیدن این منظره به یاد مصیبت بـزرگ هـم میهنانش می‌افتد و تمام مصیبت‌های مردم افغانستان که زادهٔ تجاوز ننگین روس هاست از مقابلش رژه می‌روند و درچنین حالتی اسـتاد حرف‌های خود را چنین آغاز می کند:

« بسم الله الرحمن الرحیم. اجتماع امروز من با تعدادی از مادران و اقارب آن جوانان روسی است که از سرنوشت آنان اطلاعی ندارند، البته دیدن این صحنه برای من سخت رقتبار است. مادری را می بینم که فوتوی پسرش را بدست دارد، و کودکی را می‌بینم کـه شـاید در انتظار برگشت پدرش باشد. مادری را می بینم که اشکهایش به انتظار فرزندش می ریزد. من احساس این مادران و اقـارب شـان را یـقینا خوب درک می کنم. زیرا در افـغانستان مـادرانـی را مـی‌دیدم کـه فرزندان شان مانند فرزندان شما در زندان‌ها اسیر هستند و سر نوشت شان معلوم نیست. و یا زیر تانکهای روسی جسدهای شان، پیش چشم مادران شان قطعه قطعه شده است.

من در طایف به هیأت روسی گفتم : به زعمای خود در کرملین بگویید که چرا جوانهای روس را بدون اختیار پدران و مادران شان، به کشور ما روان می کنند تا جوانهای ما را بکشند و آنها هم کشته شوند. برای شان گفتم حیف است شما جوانهای خود را به کشور ما اعـزام می‌دارید که هم جوان‌های شما کشته شوند و هم جـوان‌هـای مـارا بکشند، و کشور ما را ویران بکنند. بخاطر چه؟ بخاطر حمایت از یک

تعداد عناصر جلاد وآدم کش که آن‌ها خاین به وطن هستند و نه به شما، نفع می رسانند و نه به ملت روسیه.

ما به آن مادران و اسیران و اقارب شان که دراین جا هستند اطمینان می دهیم اگر فرزندانشان در نزد مجاهدین باشند، خیلی دلسوزانه و با عاطفهٔ اسلامی و انسانی با آن ها معامله می‌کنند.

من این حرف را به گونه یک شعار نمی گویم، و ادعای غیر عملی نمی‌نمایم من دومثال را برای تان یادآور می‌شوم.

۱ – یکی از جوانان ازبکستان را که همراه عساکر روسی در افغانستان در جنگ شرکت کرده بود و نزدما اسیر بود او را با خود به سعودی آوردم و در سعودی با ما یکجا بود، من از او خواستم تا همراه ما به مسکو بیاید. اما این جوان آماده شد، ولی یک شرط داشت و آن اینکه یکجا با استاد ربانی به مسکو و ازبکستان می‌روم و والدین خود را می‌بینم و بعدا یکجا بر می‌گردم.

وقتی که من در طیاره بالا می شدم، نامهٔ را به پدر و مادر خود نوشت و در آن ذکر نموده بود که « من در میان دوستان خود هستم و بسیار خوش هستم که همراه اینهاهستم» من تصمیم دارم که پدر یا برادر این اسیر را همراه خود به عربستان سعودی ببرم، تا قناعت پسرش را فراهم کنند و او را باخود بیاورند.

۲ – همچنان دریکی از سفرهای خود به داخل افغانستان در دوران جنگ، یک جوان از لتوانی را که در جنگ اسیر شده بود. من او را با خود به سرزمین هجرت آوردم. درنیمهٔ راه در منطقه‌ای بنام چترال در مرز بین پاکستان و افغانستان وقتی که یکعده مجاهد مسلح را دید، پریشان شد. پرسیدم: چرا پریشان هستی؟ چه فکر می‌کنی با تو چه معامله ای صورت میگیرد؟ در حالی که اشکهایش می‌ریخت ، گفت : من چون در جنگ شرکت کرده‌ام و بسا از جوانان شما را کشته‌ام، شاید شما مرا بکشید، من برایش گفتم تو مطمئن بوده باش. ما مسلمان هستیم، اسیر را نه می‌کشیم، من اورا در موتر، پهلوی خود نشاندم تا حرفهایش را کامل بشنوم.



استاد و هیأت مجاهدین در حال صحبت با روحانیون مسلمان روسیه در مسکو

دوستان، سفر هیأت به مسکو از شک و تردید به یقین پیوست. همان بود که ما گزارشگران این صفحات (فیض الرحمن وثیق و فضل الرحمن فاضل) به صفت تیم مطبوعاتی هیأت، شب جمعه ۱۷ عقرب (۸ نوامبر) رهسپار اسلام آباد شدیم، شب را در اسلام آباد سپری کردیم و حوالی ساعت ده صبح جهت اشتراک در کنفرانس مطبوعاتی، رهسپار هوتل هالیدی اسلام آباد گردیدیم. کنفرانس مطبوعاتی آغاز شد و استاد برهان الدین ربانی پس از معرفی اعضای هیأت، صحبت خویش را آغاز و در ادامه سخنان خویش چنین فرمودند:

«... ظاهراً زعامت شوروی از اصرار خود بر باقی‌ماندن نجیب و رژیم مزدور او منصرف شده است و ما امید واریم که در مذاکرات با روس‌ها، پیشرفت صورت گیرد. مذاکره با شوروی کوتاه ترین راه برای رسیدن به صلح می باشد اما درین مورد ما بیش از حد خوشبین نیستیم.

هدف رفتن ما به مسکو تشکیل کدام حکومت ائتلافی نیست، این مسأله ایست که به فیصله ملت مجاهد افغانستان مربوط است، مجاهدین خواهان حکومت اسلامی اند..»

استاد همچنان یاد آورشدند:

« ما امید واریم شوروی ها پیشنهاد تازه‌ای داشته باشند. ما تا برقراری حکومت اسلامی، جهاد را ادامه می‌دهیم زیرا حکومت مجاهدین یگانه راه حل است.

مجاهدین همه درین نکته موافق اند که هیچگاه با نجیب و حکومت مزدور او مذاکره نخواهند کرد. حکومت نجیب یک حکومت غیرقانونی است و ثمره تجاوز ننگین ارتش شوروی در افغانستان است.

در این سفر اگر چه برخی احزاب اشتراک نه نمودند، اما اکثراً با اصل مذاکره با روس‌ها موافق هستند ولی در محل برگزاری آن اختلاف داشتند...»

او برایم گفت: من تازه عروسی کرده‌ام و گناه من نیست، برژنیف ورژیم شوروی مرا به جبر به جنگ فرستاده است.

من وقتی که به او گفتم تو را نزد مادرت روان می کنم، او باور نمی‌کرد اما به محض اینکه به پشاور رسیدیم، از صلیب احمر بین المللی خواستم که این جوان لتوانیایی را به نزد والدینش بفرستند.

و من فکر می کنم که امروز او در لتوانی آزاد، است و بحیث یک جوان آزاد، در آنجا به سر می برد.

ما اسیر را نه می‌کشیم اما یک چیز را برای تان می‌گویم و شما هم بالای کسانی که از شوروی سلاح می‌فرستند، فشار بیاورید و به آنها بگویید که اسیران با ما یکجا زندگی می‌کنند و هر روز راکت‌های سکاد و اوریگان از کشور شما به کشور ما سرازیر می‌شود، هم جوانان ما را می‌کشد هم فرزندان شما را.

ما تمام رنج‌های شما را درک می‌کنیم باید شما از خود بپرسید که چرا اینها از پدرو مادر و وطن خود می گریزند؟ علت تمام این بدبختی، همان ایدیولوژی ایست که کمونیزم نام دارد و ملت ما را و شما را به این روز کشانیده است و میهن ما را ویران ساخته و جوانان شمارا بی‌سرنوشت نموده و به قتل و کشتار در داخل افغانستان سوق داده و جوانان مارا هم در میدان ها و در مقابله ،به خاطر آزادی کشور شان به خاک و خون کشانده اند.

آیا شما می‌دانید که برای ملت ما بعد از لشکرکشی عساکر سرخ،چه حالتی به میان آمد؟ یک و نیم ملیون مردم بیگناه ما کشته شد، شش ملیون مردم ما به پاکستان وایران مجبور شدند هجرت کنند، هشتاد در صد خانه‌های مسکونی ما یکسره ویران شده و جوانان و پیرمردان و مادران ما را که در داخل افغانستان هستند از میان می‌برد.

روس‌ها، ماین‌ها را به شکل بازیچه‌های اطفال می ریختند و کودکان ما می‌رفتند و فکر می‌کردند که بازیچه است با آنان بازی می‌کردند، دست خود و یا پای خود را از دست می‌دادند.»

در این حین استاد البوم‌های معلولین جهاد را همراه با مجله «ماین» بدست می‌گیرد و با اشاره به فوتوهای متعددی می گوید:

« من چند نمونه را برای تان نشان می‌دهم که قلب هر انسان با احساس خون می‌شود و بجای اشک، خون میگرید.

این کودکی است که توسط ماین‌های روسی، دست و پای خود را بکلی از دست داده است.

این ها جوانانی اند که ماین‌های روسی دست‌های شان را قطع کرده است.

این جوانی است که ماین‌های روسی به سر او چنین حالتی را آورده است.

این‌ها هم جوانان و پیر مردانی اند که همه، پای‌ها و دست‌های خود را توسط ماین‌های روسی از دست داده اند.

البته این تنها یک نمونه بود. شما می‌دانید که تنها به پاکستان در مدت یکسال، دوازده هزار افراد معلول بی‌دست و پا به خاطر تداوی آورده شده بودند که مر بوط به جمعیت اسلامی، بودند که معلولین سازمان‌های دیگر را از همین قیاس کنید. البته ده هزار نه بلکه صد ها هزار کودک امروز پدر یا مادر خود را از دست داده اند و خود در حالت معلولی و معیوبی به سر می‌برند.»

استاد در این حین هیجانی میشود و بر« بم و زیر» صدایش می‌افزاید و می گوید:

« عامل این همه رنجها، همان ایدیولوژی بسیار ضد انسانی است که کمونیزم نام دارد و عامل آن همان رژیم ضد انسانی است که شما ملت روسیه بر ضد آن قیام کردید تا ایدیولوژی کمونیزم را با همان زعامت‌های ضد انسانی شان بکلی نابود بسازید.[1]

اما هستند کسانی که ادامه همان رژیم و همان ایدیولوژی را در

---

۱ - بعد از پایان ملاقات با مادران اسیران در هوتل من برای استاد گفتم که استاد محترم شما آنقدر ضد کمونیزم صحبت انقلابی کردید که در پشاور در میان مجاهدین و مهاجرین ضد کمونیزم هم ،چنان صحبت نمی‌کردید. - فاضل

افغانستان می خواهند. ولی هستند انسان‌های دلسوزی که بر ضد این ایدیولوژی مبارزه می کنند.

به هر حال من زیاد صحیث نمی‌کنم و به مادران اسیرانی که اینجا هستند و به اقارب‌شان باز هم اطمینان می دهم تا جایی که به ما مربوط است، فرزندان شما، نزد ما راحت اند و نمونه اش الهام پسر محمد یوسف از ازبکستان است، طوری با ما علاقه مند شده، مثلی که یک فرزند با پدر خود علاقه دارد و نمی‌خواهد از او دور شود، می‌بینید که اینگونه معامله با فرزندان شما صورت می‌گیرد، اگر با ما باشند، اگر توسط بمب‌ها و اسکادهایی که از شوروی فرستاده می‌شود و هنوز هم ادامه دارد، کشته نشده باشند، شما مطمئن بوده باشید که آنها با معامله بسیار انسانی روبرو هستند و حتما نزد شما خواهند آمد.»

پس از پایان یافتن حرفهای استاد، خانمی که در حدود ۴۵ سال عمر دارد و گفته میشد که رئیسه کمیته مادران اسیران روسی است، عقب مگروفون می آید، و به حرفهایش آغاز میکند.

او در آغاز از حضور هیأت به مسکو تشکر می کند و قبل از آنکه به حکم و ظیفه از مشکل عمومی یاد آوری کند، غم‌های خودش را بیان می دارد و چنین لب به سخن می‌کشاید:

« در سال ۱۹۸۳م پسرم مفقود الاثر شد، من از آنروز به بعد همه چیز را فراموش کردم و از دست دادم، وقتی که چشمان خود را می‌پوشانم، سوال می‌کنم که پسر عزیز من چه کرده است که در خارج کشور به سر می‌برد.

از این تصورات ۸ سال می گذرد و همه مادرانی که در این سالون حضور دارند همه این احساسات را دارند، که نه تنها همین مادرانی که تشریف آوردند، بلکه صد ها مادری است که نتوانسته اند به ملاقات حاضر شوند و ما تشریف آوری هیأت محترم را به مسکو خوش آمدید می گوییم.

آروز داریم که صلح وزندگی آرام در افغانستان، کاملاً احیا و

استقرار یابد و ما پسران محبوب و محروم خود را ببینیم.

ما در طی ماه‌های عدیده، راه پیمایی به راه انداختیم و از مراجع دولتی خواستیم که از کشتن مردم افغانستان توسط سلاح شوروی جلوگیری شود.

شوهر من چند مرتبه در ترکیب هیأت شوروی به پاکستان رفت و با شما آقای برهان الدین ربانی ملاقات نمود ،ما از برخورد انسانی و دوستانهٔ شما سپاسگزار هستیم. ما مادران درک کرده ایم که پسران ما حیثیت گروگان سیاسی را گرفته اند، از شما آرزومندیم برخورد دلسوزانه با اسیران جنگی نشان دهید.

ما از شما خواهش می کنیم که لیست اسیران جنگی یعنی پسران مارا ارایه فرمایید و امکان بر قراری ارتباط اسیران جنگی شوروی را برای ما بدهید.

ما می دانیم دین ما و دین شما مختلف است، اما میدانیم که دین اسلام و دین عیسوی برخورد انسانی و رحمدلانه را به پیروانش می‌آموزد.

ما هم همدردی خود را با تمام افغان‌هایی که در جنگ رنج برده اند ابراز می‌داریم.

اسیران ما افراد بی گناه بودند، ما می‌دانیم که ما رنج زیادی بالای مملکت شما آوردیم، ما از شما تقاضا داریم که پسران ما را، به ما بازگشت دهید.»

استاد بعد از پایان یافتن حرف‌های خانم روسی بار دیگر رشته سخن را بدست گرفته می‌گوید:

« من راستی از احساس این مادر و حرف‌هایش متأثر شدم. این منظره بسیار درد انگیز است و ما هر روز در افغانستان و در خیمه‌های مهاجرین با همچو منظره ای روبرو هستیم و این منظره ها برای هر انسانی رقت بار و درد انگیز است.

من حرفهای که اینجا گفته شد تایید می‌کنم و راستی هم افغانستان خواهان صلح و خواهان روابط دوستانه با تمام همسایه‌های خود بوده



حجة الاسلام هادی، استاد ربانی، وزیر خارجه، شوروی، جلال فرهیخته، فیض الرحمن وثیق
و مسعود خلیلی در سفارت پاکستان در مسکو

و می‌باشد . اما متأسفانه استعمار کمونیزم به خاطر کشور کشایی و سرکوبی ملت ما لشکرکشی کرد، فرزندان شما را بدون ارادهٔ شما طوری که شما می‌گویید به صحنه‌های جنگ برد و هنوز شما مادران در غم فرزندان تان اشک می‌ریزید. در سرحد جنوبی کشور شما، مادران زیادی اند که فرزندان‌شان، یا در زندان ها به سر می‌برند و یا به اثر حملات وحشیانه قشون سرخ کشته شده اند و آن مادران هر روز و هر لحظه اشک می‌ریزند.

شما مطمئن باشید که فرزندان شما نزد ما گروگان سیاسی نیستند، رژیم کمونیست کابل که عامل تمام بدبختی ها برای ملت ما و عامل رنج‌های بیشماری برای شما مادران است، هنوز باقی است.

مسأله اسیران یک مسأله انسانی است و ما باید هم با آنها معاملهٔ انسانی کنیم و عملا این کار را کردیم و در جهت رهایی شان روی یک برنامه باهم همکاری خواهیم کرد.»

دراین حین مرد میانه قد و فربهی که سیمای ازبکی دارد، به پا می‌شود و هیجان‌زده به زبان روسی که شکستگی در آن پدیدار است حرف می زند که مترجم حرفهایش را چنین ترجمه می کند:

« پسر من میخواهد به وطن برگردد و شما او را مانع می شوید. من مسلمان هستم و روز پنج بار نماز می‌خوانم و روزه می گیرم. صحت من و مادر فرزندم خراب شده است من می خواهم فرزند خود را صحت و سلامت ببینم پسر من فرد بی‌گناهی است، اگر کدام اطلاع در بارهٔ پسر من دارید خواهش می کنم برای من بگویید، پسر من الهام نام دارد، نمی دانم عامل نگهداشتن پسر من در نزد شما چیست؟»

این شخص با هیجان حرف می زد و به حرف‌های روس‌ها که لابد می‌گفتند پسرت زنده است وقعی نمی‌گذاشت و اغلبا تکلیف شنوایی هم داشت.

استاد در جواب گفت:

ـ من قبلاً هم گفتم که آمدیم تا پدر الهام را با خود به عربستان سعودی ببریم.

سپس استاد به زبان ازبکی طی چند جمله یوسف پدر الهام را از زنده بودن فرزندش مطمئن ساخت، و از قصدش که می خواهد او را به نزد فرزندش ببرد آگاه نمود.

حاضرین که از موضوع اطلاع یافتند به کف زدن شروع کردند و اظهار خوشی نمودند. ما ترسیدیم که یکبار «هورا» نگویند و احساسات ما را جریحه دار نسازند که فضل خدا هورا نکشیدند.

استاد به ادامه کف زدن حضار گفت:

«الهام نامه ای به پدرش فرستاده و نامه اش نزد من است»

سپس استاد فرمود:

ما روز چهار شنبه ان شاء الله حرکت می‌کنیم آرزومندیم مقامات مربوط زمینه سفر یوسف پدر الهام را مساعد سازند تا او را باخود ببریم.

من به سایر مادران می گویم که ما مانع فرزندان شما نشده‌ایم و می‌توانید از سفیر تان در ریاض استفسار کنید که الهام چرا حاضر به آمدن نبود.

استاد بار دیگر جهت اطمینان بیشتر یوسف، به زبان ازبکی به او خطاب می کند که ترجمه فارسی اش چنین است: من الهام را گفتم نزد پدرت برو، اما او از سرنوشت و آینده خود می ترسید من برایش گفتم که دوران اختناق و ترور پایان یافته است مگر او باور نمی‌کرد.

در این حال ،استاد نامۀ الهام را از جیبش برون نموده به یوسف تسلیم می‌کند و می‌گوید:

الهام با ما به مکه مکرمه رفت، عمره بجا آورد و به اطراف کعبه طواف کرد.

ترجمان روسی واژه «کعبه» را درست نفهمید، استاد باردیگر گفت چون الهام مسلمان است ،پیرامون «کعبه» قبلۀ ما مسلمین طواف نمود. اما باز هم معلوم نبود که آن ترجمان هدف را فهمید یا حتی تصور کرد و یا خیر؟!

استاد همچنان افزود:

فوتوهای الهام همراه ماست تاکنون از کامره (دوربین عکاسی)برون نشده، اگر پدرش اورا ببیند خواهد دانست که الهام از جوانانی که همراه من آمده اند قوی‌تر، نیرومندتر و خوشحال‌تر است. من آرزو دارم همین خوشی که به پدر الهام نصیب شد به همه مادران نصیب شود . ما این همکاری را انجام می‌دهیم.

پدر یوسف نامه را تسلیم می شود و یکتن از جمله حاضران که ازبک است نامه را می خواند و به زبان روسی تر جمه می کند متن ازبکی نامه این چنین بود:

سلام خطی

السلام علیکم!

حرمتلی و قیمتلی اوقیتالماق آته و آنه. ساق سلامت بریب مالیزلر. اندی اوغلینگیز الهامدن حال و احوال سورسانلار، رحمت خدا بخش ببریب من میندن خیرلیق، تشویش قیلیمانگلار. مین دوستلریم آلدیده بوریب من. آته و آنه مینی کیلمگن سیم تشو مین مسلمان اوشه اورغن کیلیمادیم و سیزمینی کیتمیدن ایزلب بور منگلار مینی اوزیم اوشه اشینی التیمادیم. ایندی خیر.دیب اوغلینگیز. الهام

و این نامه شب در روی صفحه تلویزیون نشان داده می شود.

سپس یک زن روسی عقب مگروفون آمده چنین می گوید:

من امید وار هستم همین لحظهٔ سعادت در زندگی من هم پدید بیاید، من شنیده ام که مردان، جنگ را شروع میکنند اما تلفات بیشتر از آن پیرمردان، زنان و کودکان است.[1]

۱۱ سال قبل که پسر من خانه را ترک گفته است، من مثل سایر مادران به او کشتن را نیاموخته بودم بلکه برای او سعادت می‌خواستم و برخورد انسان دوستانه را آموخته بودم، ما پسران خود را به روحیه وطن پرستی تربیت می کردیم. وقتی که میهن شان برای شان امر

---

۱ - این حرف آن زن روسی، شبیه جمله‌ای است که در یک فلم هندی شنیدم. وآن اینکه : مردها جنگ می‌کنند. اما دشنام متوجه زنان می‌شود. فاضل

سپرد در این جنگ اشتراک کنند، به افغانستان رفتند.

بعد از سالها درک کردیم که در افغانستان چگونه جنگی بوده و میان کی‌ها بوده و ما توانستیم که تمام جنگ افغانستان را احساس کنیم. بخاطری که برای همه ما معلوم است که جنگ یعنی خون، جنگ یعنی کشتن. به خاطری درک می کنیم که تلفات مردم افغانستان بسیار زیاد است. زیرا جنگ در قلمرو افغانستان صورت می گیرد و نسل ما همین نسلی است که پدر انشان در جنگ جهانی دوم اشتراک کردند و به همین لحاظ می‌گویم که در آن جنگ نیز پیرمردان، اطفال و زنان زیادی تلف شدند.

من عضو هیأت شوروی به پاکستان بوده‌م و با تمام رهبران مجاهدین ملاقات نموده ام. ما بامادران افغانی نیز ملاقات کردیم. ما تشریف آوری هیأت محترم را یک قدم برجسته می‌دانیم.

برای ماگفته می شود که فرزندان شما، مهمانان ما هستند، اما نباید مهمانان این قدر زیاد در نزد مهمان داران باشند!!

گفته می شود برخورد انسان دوستانه با پسران ما می‌شود، اما فکر می‌کنم که دوستانه ترین برخورد این است که پسر به آغوش مادر برگردد، و مانمیدانیم کدام یک از پسران ما زنده هستند و کدام یک مرده اند.

گفته می‌شود که تعداد زیادی از اسیران جنگی شوروی نمی‌خواهند به وطن بازگشت کنند. آیا چرا برای ما امکان داده نشود که ما باگوش خود حرفهای آنها را بشنویم!.

همچنان گفته می شود، که مسأله اسیران شوروی مسأله انسانی است و نباید با مسایل سیاسی ارتباط داده شود و ما شاهد آن هستیم که سرنوشت پسران ما به مسایل سیاسی ارتباط داده می‌شود.

برای ما گفته شد که شرط رهایی اسیران عدم تحویل دهی اسلحه به افغانستان است. ما بعد از بازگشت از پشاور مظاهراتی را سازماندهی کردیم. در اثر اعلامیه مشترک امریکا و شوروی، تحویل‌دهی اسلحه از اول جنوری ۱۹۹۲ عملا به افغانستان، قطع

می‌شود.

طوری که دیشب و سایل ارتباط جمعی خبری برای ما پخش کرد هیأت مجاهدین خواهان آن است که همه قراردادهای که بانجیب صورت گرفته است الغا شود.

من سیاستمدار نیستم، من شک و تردید دارم که آیا بعد از براورده شدن این مسأله، آیا کدام تضمین است که مسأله اسیران بازهم به کدام کار دیگر ارتباط داده نشود؟

پس از پایان یافتن حرفهای او ،حجة الاسلام و المسلمین سید رحمت الله مرتضوی نطق مختصری نموده گفت:

مسأله اسیران یک مسأله انسانی است، با وجود آن ما باید قناعت آنانی را که فرزندانشان را در هجوم شوروی از دست داده اند، یا از سرنوشت فرزندانشان اطلاعی ندارند، فراهم کنیم.

آقای مرتضوی همچنان گفت: من به مادر پیرم که فرزندش اسیر شده و از سر نوشت او اطلاعی ندارد، چه بگویم؟

سپس آیت الله محمد آصف محسنی حرفهایش را چنین آغاز کرد:

شما باید بدانید که پسران شما نزد رهبران در پشاور نیستند. پسران شما نزد مجاهدین در داخل اند، شما از همین حالا در خیابان ها راه پیمایی کنید و از دولت خود بخواهید که به افغانستان سکاد نفرستد، تا دراثر آن فرزندان شما هم کشته نشوند.

پس از پایان یافتن حرف‌های مجاهدین، یک سلسله سوالاتی صورت می‌گیرد از جمله پرسیده می شود که:

آیا ما می‌توانیم از مقبره‌های فرزندان خود دیدار کنیم؟

نمیدانیم که نسبت چه مسأله این پرسش بی پاسخ می‌ماند. شاید دلیل آن این باشد که هرمادر موجود در تالار می خواست حرفهای خود را بزنند، خصوصا یک خانم که اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و بسم الله الرحمن الرحیم گفت و چند جمله روسی هم به زبان آورد ،اما ترجمان به حرفهایش وقعی نه‌نهاد.

چون این نخستین روزی بود که ما در مسکو به صورت کامل

سپری کردیم اوقات نماز هم برای مان معلوم نبود، هوا هم تاریک شده بود که قضا شدن نماز شام را اعلام میداشت. هیأت مجاهدین جهت ادای نماز، جلسه را پایان دادند و از پلکان تالار پایین شدند.

مادران روسی، یک یک فوتوهای فرزندان، اسم و آدرس‌های آنانرا به استاد و به هر عضو هیأت که دسترسی پیدا کردند تسلیم می‌نمودند.

هیأت مجاهدین به مشکل راه خود را از میان هجوم خبرنگاران و حاضران تالار باز وجهت ملاقات با روحانیون مسلمان مسکو به اقامتگاه خویش هوتل «اکتبر سکایا» رهسپار شد، که جریان ملاقات با روحانیون مسلمان را در بخش بعدی خواهید خواند. ان شاء الله

***

استاد پس از پایان حرفهایش به پرسشهای خبرنگاران جواب ارائه فرمود. در جمله پرسشها یکی این بود که آیا میان اعضای حکومت کابل عناصر قابل قبول برای مجاهدین وجود دارد؟ استاد، پاسخ مثبت دادند و خبرنگار که اغلباً از رادیو بی بی سی بود، خواهان دانستن سمت آنها شد و استاد فرمود:«پُست آنها پایین‌تر از وزیر است» و به همین اکتفا کرد.

اعضای هیأت :

پس از ختم کنفرانس مطبوعاتی ، طرف میدان هوایی اسلام آباد روان شدیم، تشکل هیأت به گونهٔ زیر بود :

۱ - استاد برهان الدین ربانی
۲ - آیت الله محمد آصف محسنی
۳ - مولوی محمد نبی محمدی
۴ - قاضی محمد امین وقاد
۵ - داکتر حشمت الله مجددی
۶ - سید حامد گیلانی
۷ - مولوی محمد شاه فضلی
۸ - مسعود خلیلی
۹ - حجة الاسلام سید محمد هادی
۱۰ - عماد الدین (فیض الرحمن)وثیق
۱۱ - فضل الرحمن فاضل
۱۲ - انجنیر محمد امین منصف
۱۳ - انجنیر عبدالحمید منهاج
۱۴ - حاجی محمد اکبر عزیزی
۱۵ - عبدالکریم مستعین (جلال فرهیخته)

پرواز به جده وکنفرانس مطبوعاتی در آن

پس از توقف کوتاهی در V.I.P میدان هوایی اسلام آباد، حوالی ساعت یک بعد از ظهر، هواپیمای اختصاصی که از جانب شاه فهد پادشاه عربستان سعودی در اختیار هیأت گذاشته شده بود، اسلام آباد

(٤)

ملاقات با روحانیان مسلمان روسیه

هیأت مجاهدین به اقامتگاه‌شان هوتل «اکتبر سکایا» رسیده‌اند و به نماز آمادگی می‌گیرند. و پس از صرف غذای معمول هر روز (چای، تخم جوش داده و خرما) با روحانیون مسلمان مسکو صحبت و ملاقات دارند، محل ملاقات جایی بنام مرکز اسلامی تعیین شده است، ولی روحانیون مسلمان همه به اقامتگاه مجاهدین آمده‌اند، ما علت را ندانستیم که چرا ملاقات در مر کز اسلامی، صورت نگرفت تا می دیدیم که چگونه مرکزی است؟

شاید مهمانداران دیده باشند که هیأت امروز از ساعت ۹:۳۰ صبح مصروف است و حدس زده اند که مجاهدین لابد خسته شده اند. بناءً روحانیون مسلمان را دستور داده باشند تا بـه اقـامتگاه مـجاهدین بروند.

در خلال دقایقی که برادران مشغول ادای نماز بودند، روحـانیون مسلمان مسکو در دهلیز منزل اول هوتل انتظار می‌کشیدند. مـاهم پایین شدیم تا آنانی را که کمونیزم طی هفتاد و چند سال نـتوانسـته است، آیدیولوژی شان را تغییر دهد، از نزدیک ببینیم همراه با راویل عین الدین و محمود عبدالحق ولید که هردو عربی فصیح را به روانی صحبت می‌کردند، احوال پرسی کردیم، راویل مـثل مـفتی لبـنان و روحانیون سوریه عمامه به سر داشت، عبای درازی را که با بالاپوش پاکستانی ها شبیه است، به تن نموده بود و نکتایی سیاهش نیز جلب توجه می کرد، اما دیگران کلاه قره‌قل پهن‌تر از کلاه پوست قره قـل افغانی که شاید لباس ملی قفقازی‌ها بوده باشد، به سرنموده بودند.

ساعت ۶:۳۰ شام به وقت مسکو آنها به اطاق بزرگی که در منزل

دوم هوتل بود رفتند.

استاد و هیأت مجاهدین هم پایین شدند. بعد از خوش آمدید گفتن‌ها، صحبت با روحانیون فدراسیون روسیه که هشت نفر بودند شروع شد.

راویل عین‌الدین گفت: ما مسلمانان برای شما خوش آمدید میگوییم، ما منتظر تشریف آوری شما بودیم، ما از مبارزهٔ مسلمانان افغانستان استقبال می‌کنیم و امیدواریم سفر شما امید بخش باشد.

علاقه مسلمانان شوروی به مسایل افغانستان خیلی بزرگ است.

راویل عین الدین ضمن سخنانش سوال نمود که: آیندهٔ افغانستان وروابط روحانیون و مسلمانان شوروی و افغانستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

استاد در پاسخ سخنان خود را با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز و به معرفی اعضای هیأت پرداخت اما معرفی با تفصیل.

قاضی محمد امین و قاد را که دردست راست استاد نشسته بود چنین معرفی کرد: قاضی محمد امین فارغ التحصیل یکی از اکادمی‌های اسلامی افغانستان است که فاکولته شرعیات، یونیورستی کابل گفته می‌شود، او رهبری داعیه اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان را بر عهده دارد.

حامد گیلانی پسر آغای گیلانی رئیس محاذ ملی اسلامی افغانستان از خانواده روحانی اند و از فرقهٔ متصوفین قادریه.

داکتر حشمت الله مجددی را معرفی کردند که برادر حضرت صاحب صبغت الله مجددی از اولادهٔ حضرت سید احمد سرهندی مجدد الف ثانی، مربوط فرقهٔ قادریه. به همین ترتیب، همه را با تفصیل معرفی داشتند که وقت زیادی را در برگرفت، سپس حرفهای شانرا چنین آغاز کردند.[۱] من به نمایندگی از اعضای هیأت مجاهدین

---

۱ - در اینجا به خاطر دارم که آقای سید حامد گیلانی به گمان اینکه استاد نامهای اعضای هیأت را شاید به طور مکمل ندانند، همه را در ورقه‌ای نوشته، پیش روی استاد گذاشت ، اما حافظه قوی استاد، نیازی به آن ورق پیدا نکرد. فاضل



استاد در هوتل اکتوبر سکایا در مسکو، در حال نوشیدن چای و خرما

اظهار خوشی می‌کنم که با برادران مسلمان خود ملاقات می‌نماییم،

ما مسلمانان در افغانستان با مسلمانان این خطه، روابط قلبی و تاریخی داریم. برخی برادران اینجا ازچیچن و قفقاز صحبت کردند، ما از میان مردم آنها یک شخصیت بسیار برجسته و محبوبی را می‌شناسیم که مجاهدین او را سخت دوست دارند و او «امام شامل» است، ما به او سخت علاقه داریم.

امام شامل کسی است که بر ضد استعمار تزاری می‌جنگید و مبارزه می کرد و رهبری مسلمانان قفقاز را بر عهده داشت.

یکتن از مورخین روسی در مورد او می گوید:

اگر مبارزات مسلمانان به رهبری امام شامل نمی بود، استعمار تزار از جاپان تا قاهره را می گرفت.

مسلمانان این خطه، بزرگترین امامان دنیای اسلام اند، امام بخاری از ازبکستان است و از آنجا برخاسته، امام ترمذی ،امام نسایی و اکثریت ائمه حدیث مربوط کشور های اند که امروز مربوط شوروی گفته می‌شوند.

ما می‌دانیم که استعمار کمونیزم می‌خواست که تمام مسلمانان را با هویت ملی و اسلامی و تاریخی شان بکلی نابود بسازد.

ما رنج می بریم که امروز شما به زبان و رسم‌الخط اصلی تان که رسم‌الخط اسلامی و عربی بود آشنایی ندارید.

ما به خاطر داریم که پیش از این تحولاتی که در روسیه به میان آمده، برادران مسلمان مان، نمی توانستند آزادانه نماز بخوانند و عبادات خود را انجام بدهند، نمی توانستند که قرآن کریم داشته بوده باشند . من بخاطر دارم که اولین رئیس سازمان سیاسی ما بنام استاد غلام محمد نیازی در دوران اختناق کمونیستی که از طرف روسیه دعوتی از ایشان صورت گرفته بود، او قرآن کریمی همراه داشت، یکی از مهمانداران در مسکو در نیمه شب از او تقاضا کرده بود اگر این قرآن کریم را در برابر هر قدر پولی می‌خواهی ،من برایت میدهم، مگر افراد دیگر اطلاع نیابند که مرا دستگیر می‌کنند و زندانی

می‌سازند.

البته تحولات اخیری که در روسیه، به میان آمد و ملت روسیه، کمونیزم را دفن کرد، یک قدم بسیار مثبتی بود، اما نقش مهم در این تغییر از آن ملت مسلمان ما در افغانستان بود. و در اثر جهاد ملت ما، بود. ما به خاطر دفاع از اسلام و دفاع از آزادی، یک و نیم ملیون قربانی دادیم. فعلا تحولی در روسیه آمده است که برادران مسلمان ما می توانند آزاد زندگی کنند و امروز این تحول مایهٔ خوشی همهٔ ما و شما است.

ما امیدوار هستیم که از این شرایط و از آزادی‌ای به میان آمده، مانند سایر ملیت‌ها، برادران مسلمان ما حد اعظم استفاده کنند.

ما می‌شنویم که بعضی از بنیاد گرایی و انتشار بنیاد گرایی در جمهوری های مسلمان نشین، اظهار تشویش می کنند که به نظر من این حرف، درست نیست.

یاد آوری از فندمنتلیسم، تبلیغاتی است که صهیونیست‌ها و غربی‌ها به صفت یک حربهٔ استعماری، از غرب بر ضد مسلمانان به کار می‌برند. یهودها و صهیونیست ها همیش بر ضد ما این تبلیغات را می کنند. اما هرگاه اسلام دریک کشور به صورت درست تطبیق شود، به نفع امنیت جهان و امنیت کشورها و به نفع صلح خواهد بود.

از جمله قرآن کریم می گوید « شخصی اگر مؤمنی را بدون گناهی می کشد مثلی است که همه بشریت را کشته باشد»

قرآن ما را به صلح دعوت می کند خداوند می‌فرماید «حتی اگر با دشمنی در جنگ بوده باشید وقتی که آنها با شما صلح کنند همرایشان صلح کنید»[1] هدف از جهاد ما مسلمانان اصلا آزادی بشریت، آزادی مستضعفین و مظلومین است.

ما باز هم این را تاکید می‌کنیم که شما برادران مسلمان ما به کسانی که از احیای مجدد اسلام تشویش دارند، شما عملا برای شان

---

۱ – اشاره به این آیت قرآن کریم است: و إن جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل على الله .

تفهیم کنید که هیچ تشویش نداشته باشند. وقتی که اسلام در جمهوریت های مسلمان نشین پخش گردد و قوت پیدا کند به نفع همه ملت هاست.

امروز با معاون آقای یلتسین (روتسکوی) صحبت داشتیم،او عین حرف را تاکید می‌کرد. او گفت: شما گفتید که اسلام، صلح و آشتی را می‌خواهد مسیحیت هم به عین شکل.

این نص آیهٔ قرآنی ماست که خداوند در قرآن به پیغمبر خود و مسلمانان امرمی کند که : به اهل کتاب به یهود و مسیحی ها بگویید که بیایید همه ما و شما مشترکا پیرامون یک هدف واحد خود متحد شویم. قرآن کریم می‌گوید که شما روابط تان با مسیحی‌های حقیقی، باید بسیار نزدیک بوده باشد. اسلام می‌فرماید در میان اینها کشیش هاست و در میان اینها راهب هاست، باید شما با آنها روابط نیکی داشته باشید.

اما ما به مسیحیانی که جنگهای صلیبی را می‌خواهند و یهودیانی که افکار صهیونیستی دارند، البته با آنها نه تنها مسلمانان مخالف هستند، بلکه تمام بشریت با آنها مخالف هستند. به خاطری که اینها در میان انسانها جنگ افروزی می کنند.

ما خبرشدیم که بعضی از جمهوریت های مسلمان نشین به همکاری صهیونیست‌ها. می‌خواهند فعالیت های مخالف مسلمانی انجام دهند، ما مطمئن هستیم شما مسلمانان متوجه این مسأله هستید و خواهید بود.

فعلا ما در مبارزه خود کامیاب هستیم، ما اگر چه یک و نیم میلیون شهید دادیم و هشتاد در صد وطن ما و خانه های ما ویران شد، ما ده‌ها هزار معلول و معیوب داریم و شش میلیون مردم ما مهاجر شدند، مگر ما فعلاً به پیروزی رسیدیم. شما خود شاهد هستید که قشون مهاجم سرخ در افغانستان شکست خورد.

ما امروز شاهد صحنه رقت باری بودیم، تعدادی از مادران که بدون اراده شان فرزندان شان به جنگ روان شده اند، آنها اشک

می‌ریختند و می گریستند، سرنوشت فرزندان شان معلوم نبوده، البته در افغانستان هم ده‌ها هزار مادرانی اند که فرزندان خـود را از دست داده اند.

در افغانستان ان شاء الله حکومت اسلامی به میان مـی‌آید، یک تعداد از بقایای رژیم استالینی در افغانستان که توسط برژنیف و بـه کمک او به میان آمده بود، امروز در حال از بین رفتن است.

گرچه زعمای روسیه از جمله مستر یالتسین، پارلمان فدراسیون روسیه و تعداد زیادی از زعمای روسیه، حمله بـالای افـغانستان و تجاوز بر افغانستان را، یک جنایت خوانده اند و مخالفت خود را با آن نشان دادند، اما ما از همه ملت روسیه و مخصوصاً از شما مسلمان‌ها می‌خواهیم که باید کوشش کنید که هیچ نوع مداخله بعد از ایـن در امور افغانستان صورت نگیرد، تا در آنجا حکومت مردم افـغانستان (حکومت اسلامی)انشاء الله تشکیل شود. روابط ما با شما برادران مسلمان در آینده مثل روابط دو برادر می‌باشد.

پس از پایان یافتن حرفهای استاد، یکتن از روحانیون گفت:

میخواهم چند کلمه به برادران مـحترم اظـهار بـدارم : در آغـاز صحبت می‌گویم، مهمانان محترم ما متوجه شده اند که سر این میز، تنها مسلمانان فدراسیون روسیه حضور دارند و علت این است کـه مسافرت شما به مسکو ۲۴ اکتوبر تعیین شده بود، بعد از آن به تعویق انداخته شد، بتاریخ ۴ یا ۶ نوامـبر. و در هـمین روزهـا، نـمایندگان دوریاست اسلامی اتحاد شوروی در مسکو اجتماع می کردند و منتظر شما بودند و افرادی از آذربایجان و تاجکستان نیز آمده بودند، حتی برخی عازم پاکستان شدند.

ما خیلی منتظر دیدن شما بودیم ما امید وار هستیم که روابط ما با افغانستان بر اساس حکم کتاب مقدس قرآن صورت گیرد.

مسلمانان روسیه، روابط عنعنوی با مسلمانان افغانی دارند.

ما می‌دانیم که روشن فکرانی از قفقاز در افغانستان کار می‌کردند و در آنجا می آموختند.

ما به خوبی می‌دانیم که بعضی‌ها از قفقاز شمالی به افغانستان مسافرت می‌کردند. با اجازهٔ شما می‌خواستم، یک پیشنهاد بدهم: من میخواهم که ارتباط ما در سطح نه حکومتی ،بلکه در سطح دینی باشد. یعنی مسئله دینی ما انکشاف و توسعه یابد و ما از جانب خود به شما دراین باره اطمینان می دهیم، گواه به صداقت اظهارات ما این است که این آقای محترم (اشاره به یکتن از حاضرین می کند) ویزه پاکستان را داشت، می‌بایست که عازم پاکستان شود، ناگاه اطلاعات بدست رسید که شما به مسکو تشریف می‌آورید، او از سفر خود صرف نظر کرد. یکباردیگر به شما می‌گویم که خوش آمدید.

استاد بار دیگر حرفهایش را چنین آغاز کرد:

« ما از احساسات شما نهایت تشکر می‌کنیم ما این نظر را تایید می‌کنیم که هیأت های ملی تبادله شود و ما به بسیار خوشی آمادگی داریم که از شما دعوت کنیم، شما به پاکستان و از آنجا به افغانستان بیایید. من از این پیشنهاد استقبال می‌کنم، ما محبت و اخلاص شما را بالکل تایید می‌کنیم.»

سپس راویل عین الدین حرف‌هایش را چنین آغاز کرد:

« مهمانان عزیز! البته ما بیشتر علاقه مند هستیم که نظریات شما رابشنویم.در طول دوام جنگ در افغانستان، ما همیشه کوشش کردیم که از انکشاف حوادث در افغانستان ،از طریق تلویزیون ورادیو تحقیق کنیم. ما در آن زمان غیر دعا خواندن و اینکه خداوند شما را کمک کند، چارهٔ دیگری نداشتیم.

امروز وقتی که ما روی یک میز روبروی شما نشسته‌ایم وبرادران ما که در اردو خدمت می‌کردند و علیه شما می جنگیدند، صرف نظر از آنکه ما در این باره چیزی را عملی کرده نه توانستیم، ما از صمیم قلب از تشریف آوری تان سپاس‌گزار هستیم.

باردیگر رشته سخن را یک روحانی قفقاری که حمزه سلام نام دارد و امام مسجد است بدست می‌گیرد و چنین می گوید:

« قال النبی صلی الله علیه و سلم : افترقت الیهود و النصاری علی

اثنین و سبعین فرقة ستفترق امتی علی ثلاث و سبعین فرقة کلهم فی النار الا الواحد، قیل : و ما هو یا رسول الله؟ من علی طریق الرسول و اصحابه»

اوسپس گفت : باید قرآن پاک را دستور قرار بدهیم، مشترک عمل کنیم، به پیش برویم و این نظریهٔ ما بوده است.

پس از پایان یافتن حرفهای حمزه سلام استاد می‌گویند:

ما هم از بیانات شما بسیار خوشحال شدیم و احساس شما بسیار قابل قدر است، ما یقین داریم، از حمله بالای افـغانستان، نـه تـنها مسلمانان راضی نبودند، بلکه ملیت های دیگری هم راضی نبودند تا علیه ملت مظلوم افغانستان بجنگند. ما از احساسات پاک شما تقدیر می کنیم.

سپس آیت الله محسنی پرسیدند که:

تعداد مسلمانان فدراسیون روسیه مجموعاً چقدر است؟

در جواب شنیده شد که در حدود ۲۰ ملیون.

حضرت آیت الله محسنی باردیگر پرسیدند که: در طول هفتاد سال حکومت کمونیزم چند در صد از مسـلمانان از دیـن خـود مـنحرف شدند؟ از اسلام بر گشتند؟

راویل جواب داد: سوالی که آقای مـحترم ارایـه فـرمود، هـمان سوالی است که ژورنالیستان غربی و عربی از ما می‌کنند.

در طی هفتاد و چند سال است که سال های ظلم نه تـنها بـرای مسلمانان بلکه برای همه ادیان در اتحاد شوروی بوده است. هیچ یک از مسلمانان از دین خود منحرف نشدند، زیرا یک ضرب المثل است، انسان از آنچه محروم و ممنوع شود بر حفظ آن حریصتر مـی‌گردد، حال ما هم چنین بود.

یعنی قبل از انقلاب اکتوبر «۱۴۸۰۰» مسجد در جمهوری روسیه، در جمهوریت تاتارستان، باشقرستان در شهر استرخان قرار داشت. در هر یکی از این مساجد، مکتب مذهبی و مسجد فعال بود.

در مرحله شـروع از سـال هـای ۱۹۱۷ الی سـال هـای ۱۹۳۸

عیسوی، ۱۴۰۰ مسجد ویران و حریق شده است که بعد از آن حدود هشتاد مسجد در جمهوریت فدراسیون روسیه باقی مانده است، طی سالهای مذکور بیش از سی هزار عالم روحانی مجازات شدند و سرنوشت شان معلوم نشد.

مسلمانان در آن دوره کوشش کردند تا پناه گاهی برای امامان خود سازند که اگر کسی را از آن جمله پیدا می‌کردند بر او تیراندازی می‌نمودند و او را می‌کشتند و از بین می‌بردند، یا حبس می‌کردند و یا به جای دور تبعید می‌کردند.

در چنین سال‌های تعذیب و مشکل ما توانستیم، دین خود را نگهداریم، علماء توانستند که دین راستین اسلام را به اولاد خود یاد بدهند.

من می‌خواستم برای شما بگویم که ما کورس‌هایی را در تمام مناطق مسلمانان، خصوصاً در مسکو تاسیس کردیم که همه برای فراگرفتن مبادی دین اسلام است.

در مسکو حدود بیش از ۳۶۰ نفر محصل حالا شامل این کورس‌ها هستند که سن شان مختلف است یعنی، از ۱۰ الی ۱۷ ساله است، که برای شان درس می‌دهیم تا تلفظ کلمه شهادت را صحیح یاد بگیرند و ما به دست‌آورد های خود و به دین مقدس خود و به عنعنات فرهنگی خود افتخار می‌کنیم. امروز پدران و پسران شان که مسلمان هستند می‌توانند کلمه شهادت را بدانند، بصورت صحیح بخوانند و هیچ کس نتوانست آنها را ازدین خود دور کند و کتاب مقدس را از ما سلب کند.

ما کوشش می کنیم که دین اسلام در مملکت ما قوت بیشتری بگیرد و ما در دور دین مقدس اسلام متحد شویم.

سپس آیت الله محسنی پرسیدند:

از نسل جوان چند در صد نماز می خوانند وروزه می گیرند؟ یکتن از روحانیون اندکی مکث کرد و بعد از لحظهٔ فکر گفت:

گفتن فیصدی‌اش مشکل است، اما حالا در بخش جوانان، دین مقدس اسلام نه تنها احیا می شود بلکه انکشاف می‌کند.

در این حال مسعود خلیلی به ما رو نموده وبه لهجه معنی‌داری گفت: متوجه هستید که اول فکر میکنند بعد حرف می زنند.

هیأت مجاهدین در مورد مشکلات آنها پرسیدند، در جواب گفتند:

ما به قرآنکریم و ترجمه‌های آن ضرورت داریم زیرا مسیحیان انجیل را در میان ما مسلمانان پخش می کنند و بالای آن «کتاب مقدس» می نویسند و مسلمانان، گمان می‌برند که قرآن است، در حالی که آن انجیل است. ما به کتاب های اسلامی ضرورت داریم.

سپس قاضی صاحب وقاد گفتند:

انعقاد چنین جلسه آرمان دیرینهٔ ما بود، باور نمی شد که چنین تغییرات در اتحاد شوروی بوجود بیاید.

اتحاد شوروی امروز با جهانیان نزدیک شده و دروازه های خود را باز نموده است. امید وارم انقلاب اسلامی افغانستان در آینده تاثیر مثبت داشته باشد.

می‌خواهیم توجه به مدارس و مساجد بیشتر شود و به تربیهٔ اولاد مسلمانان همت گماشته شود، آینده شما مربوط به تعلیم و تربیهٔ شماست. در آغاز کار، مشکلاتی ناشی از ناحیهٔ مواد درسی دارید مایوس نشوید و به کار خود ادامه دهید.

افغانستان خانه دوم شماست و مردم افغانستان از شما استقبال خواهند کرد، و از توطئه صلیبی‌ها و صهیونست‌ها هم غافل نبوده باشید.

سپس انجنیر محمد امین منصف معاون قاضی صاحب وقاد که متوجه شده بود، هر هشت تن از روحانیون موجود هیچکدام ریش ندارند گفت: چون شما ائمه مساجد می باشید، باید آراسته به سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم باشید.

بعد از پایان یافتن این حرف‌ها، استاد دستور دادند تا یکتعداد جای‌نماز، قرآنکریم و کتابها و خرما برای روحانیون داده شود که برای هر کدام یک جلد قرآن‌کریم، یک تخته جای نماز و کسانی که به زبان عربی می توانستند صحبت کنند، کتاب های عربی و کلکسیون

را به قصد جده ترک گفت. تقریباً بعد از پنج ساعت سفر به جده رسیدیم، در میدان هوایی بین المللی جده، شهزاده ترکی الفیصل پسر مرحوم شاه فیصل و رئیس استخبارات عربستان سعودی و عده ای از مامورین عالیرتبه وزارت خارجه آن کشور از استاد و هیأت معیتی شان استقبال کردند. سپس به کاخ کنفرانس‌ها (که به زبان عربی آن را قصر المؤتمرات می‌گویند و در حقیقت مهمانخانه دولتی است) واقع جده رفتیم بعداز ادای نماز شام، تلبیه گویان غرض ادای عمره، سوی مکه مکرمه رهسپار شدیم، نماز خفتن را با جماعت در عقب امام بیت الله الحرام ادا کردیم، سپس به عمره پرداختیم. همه اعضای هیأت در پیشگاه رب الجلیل به تضرع و نیاز پرداختند و برای سربلندی اسلام و مسلمین، جهاد و مجاهدین دعا کردند و پیروزی برخصم را با قلب‌های آگنده از امید و خشوع التجا داشتند. بعداز ادای عمره، شب را در قصر صفا که مشرف برمسجد الحرام است به سربردیم، ساعت چهار صبح همه غرض ادای نماز بامداد به مسجد الحرام رفتند، نماز بامداد اداء شد، برادران آهسته آهسته به اقامتگاه خود برگشتند و سپس به صوب جده حرکت کردیم. پس از ورود به جده ساعت ۹ صبح به وقت عربستان سعودی ،کنفرانس مطبوعاتی در قصر المؤتمرات جده برگزار شد، استاد هدف سفرش را در جمع خبرنگاران و حاضران به زبان عربی بیان کرد که ترجمه حرفی آن فرموده‌ها چنین است:

« بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله والصلاة والسلام علی سیدنا رسول الله صلی الله علیه و سلم الذی بلغ الرسالة و أدی الامانة ونصح الامة وجاهد فی سبیل الله حق جهاده وعلی آله وصحابته و من دعا بدعوته الی یوم الدین.

خوشحالم که درین مناسبت نیک و در این سرزمین مبارک، سرزمینی که در قلبهای مسلمانان جایگاه خاصی دارد، در مهبط وحی طلوعگاه رسالت محمدی صلی الله علیه وسلم، با برادرانم حضور می‌یابم. من از برادرانی که در اینجا تشریف آوردند تا در مجلسی که پیرامون اهداف سفر مجاهدین به مسکو روشنی می اندازد اشتراک



استاد در کنفرانس مطبوعاتی در جده، قاضی محمد امین وقاد در سمت چپ استاد و
مولوی محمدنبی و سیدحامد گیلانی در سمت راست استاد دیده می شوند. ایستاده ها:
داکتر نصیراحمد نور، انجنیر عبدالحمیدمنهاج و راشد الدین.

مجله «المجاهدون» نشریه جمعیت اسلامی افغانستان، هدیه داده شد و استاد در آخر افزودند:

« ما می‌خواهیم با برادران مسلمانان خود در تمام ابعاد به خاطر روابط بسیار قوی دینی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی روابط بسیار نزدیک داشته باشیم، شما خود را هیچ وقت تنها فکر نکنید. برادران مسلمان تان در افغانستان و یک هزار ملیون مسلمان جهان همراه با شما هستند.

من از دیدن شما بسیار خوش شدم، من از شما دعوت می‌کنم که به پاکستان بیایید و از آنجا به داخل افغانستان می‌رویم و حکومت اسلامی انشاء الله در افغانستان تشکیل شدنی است، حکومت های ازبکستان و تاجکستان خبر دارند که ما بعد از اینکه، مرزهای کشور خود را از وجود کمونیست های افغانی پاک کردیم، امنیت سرحدات را به خوبی حفظ نمودیم و روابط ما با مسلمانان تاجک و ازبک تقریبا به صورت مستقیم شروع شده است.

اینکه شما روابط آینده خود را از نگاه سیاسی و اقتصادی ،با اتحادشوروی چه گونه تنظیم می‌کنید، هر فیصله‌ای که شما کنید مورد احترام ماست.

تنها چیزی را که ما می‌خواهیم این است که شما هم در قسمت پیشرفت اسلام متوجه باشید و ماهم به هر نوع همکاری آماده هستیم.

سپس یک تن از روحانیون دست ها را بالانموده دعا نمود اما دعا به زبان روسی بود!، و در دعای خود آرامش و سعادت جهان اسلام را خواست، و یک تن از روحانیون روسی گفت:

دعای مسافر را پیامبر صلی الله علیه و سلم میشنود. که نمی‌دانیم در کجا این حرف را خوانده بود؟! یا ترجمان روسی نتوانست، گفته اورا درست ترجمه کند.

***

(۵)

مذاکره با وزیر خارجهٔ اتحاد شوروی

سه شنبه ۱۲ نوامبر ۱۹۹۱، ۲۱ عقرب ۱۳۷۰.

هیأت مجاهدین حوالی ساعات ده صبح وارد قصروزارت خارجه، اتحاد شوروی میگردد و درست سر ساعت ده، هیأت هردو طرف عقب میز مذاکره روبروی هم قرار میگیرند، میز مذاکره مستطیل شکل است، ۱۵ پایه چوکی با رویهٔ زرد رنگ از پارچه‌های نساجی، در هر دو طرف میز قرار دارد. و به فاصله‌های معین در هر دو طرف سه پایه میز کوچک با دو دو چوکی عقب هرکدام جابجا شده اند و بالای میزها، مقابل هرچوکی دو عدد پنسل بادو کتابچه بیست برگه کوچک و بزرگ که آرم تعمیر وزارت خارجه اتحاد شوروی را نیز باخود دارد، به چشم میخورد. هیأت شوروی طرف راست و هیأت مجاهدین طرف چپ میز روبروی هم نشسته اند.[۱]

هیأت روسی بایونیفورم خاص اروپایی برکرسی‌های شان قراردارند. هیأت مجاهدین با لباس‌های ملی و اسلامی شان، دو جانب ظاهراً و باطناً از هم متمایز اند. و در گذشته‌ها در چنین حلقات و محافل و مراسم انسان به مشکل می‌توانست به هویت افراد پی ببرد. زیرا علایم مشخصه و تمایز در بین نبود. هردوطرف کالر و مفلرو شپو و دریشی داشتند و هر دو طرف سیگار دود می‌کردند و هردو طرف

---

۱ - بالای میز مذاکره نه بیرق اتحاد شوروی بود و نه هم بیرق روسیه، ورنه من از پشاور بیرق حکومت مؤقت راکه آغا صاحب سید احمد رها، آنرا به عجله تهیه نموده بودند، در بکس دستی خویش حمل می‌کردم و منتظر بودم در هرجلسه‌ای که جانب شوروی بیرق کشور خود را پیش روی خود بگذارد، من هم بیرق حکومت مؤقت را پیش روی رئیس هیأت مجاهدین بگذارم، اما همچو مجالی دست نداد. فاضل

دست به قدح و سبو می‌بردند و در تالار مذاکرات و صحبت‌ها، فقط چیزی که هرگز به مشاهده نمی‌رسید ،احساس درد و رنج بیکران مردم بود.

این اولین بار در تاریخ هفتاد و سه سالهٔ روابط افغانستان با شوروی است که هیأتی به نمایندگی از ملت در برابر روس‌ها قرار میگیرد و این هیأت نمایندهٔ همهٔ مشکلات مردم است، نمایندهٔ دردهای بیکرانش، نمایندهٔ خون‌های بدریغ، نمایندهٔ اشک‌های بیحساب و نمایندهٔ فریادها و ضجه‌های جانگداز بیوه زنان و یتیمان آن.

این هیأت هم در ظاهر، از حیث لباس و قیافه نمایندهٔ ملت خود است و هم از حیث احساس و معنی و باطن.

این اولین باری است که هیأتی به نمایندگی از ملت مؤمن افغانستان ،حرف خود را در مسکو به نام خدا آغاز می کند و پیام اسلام رابه گوش دشمن می‌رساند.

این اولین باری است که روس‌ها حرف‌هایی از ملت افغانستان می‌شنوند و با سیمای اصلی این ملت مجاهد آشنایی پیدا می‌کنند.

زعمای گذشته افغانستان در طول ۷۳ سال وحتی قبل از آن، خود را چاکران گوش به فرمان روس‌ها محسوب می‌کردند و حتی نگاه خشم آلود زعمای روس را به سوی خویش مایه افتخار و مباهات می‌پنداشتند و آماده بودند که همه داشته و نداشتهٔ خود را درپای آنها قربان کنند که چنین کردند.

اگر نامه‌ای از لینین به امان الله خان می‌رسید آنرا سند شرافت و وقار خود می‌دانست. و اگر ظاهرشاه را موقع می‌دادند، جبین بر آستان کرملین می‌سایید و خویشتن را پیروزمندترین شخصیت تاریخ می‌دانست.

و دیگران همه چنین بودند وروس‌ها نیز مطمئناً ملت افغانستان را

جزء مایملک بلامنازع خود می‌خواندند.[1]

ولی این بار صحنه رنگ دیگری داشت.

و اقعاً جالب است، روس‌ها در حقیقت شرمسار و سرافگنده بودند آنها تا دیروز مجاهدین را مشتی اشرار، عناصر تخریب کار، آلۀدست بیگانگان، و بقایای فیودالیزم منحط و ...می‌گفتند . اما امروز با کمال خضوع و انکسار تماشاگر، گردن‌های افراشتۀ نمایندگان ملت هستند که همه افتخار و عظمت شان را به باد نیستی داده است.

هیأت مجاهدین بنام خدا لب می گشاید و از اسلام آغاز می‌کند که یعنی چه؟ یعنی آن اسلامی که ملت بیچاره و برهنه پای افغان را بر توپ و تانک و مهلک ترین سلاح‌های روس به پیروزی رسانده است، ایمان به خدا است و آن ایدلوژی‌ای که خاکستر کمونیزم جهانی را به باد داده است، اسلام است و آن فرمانده اصلی که نیروی مجاهد

---

۱ - در اینجا باید اعتراف کرد که در حمله بر زمامداران پیشین افغانستان یک مقدار از احساسات کار گرفته شده است. من نمیدانم نظر وثیق صاحب در مورد چیست. بناءً برای جبیره آن،آنچه را خواهم نگاشت که برادر دانشمند دکتور جمراد جمشید فرزند برومند شاعر و مؤرخ نامدار شادروان جمشید شعله حین ملاحظه و بازنگری این اثر. یادداشت کرده‌اند. وآن اینکه :

« واقعیت این است که به استثنای حکومت چند ساله کمونیست ها و انترناسیونالیزم کارگری آنان. دیگر سیاست خارجی امان الله خان. محمد نادرشاه، و دورۀ چهل سالۀ ظاهرشاه، یک مقدار غرور ملی وجود داشت. ایشان همه تدابیری به خرج دادند تا یک سیاست بیطرفی مثبت را در میان شرق و غرب بازی نمایند که در سایۀ آن بقای خودشان البته مطرح بود .

و قهر و خشم داود خان رئیس جمهور افغانستان در برابر بریژنیف را تاریخ کمتر شاهد است .

داکتر علی احمد خان پوپل که به حیث سفیر افغانستان در مجلس حضور داشت. به من گفت: داود خان به بریژنیف به بسیار خشم گفت. ما یک کشور مستقل و آزاد هستیم و به هیچکس اجازه نمی‌دهیم ارادۀ خود را بر ما تحمیل کند و قهراً صحنه و میز مذاکره را ترک گفت. گرومیکو از عقب او دوید و بریژنیف هم اورا تعقیب کرد و چندگاه در دهن دروازه به خاطر وداع معطل شده اما داود خان ضرورت ملاقاتهای دیگر را رد کرد و سفرش را در شوروی پایان داد.»

این صحنه‌ای که داکتر صاحب جمراد تذکر داده اند. و احساسات قوی ملی مرحوم داود خان را به نمایش می‌گذارد در مطبوعات برونمرزی هم بازتاب داشت. اما دیگر دیر شده بود و داود خان که قبلاً به نام «شهزاده سرخ» شهرت یافته بود ،به قیمت ادامۀ دوستی با شوروی و به گفته خودش پیروان یک آیدئولوژی وارداتی. بر نهضت اسلامی افغانستان ضربات جبران ناپذیری وارد کرد و پیشگامان نهضت همچو شهید انجنیر حبیب الرحمن و شهید دوکتور محمد عمر و شهید خواجه محفوظ و دیگران در عهد حکمروایی او به شهادت رسیدند. که البته نقش مزدوران روس در افغانستان ،در همچو تصمیم‌ها برجسته بود. فاضل

را به معرکه گسیل داشته و به قربانی واداشته است خداست.

این بار، دیگرحوادث غم انگیز گذشته تکرار نمی‌گردد یعنی معامله ای و سازشی درمیان نیست.

این سفر هیأت مجاهدین در حقیقت یک عملیات تمام عیار در خاک دشمن است، ولی نه باتوپ و تانک ،بل باحرف‌های آتشین‌تر از آتش توپ و تانک، بل باکلمات کوبنده تراز سکاد و اوریگان، این در حقیقت شدیدترین نبرد و رویارویی مجاهدین وروس‌ها است در عرصه هفتاد و سه سال. درینجا بر کمونیزم و پاسداران آن نفرین گفته می‌شود و جنایات کمونیزم در طول تاریخ و در خلال حیات جنون آمیزش محکوم می‌گردد.

در گذشته اگر زعیمی از افغانستان به آستان بوسی قصر نشینان کرملین میرفته است، برای پذیرش، ساعت‌ها مجبوربوده است در انتظار بماند و باگرما و سرمای مسکو بسازد. ولی این اولین باری است که قصرنشینان کرملین یکی دو ساعتی را انتظار می‌کشند تا از نمایندگان ملت مجاهد ما پذیرایی کنند.

این همه از فضلیت جهاد ما وقربانی‌های بیدریغ ملت مومن ماست.

و اکنون باهم صحنهٔ نبرد سیاسی دو طرف را به تماشا می‌نشینیم و حرف‌های شان را می‌شنویم.

نخست پانکین وزیر خارجه شوروی (زمانی هم سفیر شوروی در لندن بود) حرف‌هایش را چنین آغاز می‌کند:

« آمدن هیأت محترم شما را خوش‌آمدید می‌گویم، امید است مذاکرات ما مفید واقع شود. مذاکرات را ما یک گام مهم در جهت حل معضلهٔ افغانستان تلقی می‌کنیم. ما ملاقات خود را در ماه سپتامبر ۱۹۹۱ با هیأت عالیرتبهٔ شما و ملاقات شما را با معاون رئیس جمهور روسیه فدرال و ملاقات با مادران اسیران روس را مفید تلقی می‌کنیم.

با گرباچوف دیروز در مورد صحبت داشتم. او آمدن شما را یک قدم مهم تلقی میکرد. او به حل مسایل دردناک و پیچیده علاقه دارد.

بعضی مسایلی است که مایه تشویش ماست. مشکل است از کدام یک شروع کنیم که هر کدام اهمیت زیاد دارد.

ما افغانستان را کشوری می‌خواهیم صلح در آن مستقر باشد و خواهان همکاری متقابل و مقید به اساس حقوق بین المللی می‌باشیم.

معضله خیلی دردناک برای اتحاد شوروی مساله بندیان ماست. در کشور ما این مسئله را خیلی مهم تلقی می‌کنند. درینجا نمایندگان وزارت خانه‌های جمهوریت‌های مختلف و وکلا و نماینده گان آنها وجود دارند. ما این جلسه را از هیاتی تشکیل داده‌ایم که از تمام کشور نمایندگی بکند. شما با بعضی ها شاید معرفی باشید بازهم اجازه بدهید آنها را معرفی نمایم چون مذاکرات ادامه خواهد یافت، معرفت مفید است. (پانکین به معرفی هیأت شوروی می‌پردازد، چون نامهای روسی دراز است و دشوار بایک بار شنیدن، یادداشت مکمل آن غیرمقدور و فرصت استفسار مکرر برای یادداشت نام‌ها نیز میسر نبود، اما همه در نوار ثبت شده بود) کازیروف وزیر امور خارجه فدراسیون روسیه، اندرونوف عضو پارلمان و معاون روتسکوی در مسایل افغانستان، بلانوف معاون وزیر خارجه، قیوم اوف وزیر خاجه تاجکستان، مومن قناعت رئیس روابط بین المللی پارلمان شوروی مرزا محمد وف وکیل مردمی ، بختیار حکیم اوف ترجمان، منشی کمیته یوکراین در امور معیوبین و سربازان، معین وزیر خارجه روسیه، رئیس امور خاورمیانه در وزارت خارجه، کازیروف سفیر سیار و یکتعداد بنام وکیل مردمی اتحاد شوروی.

پانکین پس از معرفی اعضای هیأت شوروی گفت:

«ملاقات امروزی به تعقیب مذاکرات دیروز ادامه پیدا میکند و الان رشته سخن را به شما می‌دهم، اجازه بدهید که یک بار دیگر مهمانان عزیز را خیر مقدم بگویم.

پس از پایان بخش نخست اظهارات پانکین، استاد رشته سخن بدست گرفته و پس از حمد و ثنای پروردگار و درود برسرور کائنات علیه افضل السلام و الصلوات، اعضای هیأت معیتی شان را معرفی

فرموده و سخنان خویش را چنین ادامه دادند:

«به نمایندگی از هیأت مجاهدین از دعوت شما، اظهار تشکر می‌کنم. البته شما هم می‌دانید ملت هایی که در حالت جنگ به سر میبرند در قسمت پذیرش دعوت ها محتاطانه عمل می‌کنند و ما روی دو نکته این دعوت را پذیرفتیم:

۱ - ملت روسیه در اصل تصمیم گیری حمله برافغانستان شریک نبود بلکه یکعده عناصر جنگ طلب، دست به این اقدام یازیده بودند.

۲ - ماعملاً دیدیم که رهبری جدید روسیه عدم رضایت خود را ازین تجاوز ننگین اعلان کرد و حضور نظامی خود را در افغانستان ظالمانه خواند. ما شنیدیم که مجلس شورای اتحاد شوروی، این حمله را محکوم کرد.

ما خبرشدیم که برخی از سیاستمداران شوروی عاملین این جنایت را بربای افغانستان خواندند.

ما اطلاع داریم و شنیدیم که تعدادی از زعمای اتحاد شوروی ازین عملی که صورت گرفته، احساس ندامت کرده اند.

ما عقیده داشتیم که ملت روسیه نمی خواست با ملت افغانستان که سالها همسایه خوبی بودند درین جنگ خونین شرکت کند.

ما با یاد آوری از تراژیدی خونین کشور خود، از موضع گیری‌های انسانی و جرأتمندانه زعمایی که مخالف این حمله بودند و عاملین این جنایت را هنوز هم محکوم می کنند تقدیر می‌نماییم.

ما در دورانی می آییم که تغییرات عمده ای درروند آزادی و صلح در شوروی صورت گرفته است. ما می‌بینیم که ملت روسیه استبداد و اختناق دوران گذشته را دفن می‌کند. ما می‌بینیم که ملت روسیه، بخاطر جنایات زعمای قبلی، مشکلات اقتصادی را متحمل میشود. (چون استاد ساعت ۸:۳۰ صبح به اساس خواهش شواردنازده[1] باوی

۱ - ملاقات با شواردنادزه در مقر سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو صورت گرفت، استاد قبل از رفتن، مرا دستور داد که به آیت الله محسنی بگویم که آماده رفتن باشند. من به اتاق حضرت آیت الله رفتم و برایشان گفتم که استاد محترم میگویند. آیت الله صاحب آماده باشند که←

ملاقات نموده بود که تا آن لحظه مهمانداران ازین دیدار اطلاع نداشتند و استاد به خاطر اینکه به مهمانداران فهمانده باشد که صحبت خاصی با کسی نداشته است گفت): من در صحبت این صبح خود به شواردنادزه گفتم:

شاید حیوانات بتوانند در زنجیر اسارت زندگی کنند اما انسان‌ها نمیتوانند در زنجیر بسر برند و سرانجام زنجیرها را ازهم خواهند گسیخت. ملت ما گرچه فقیر و مستمند است اما یک ملت آزاد منش ست و تاریخ شاهد است که ما همیش علیه استبداد و استثمار مبارزه کرده ایم.

زمانی که استبداد و سیاست ستالین خواست ملت ما را بوسیله حمله قشون سرخ اسیر بسازد ما مقاومت کردیم و با آن مقابله نمودیم و همه انسانهای آزاد منش حتی درداخل شورروی هم از ما حمایت کردند و این لشکرکشی ظالمانه را محکوم نمودند.[۱]

ما با فاجعه‌های دردناکی روبرو شدیم که هنوز ادامه دارد و ضرورت به تذکار نیست که بگوییم: یک و نیم ملیون ما شهید. شش ملیون ما مهاجر و آواره شدند. ما ده‌ها هزار معلول و معیوب داریم. بیش از پنجاه هزار انسانهای وطن ما محبوس و بی سرنوشت هستند که نمی‌دانیم در کابل محبوس اند و یا به جاهای دیگری برده شده اند و هشتاد در صد آبادی‌های وطن ما به ویرانه تبدیل گردیده است.

من دیروز در صحبت بامادران اسیران روسی، صحنه رقت‌باری رادیدم،اما اطفال در افغانستان هر روز با این صحنه‌های رقت‌بار روبرو هستند و این کودکان سالهاست پدران شانرا ندیده اند.

جهت ملاقات با شواردنادزه به طرف سفارت ایران حرکت می‌کنیم، حضرت آیت الله گفتندکه به استاد بگویید من به سفارت ایران نمی روم. که من حرف شان را به استاد انتقال دادم .در این گفت و شنود مولوی صاحب محمد نبی . قاضی صاحب وقاد و آقای مرتضوی استاد را همراهی کردند. - فاضل

۱ - اشاره به حملهٔ روسیه در سال ۱۹۲۹ م پس از فرار امان الله خان است که استاد خلیل الله خلیلی در مورد آن رساله‌ای تحت عنوان « نخستین تجاوز روسیه به افغانستان» نگاشته است. - فاضل



استاد هنگام ایراد بیانیه در اسلام آباد بعد از برگشت از سفر مسکو

علت اینکه ما به اینجا آمدیم این است که در شوروی تـغییرات سازنده‌ای به میان آمده است ،ما می‌دانیم که روسیه کنونی، روسیه دوران استبداد قبلی نیست. ماتصور می‌کنیم زعمای جـدید روسـیه خواهان صلح اند. ما فکر می کنیم در دعوتی که از هیأت مجاهدین صورت گرفته، زعمای روسیه پیشنهادات جدید دارند. ما میخواهیم همه قضا با را جدی بحث کنیم. این یک واقعیت انکار ناپذیرست که فاجعه دردناک افغانستان، زاده تجاوز ظالمانه قشون روسـیه است. رژیم جنگ طلب فعلی در افغانستان، ادامه تجاوز روسیه است کـه هنوز هم در کشور ما صلح و امنیت را تهدید می‌کند.

یک مطلب برای ما حکم معما را دارد، از یک طرف می‌بینیم که تغییراتی در روسیه پدید آمده و از مجاهدین دعوت بعمل می آید و از طرف دیگر می‌بینیم رژیمی که توسط تانک‌های روسی بـرخـلاف اراده مردم ما به افغانستان آورده شده ،اینک با سکـاد و اوریگـان روسیه، حمایت می‌شود.

ما می‌بینیم که بعداز اینکه عدم ارسال اسلحه وعده داده می شود طیارات بزرگ روسیه که حامل سلاح‌های سنگین است، بـه مـیدان هوایی بگرام سرازیر می‌گردد و با جنون آمیزی و آسیمه سری نقل و اکمالات بیش از پیش ادامه دارد.

ما می‌بینیم که حتی در پهلوی این گسیل اسلحه و اکمالات رژیم، جهاتی یک عده عناصر ملیشه را مستقیماً مسلح می‌سازند.[1]

گرچه ادعا میشود رژیم فعلی روسیه، در لشکرکشی به افغانستان سهم ندارد، اما ما میگوییم رژیم فعلی و ظیفه دارد گناهی را که به نام ملت روسیه، رژیم قبلی انجام داده است جبیره کند.

ما دیروز در صحبتی که با روتسکوی داشتیم این احساس را پیدا کریم که زعامت روسیه مسؤولیت خود را درک کرده است و باید گناه

۱ـ اشاره به تشکیل کندک‌های قومی ملیشه از تبارهای مختلف در دوران رژیم‌های مزدور قبلی است که ملت‌های باهم برادر افغان را در برابر هم قرار داد و ما اکنون نتایج مضیبت بارش را لمس می کنیم. فاضل

تجاوزش را جبران کند.

رژیم جنگ افروز کنونی در افغانستان گرچه در بستراحتضار و آخرین روزهای حیات به سر می‌برد، اما ادامه تجاوز روسیه بر افغانستان است و مایقین داریم که حکومت جدید روسیه می‌تواند آخرین بقایای تجاوز نظامی روس‌ها را پایان دهد. ما تاکید می‌کنیم که روسیه و زعامت جدید آن می‌تواند این کار را انجام دهد.

ما یقین داریم که رژیم مزدور، هیچ پایه مردمی و ملی ندارد، و یگانه عامل بقای رژیم، کمک اقتصادی روسیه است.

هر سکادی که بالای قریه‌های ما فیر می‌شود، شوروی در برابر آن مسؤولیت دارد. البته ما نمیخواهیم جنگ در افغانستان ادامه یابد و یک قطره خون بر زمین بریزد. اما صلح و آشتی با نهادهای جنگ طلب و جنایت کار صورت گرفته نمی‌تواند، و این فیصله ماست که با عناصر جنایت کاری چون نجیب و امثالش دیالوگ به میان آمده نمیتواند. بهترین راه برای تامین صلح این است که شما هم فشار بیاورید که نجیب کابل را ترک بگوید و دیگر استبداد ادامه پیدا نکند. و این کوتاه ترین راه صلح در افغانستان است.

پیشنهادات شما به آقای مجددی در نیویارک کافی نیست. ما منتظر اقدام عملی شما هستیم.

ما به موضوع اسیران به حکم عاطفه دینی مان علاقه داریم و زمانی که قشون سرخ هنوز در افغانستان بود چندین نفر را بدون معاوضه آزاد نمودیم.»

استاد در این حین از الهام ،یاد آوری کرد و از صحبت دیروزی با پدر الهام. سپس گفت: ملت ما بسیار رنج دیده است و مادران زندانیان ما بسیار فغان می‌کنند که شما چرا بدون رهایی فرزندان مان، اسیران روس‌ها را رها می‌کنید. ما حاضر هستیم که اسرای جنگی از هر دو طرف به یک بار آزاد گردد.

به خاطر صلح و امنیت در افغانستان باید حکومت غاصب و غیر قانونی در افغانستان سقوط کند و قیادت جدید روسیه در زمینه قدم

کنند، تشکر می‌کنم.

برادران افغان تان بنا به دعوت زعامت جدید اتحاد شوروی به مسکو می روند تا با آنها قضیه افغانستان را مورد بحث قرار دهند، قضیه ای که در نزد همه جهان اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است. حالا که من از مساله افغانستان یاد آوری می کنم، می‌سزد که بهترین سپاسهای خودرا به کشور سعودی و امتنان خود و مجاهدین را به خادم حرمین شریفین (ملک فهد بن عبدالعزیز) ، که در رنج و درد ملت مسلمان افغانستان شریک هستند ،تقدیم دارم. و از ملت برادر سعودی اظهار شکران می‌کنم که در مورد برادران افغانی شان توجه و اهتمام به خرج دادند.

و ما که گامهای متین به سوی پیروزی برداشتیم و عربستان سعودی با ما در ساحات مختلفی همکاری کرد و امروز پروژهٔ خادم حرمین شریفین از زبان سفیرش در پاکستان شنیده می‌شود که خواهان آبادی افغانستان بعد از ویرانی‌هایی است که ارتش تجاوزگر سرخ بجا گذاشته است. و بار دیگر از همه برادران حاضر تشکر میکنم.

بدون شک همه میدانید که ملت مجاهد افغانستان که دست به تلاش خستگی ناپذیری زد وراه جهاد را باعزت و کرامت گزید، و ایام دشواری را گذراند . سپاس خدای را که این ملت، با شکیبایی و پایداری و یاری او، توانست راه خود را به سوی پیروزی باز کند.

سفرهیأت به اتحاد شوروی سفر عادی نیست و نه سفری است برای سیاحت، بلکه ما مجاهدین دراین مرحله، در مرحله پیروزی کامل قرارداریم . ما در آغاز رویارویی باروس‌ها، به اتفاق هم اعلام میداشتیم که مجاهدین با مزدوران روسی در افغانستان (رژیم کابل) هیچ مذاکره‌ای انجام نخواهند داد و کسی که با ما می‌جنگد ارتش سرخ است و ما با اتحاد شوروی روبرو هستیم. هرگاه گفت وشنودی مطرح شود ما جز با روس‌ها با طرف دیگری مذاکره نخواهیم کرد.

شوروی با ارتش خود بر کشور ماتجاوز کرده است، از همینرو وقتی که شوروی‌ها خواهان مذاکره با ما شدند، محل مذاکرات ژنیو و

عملی بردارد، این کار به نفع همه است.

(استاد در همینجا حرفهایش را پایان می‌دهد تا ببیند که این حرفهای صریح تا چه حد تاثیری در پانکین و هیات شوروی بر جا گذاشته است.)

پانکین چنین لب به سخن می کشاید:

با تشکر از آغای ربانی، ما با دلچسپی و توجه زیاد و هیجان حرف های شما و تاریخ مبارزه شما را شنیدیم. نظر شما در باره دورنمای حل سیاسی و تحلیل شما از حوادث گذشته که چند سال پیش شروع شده، جالب است و در قسمت زیاد حرف‌ها، با شما موافق هستم.

طوری که شما فرمودید، بسیاری وکلای شوروی، رهبران شوروی و همه مردم، صدور قطعات را به افغانستان محکوم کردند و آن کار (تجاوز نظامی بر افغانستان)از طرف یکعده محدود انجام شد و از طرف مردم محکوم گردید. و این عمل خیلی بدی بوده است. و نمی‌تواند مورد بخشش قرار گیرد، زیرا رهبران ما حادثات تلخی را مانند حادثه هنگری و چکوسلواکیا تکرار کردند.

من قبل ازینکه بحیث وزیر مقرر شوم، به حیث سفیر در چکوسلواکیا کار می‌کردم ورستاخیز شما را مطالعه میکردم و میدیدم که با عودت قطعات شوروی از چکو سلواکیا [شاید قصد داشت افغانستان بگوید، از زبانش چکسلواکیا برآمد.] چگونه یک صفحه جدید گشایش یافت. پروسه اصلاحی و انقلابی که از اوایل سال ۱۹۸۵ م آغاز شده این امکان را فراهم آورد که طرزالعمل ما در افغانستان طور جدی مورد بحث قرار گرفت و عودت قطعات شوروی را مساعد ساخت.

تحولات انقلابی کشور ما به همه قابل درک نیست، که نمونه آن واکنش کودتا در کشور ما بود که نشان داد کسانی بودند که با پروسه‌های دموکراتیک مقاومت میکنند و آنها خیلی قوی هم بودند و می توانستند در پروسه صلح موانع ایجاد کنند. و جریان حوادث را به عقب بر گردانند.

ولی مساعی گرباچف و یلتسین یکجا شد و ازین کودتا جلو گیری کرد . من از حرف‌های شما درک کردم که شما جریانات را تعقیب میکنید.

پانکین سپس از جریان اعلامیه مشترک شوروی و امریکا حرف زد و ملاقات خود را با مجددی صاحب یاد آوری کرد و از نقش کنفرانس صلح آمیز کمپوچیا یاد نمود. سپس افزود:

من می‌خواهم در بارهٔ گفته‌های شما اظهار نظر کنم ولی قبل از همه می‌خواستم یک معضله را مطرح کنم که شما آنرا در پایان همه مسایل مطرح ساختید و آن مسئلهٔ رهایی اسیران است که باید هرچه زود تعیین سرنوشت شوند. من، می‌خواهم به صراحت بگویم که ما، در صحنه تفاهم و درک وسیع یکدیگر هستیم.

به نمایندگی از رهبری اتحاد شوروی و بـه نمایندگی از همه سازمانهای اجتماعی و دولتی و به نمایندگی از همه جمهوری ها و همه خویشاوندان اسیران میگویم که مسالهٔ اسیران هرچه زود تر حل شود. و اگر شما اسیران را رها کنید، از تحولات انقلابی اخیر، عملاً پشتیبانی نموده‌اید. ما می‌فهمیم که از نقطه نظر عملی این پرابلم انسانی است، البته در ساختار گروه‌های مجاهدین عدم تفاهم میان آنها وجود دارد و ما همه چیز را درک می‌کنیم. من حل مسالهٔ اسیران را شرط حل دیگر مسایل نمی‌دانم و این مسالهٔ جداگانه است. کسانی که به میهن خود باز می‌گردند، شما آنها را اجازه دهید و اگر کسی میل دارد آنجا باشد، خویشاوندان شان از تصامیم شان مطلع شوند. من از پیشنهاد شما پشتیبانی می‌کنم کـه پـدر «الهـام» بـا شـما بـرود و سرنوشت پسرش را خودش تعیین کند.

در این حین چون وقت نماز فرا رسیده بود و عقربه های ساعت (۱۲) ظهر را نشان میداد استاد جلسه را جهت فرارسیدن نماز توقف دادند و یکتن از اعضای هیأت را دستور دادند تا اذان بگوید.[۱]

---

۱ – خاطرهٔ خوش من در سفر مسکو، همین اذان در تالار وزارت خارجه اتحاد جماهیر شوروی !بود که در مصاحبه‌ای با مجله «آزادی» که بعد از این سفر صورت گرفت .به آقای فریدون ←

ما نماز ظهر را با جماعت و به امامت استاد در آن تالار ادا کردیم.

نماز پایان یافت و ساعت ۱۲:۲۵ به وقت مسکو مرحلهٔ دوم مذاکرات آغاز گردید و پانکین صحبتش را چنین شروع نمود:

این مذاکرات برای ما ممکن ساخته است که یکدیگر را درک کنیم و اینک نظر خود را در بارهٔ گفته های شما ابراز می‌دارم و به تعقیب آن میتوانیم تبادل نظر کنیم و همه مشترکاً در آن سهم بگیرند.

قبلا راجع به اسیران حرف میزدم ولی خواستم اضافه کنم مجاهدینی که در کابل و در دیگر شهر های افغانستان زندانی هستند آزاد شوند. مطابق معلومات دست داشتهٔ ما، در حال حاضر در شوروی از مجاهدین هیچکس زندانی نیست. تنها یکتعداد یتیمان اینجا هستند که به اساس کمک‌های بشردوستانه و در صورتی که شرایط امنیتی در افغانستان مساعد شود ما موافقیم تا آنها برگردند.

من می‌خواهم توجه شما را به اعلامیه ماه سپتمبر جلب کنم که نکته اساسی آن اعلامیه، توافق در باره قطع صدور سلاح از اول جنوری ۱۹۹۲ بود.

ما به همه جهات در گیر پیشنهاد می‌کنیم آتش‌بس اعلان شود. آتش بس به نظر ما امکان این را فراهم می آورد که تاریخ قطع صدور سلاحها که هنوز ادامه دارد، نزدیک‌تر گردد.

من نظر مشترک همه جمهوریت ها را ابراز می کنم که پیشنهادات ما معنی مداخله در امور داخلی افغانستان را ندارد. معتقدیم که این معضله توسط خودافغانها حل شود. کدام نظام باید در افغانستان باشد، کدام مقامات دولتی ایجاد شود، این همه مربوط خود مردم افغانستان است. همان موضعی که ما در رابطه به کشورهای اروپای شرقی نشان دادیم که تحولاتی در آن کشور ها رخ داده است و ما هیچ دخالت نکردیم. ما قطعات خود را از چکسلواکیا، پولیند و هنگری فرا

افراسیابی سردبیر آن مجله یادآور شدم. خاطرهٔ خوش من در سفر مسکو اذان در تالار وزارت خارجهٔ شوروی است. این اذان در بسا نشریه‌ها انعکاس یافت، حتی گفته شد که مجاهدین در قصر کرملین اذان دادند. فاضل

خواندیم. ما جرمنی را اشغال نه کرده ایم، صرف آنرا آزاد ساختیم(؟!). مردمان آن کشورها نظام خود را تغییر دادند.

بهترین راهی که بدون خون ریزی اجرا شود این است که، هر چه زودتر آتش بس شود و دیالوگ بین افغانها آغاز شود. و به دنبال آن میکانیزم های بین المللی آغاز گردد و در این زمینه جامعه بین المللی باید همکاری کند.

ما به صراحت می‌گوییم که گام بعدی یعنی برطرف نمودن رژیم کابل از صلاحیت ما نیست. ما در افغانستان نیستیم ما در آنجا جنگ نمی‌کنیم و معضله باید از طریق تفاهم مشترک حل شود.

من بار دیگر دعوت می کنم که پیشنهاد برای راه حل و اقعبینانه جهت حل قضیهٔ افغانستان را در نظر گیریم. اگر فردا آتش بس اعلان می‌شود اتحاد شورروی، ایالات متحده و دیگر کشور ها امکانات عملی را فراهم آورد.

اگر کمکهای نظامی به کابل قطع شود، آنها منبع دیگری ندارند. اما مجاهدین جهت حصول امکانات، منابع زیاد دارند و با قطع کمکها از اول جنوری، توازن بر هم می خورد.

صریحاً گفته شود که درمیان شماهم توافق عام و تام وجود ندارد، طوری که برای ما معلوم است، برخی سازمانها به دیا لوگ بین افغانها آماده اند و گروپ‌هایی اند که حاضر به دیالوگ بین افغانها انـد و گروپ‌هایی اند که حاضر به مذاکره نیستند، امـا آتش بس را بـه شرایطی قبول می کنند. حتی نیروهای هم وجود دارند که جنگ را تا پیروزی نهایی ادامه میدهند و جهاتی وجود دارند که میخواهند بعد ازین خونریزی بیشتر صورت نگیرد و تعداد زیاد مردم کشته نشود.

واقعیت است که جنگهایی بین مجاهدین و رژیم کابل صـورت می‌گیرد. بلکه جنگهایی هم میان دسته های مجاهدین صورت مـی گیرد.

ما حاضریم راه حل معضله را پیدا کـنیم و مسـئله افـغانستان را مربوط کدام شخص نه نماییم.

به نظر من در این زمینه پیشنهاد سر منشی ملل متحد دلچسب است و دیالوگ بین افغانها گام مثبت است.

با وجود اقتصاد ضعیف، ما میخواهیم، کمک بیشتر به افغانستان کنیم، بنیاد روابط آیندهٔ خود را بگذاریم و نظام افغانستان قسمی باشد که خود مردم انتخاب کنند.

حرفهای پانکین پایان یافت. و کازیروف وزیر خارجه فدراسیون روسیه حرفهایش را شروع کرد:

«من به نمایندگی از فدراسیون روسیه شما را خوش آمدید می‌گویم . یک سال قبل، رئیس جمهور یلتسین پیشنهاد کرده بود که می‌خواهیم در زمینه گام جدی تر بر داریم، رهبری روسیهٔ فدراتیف، روحیهٔ دموکراتیک دارد.

روسیه از مدتی است که روابط ایدیولوژیکی با کابل ندارد و این بخاطر پایان یافتن کمونیزم و ممانعت فعالیت کمونیستها در روسیه است.

روشن است که پیشنهاد مشخصی از ملل متحد وجود دارد و آن حکومت ائتلافی است که حتی نمایندگانی از رژیم فعلی در آن حکومت شرکت نمی کند.

ما طرفدار قطع کمکهای نظامی به کابل بودیم و یلتسین ماه ها پیش نظر خود را ابراز داشته است.

حل مسالهٔ اسیران جنگی برای بر پا کردن روابط بین دو کشور در آینده خیلی مهم است. ما قبل از آمدن شما با معاون رئیس جمهور یلتسین تفاهم کردیم، می‌توانیم نمایندگانی از طرف خود و از طرف ثالث دیگر هم تعیین شوند تا مساله اسیران جانبین را دنبال کنند اگر طرفین موافق باشند، باید یک اعلامیه مشترک صادر شود و گام عملی برداشته شود.

در مورد کمکهای غذایی باید بگویم که می‌خواهیم مواد غذایی به مناطق تحت تسلط مجاهدین و مناطق تحت تسلط کابل برسانیم. اگر در اصل با این نظر موافق هستید، می‌توانیم امشب بالای یک اعلامیه

مشترک با هم کار کنیم و یکجا با نمایندگان شوروی اعلامیه ترتیب دهیم و فردا به معاون رئیس جمهور گزارش دهیم.

استاد بعد از پایان یافتن حرف‌های پانکین و کازیروف، حرف هایش را که باخشم اندر است چنین آغاز می کند:

با تشکر از حرف‌های شما، من روی یک مطلب تأکید می‌کنم آن اینکه ما آمدیم تا ببینیم زعامت جدید شوروی چه پیام جدید به مردم افغانستان دارند. انتظار داشتم از مستر پانکین، پیشنهادات جدیدی را بشنوم، مگر متاسفانه چیزی اظهار نکردند. مستر پانکین گفتند: در میان مجاهدین اختلاف و جود دارد، من تأکید میکنم اختلاف نظری است و در آمدن ما عدهٔ از برادران مان مخالفت می کردند و می‌گفتند، در شوروی مطلب جدید وجود ندارد و در ارتباط بارژیم کابل، در موقف شوروی چیز جدیدی رونما نشده است.

در میان ما اختلاف وجود دارد اما اختلاف در میان شما بسیار زیاد و برجسته است. نزدیکترین فرد به گورباچوف ضداو کودتا کرد و تانکها را به خیابانها کشید.

مستر پانکین تشویش دارند که بعد از «نگیتیف سمتری» رژیم کابل با مشکل مواجه شود و در مضیقه قرار نگیرد، اما این تشویش درست نیست زیرا اتحاد شوروی آنقدر سلاح را در کابل گدام ساخته است که چندین سال کفایت می کند. حتی بعد از اعلان «نگتیف سمتری»، پل هوایی انتقال سلاح به کابل، فعالیت دارد و بیشترهم شده است.

من دیروز به مستر روتسکوی این جریان را یاد آور شدم او تعجب کرد.

مستر پانکین می گوید که زعامت شوروی دو سال قبل تصمیم مبنی برقطع صدور اسلحه گرفته بود، اما نسبت مشکلاتی پیاده نشد، ولی من نمی‌دانم که بعد از شکست کودتا دیگر چه مشکل وجود دارد. من فکر می کنم کار معقول این است که قطع همه کمک ها اعلان شود و عملا و واقعا کمک ها قطع گردد.



قاضی وقاد، استاد ربانی، مولوی نبی، حشمت الله مجددی در جده

بازسازی افغانستان مطلب عمده‌ای نیست که ما ازشوروی خواهان آن باشیم، بسیاری ممالک چون سعودی، دنیای اسلام، جاپان و سایر کشورها حاضر اند، با ما دربازسازی کشور مان کمک کنند. شما اشکهای مردم افغانستان را پاک نکنید بلکه قلبهای شان را راضی بسازید و کاری کنید که خون ملت افغانستان نریزد.

استاد یک نظر سریع به هیأت شوروی افگنده، رو به پانکین نموده در حالی که صدایش را بلندتر از حالت عادی کرده است، به حرف هایش چنین ادامه میدهد:

ادامۀ استبداد و اختناق رژیم کابل بالای ملت ماهنوز به شما پیوند دارد، وزیر خارجه شوروی خود را در محیط شوروی ناتوان فکر نکنند.

شمادر صحبت خود از دیالوگ صحبت کردید. ما موضع خود را صریحاً گفتیم، به دبیرکل ملل متحد هم گفته شده است که هیچ افغان مسلمان حاضر نیست در دیالوگ بین الافغانی (که رژیم نجیب یک طرف آن باشد) اشتراک کند و دیالوگ بانجیب امکان ندارد، این حرفی روشنی است که ما بارها آنرا گفته‌ایم.

استاد لحظه‌ای درنگ می کند سپس میگوید:

این حرفم در قضایای شما مداخله تعبیر نشود و شاید از دپلوماسی به دور باشد و آن اینکه:

شما اشتراک کنندگان در کودتای نافرجام ماه اگست را به میز محاکمه کشانیده‌اید. ما چگونه با قاتل ملت خود بنشنیم؟ فکر می کنم این مسأله را نه عدالت قبول میکند، نه شما و نه ما.

شما می‌دانید که بعد از جنگ بین المللی دوم در قانون اساسی آلمان نوشته شده است که حزب نازی حق ندارد در انتخابات شرکت کند، جنایات حزب نازی در برابر یهودی هابوده است وجهت سربلندی نژاد جرمن. اما نجیب یک و نیم ملیون انسان بیگناه هم میهنش را به قتل می رساند و ما چگونه می توانیم اورا در تصامیم آینده شریک بسازیم.

شما در حرفهای تان به آتش بس اشاره کردید ولی نظر ما اینست که تا زمانی که رژیم غاصب در کابل وجود دارد موضوع پیشنهاد در این رابطه، غیر عملی است و باید رژیم سقوط کند.

شما که می‌گویید شوروی دراین مورد نمی‌تواند کاری کند ما می‌گوییم که جنایات رژیم وابسته به کمکهای شماست.

در ارتباط به رهایی اسیران جنگی ما هم علاقه جدی داریم شما باید اقدام انقلابی کنید، تامردم ما و کسانی که موافق آمدن ما نبودند اطمینان حاصل کنند.

حرفهای استاد پایان می‌یابد و پانکین حرف‌هایش را چنین آغاز می‌کند:

تشکر از آقای ربانی شما درصحبت تان گفتید که حرفهای تان بیرون از دپلوماسی نباشد، اما من می گویم که : شما دپلومات خیلی مجرب هستید. ما حقیقت را اگرچه تلخ هم باشد یاد آور می‌شویم.

می خواستم درمورد پیش رفت مذاکرات مان نمونه بیاورم. گفتید اعلان شوروی و امریکا از یک میز به میز دیگر حواله می‌شود، به نظر ما این گام بزرگی بوده است که بعد از سرکوبی کودتا، دوسه هفته بعد آنرا تصویب کنیم و عکسل العمل نشان میدهد که این توافقات گام بزرگی بوده است که ملاقات ماوشما را امکان پذیر ساخته است و ما مواضع یکدیگر را بهتر درک کنیم و این مطلب خوبی است که چنین مذاکرات در این سطح مهم صورت میگیرد.

پانکین بعد از گفتن حرفها در مورد نگتیف سمتری افزود:

ما حاضریم تمام مساعی خود را به خرج دهیم تا آزادی اسیران مجاهدین از رژیم کابل صورت گیرد. من با وزرای خارجه کشورهای شامل در معضله افغانستان، در واشنگتن، اسلام آباد، و تهران تماسهایی داشتم. امریکا وعده داده است که جهت مسأله اسیران مساعدت جدی کند.

ما فهرست زندانیان را از کابل گرفته در اختیار شما قرار می‌دهیم و می‌توان برای حل این مسایل ،کمیتهٔ مشترکی ایجاد کرد. ما نظر

داشتیم که در این کمسیون نمایندگان کابل هم باشند، اما بر آن پافشاری نمی‌کنم.

اگر مسألهٔ اسیران حل شود، آتش بس صورت گیرد، مدت قطع کمک های نظامی کمتر می‌شود.

در بارهٔ کمک های بشری طوری که آقای کازیروف گفتند می‌توانیم موضع مشترک اتخاذ نماییم. نتیجهٔ مذاکرات امروز را حتما به سمع گربچوف و یلتسین می‌رسانم.

اندرونوف : آغای ربانی! من به نمایندگی از رهبری روسیه میگویم که تا ساعت چهار کوشش کنیم به کدام نتیجه مشخصی برسیم.

یکتن از وکلای پارلمان: ما تمام حرفهای وزیر خارجه شوروی را تایید می کنیم باید در مورد تمام اسیران جنگی پروگرامی ترتیب دهیم.

مومن قناعت شاعر مشهور تاجکستان و رئیس روابط بین المللی پارلمان شوروی به حرفهایش چنین آغاز کرد: من علاقه دارم به زبان تاجیکی حرف بزنم. مسایلی که گزارش شد، سال ۱۹۹۰ چند دفعه، آن، در شورای عالی همزمان با مسایل اسیران جنگی گزارش داده شد. حکومت نجیب الله چند روزه است او نمی تواند که اسیران ما را رها کند. حالا مادر فضای دیگری هستیم ما با سران و شخصیت های بزرگی می‌بینیم، سالها آرزو داشتیم، سیمای آنان را ببینیم اما حالا رویه‌روی ما نشسته اند و ما می‌توانیم از صحبتی که سر ساعت چهار می‌شود چند گامی به پیش بگذاریم.

بعد از پایان یافتن سخنان مؤمن قناعت نماینده یوکراین گفت:

من به نمایندگی از یوکراین حرف می زنم، ما در حدود ۵۰ تن غایب در جنگ داریم، باید بگویم که در یوکراین تشویش زیاد است، اگر مذاکرات وقت میخواهد آرزو دارم اقارب اسیران اطلاع یابند که در کجاهستند و چه میخواهند؟ امیدوار هستم مذاکرات پییش برود و به نتیجه برسد و سرنوشت اسیران معلوم شود.

کازیروف وزیر خارجهٔ روسیه مثلی که از حرفهای نماینده اوکراین خوشش نیامده باشد می گوید:

ما در مورد همه اسرای جنگی به صورت کل صحبت می‌کنیم، صرف نظر از اینکه از کدام جمهوریت هستند.

قیوم اوف وزیر خارجه تاجکستان حرفهایش را شروع کرده تبسم کنان گفت:

من هم میل دارم به تاجیکی حرف بزنم و خطاب به استاد گفت:

ما سلامهای ملت همزبان شما را به شما تقدیم میداریم.

ما همسایهٔ مجاور هستیم و سرحد ۱۳۰۰ کیلومتر با شما داریم اگرچه دریایی ما را از هم جدا کرد، اما پیوند بود.

دراین حال قیوم اوف بخاطری که مسلمان بودن خود را به ما نشان بدهد گفت:

و شکر بر «صلی الله علیه وسلم»! که تحولات بزرگ به میان آمد. سپس ادامه داد:

البته قوت هایی هستند که نمی خواهند این کار صورت گیرد و مانع ایجاد می‌کنند. همه کسانی که دراین جا نشسته اند از عقیده ای که سابق داشتند، دست بکشند، مسأله افغانستان تنها به افغانستان مربوط نمیشود، بلکه مسأله منطقه است، ما می‌خواستیم در افغانستان جنگ نشود ما می خواهیم معضله افغانستان حل شود و خرد غلبه کند. ما چون اجداد مان صبر کنیم. جدی شویم راه صلح را اختیار کنیم جز این، راه دیگری نیست. ما باهم همکاری کنیم و افغانستان «ازدهار»[1] جدید بگیرد ما به همکاری آماده هستیم.

در این حین آیت الله محسنی اشاره می کند که می خواهم چیزی

---

۱ - «ازدهار» در عربی جدید شگوفایی معنی می‌دهد و اگر هدفش از استعمال آن عین همین مفهوم باشد ،آن واژه را بسیار بجا استعمال کرده است و تسلط او را بر عربی جدید آفتابی می‌کند. اما در همان جلسه که شکر بر صلی الله علیه و سلم گفت، عدم آشنایی او را با فرهنگ اسلامی می‌رساند. شاید هم وارخطا شده باشد و یا لغزش زبان برایش دست داده باشد و چون من با دقت همه چیز را دنبال و حتی ثبت می‌کردم، آن کلمه و این عبارت را نیز درج نمودم. فاضل

سپس اتریش را تعیین داشتند، ما مذاکره در آن دو محل را نپذیرفتیم. من در آن روزها در عربستان سعودی بودم، تلفونی از جنرال مرحوم ضیاء الحق آمد که می گفت، روس‌ها خواهان مذاکره با مجاهدین اند، آنروز ها دوران استبداد و اختناق و دهشت افگنی کمونیزم بود. دورانی بود که روس‌ها دین را افیون ملت ها می‌خواندند. اما من گفتم باید روس‌ها خاضعانه به عربستان سعودی بیایند. همان بود که روس‌ها پذیرفتند و ما با «وارنتسوف» در طایف مذاکره کردیم، ما مذاکرات، دیگری هم باروس‌ها در اسلام آباد داشتیم.

حالا که در مرحله جدید و مرحله پیروزی و نیرومندی قرار داریم روس‌ها از ما دعوت کردند و ما دعوت آنها را پذیرفتیم. در اینجا این سوال مطرح می‌شود که ما چرا به اتحاد شوروی می‌رویم؟

آیا می‌دانید ماراجع به چه مذاکره خواهیم کرد؟ آیا در مورد شکل حکومت باروس‌ها مذاکره خواهیم کرد؟ نه، هرگز. ما با روس‌ها دراین مورد مذاکره نخواهیم کرد و نه به آنها چنین اجازه ای خواهیم داد. این حق ماست، نه به روس و نه به دیگران چنین اجازه‌ای خواهیم داد.

کیفیت تشکیل حکومت در افغانستان تنها حق خود ماست. ما به شوروی می‌رویم تا برای آنها باردیگر تاکید نماییم که بعد از تغییرات در سیاست اتحاد شوروی و بعداز ینکه دیدیم، بت‌های کمونیزم از هم فروریختند و بعد از ینکه جهان شاهد فروپاشی کمونیزم شد و بعد از اینکه دیدیم تندیسه‌های رهبران کمونیزم در زادگاه کمونیزم زیر پا می‌شود و ملت روس با کمونیزم داخل پیکار است.

ما در شرایطی به شوروی می‌رویم تا برای شان بفهمانیم که باید مداخله شان را در امور داخلی افغانستان پایان دهند ما به شوروی می‌رویم تا صداقت روس‌ها را ببینیم که آیا آنها سیاست‌های شانرا در قضایای جهانی تغییر داده اند و یا خیر؟ و ما آرزومندیم که دروازه‌های دگر گونی در شوروی کشاده شده باشد.

ما باروس‌ها در امور داخلی خود صحبت نخواهیم کرد، این کار تنها به ما ارتباط می‌گیرد. ما به شوروی می‌رویم و از رهبران اتحاد

بگویم، استاد میگوید آقای محسنی میخواهند چیزی دراین مورد بگویند، و آیت الله محسنی چنین می گوید:

مسأله اسیران یک مسأله انسانی است و یک مسأله مهم دیگری داریم شما که اسلحه زیاد را می فرستید، روزانه صدها نفر کشته می‌شوند، بحث کردن در این باره اولویت دارد، ما می‌خواهیم مسأله اسیران حل شود، ما ده ها هزار زندانی در پلچرخی داریم. ولی حقیقت این است محروم کردن رژیم کابل از اسلحه شما اولیت دارد و روزانه صدها نفر راکه در جمله اسیران شما هم شامل اند می‌کشد و با حل این مسأله، مشکل اسیران آسان، حل می‌شود. تشکر.

پانکین: مذاکره را ساعت ۴ ادامه میدهیم و مشخص صحبت می‌کنیم، من گفته های همه جمهوریت ها را تایید می کنم، صحبت ما خیلی مفید است منطق مذاکرات نیز همین است. تصمیم دفعتا گرفته نمی‌شود. تصمیم مهم را بعد ارزیابی می‌کنیم، اگر من ناوقت آمدم آقای کازیروف هستند و قبلا بخشش می‌خواهم.

امید واریم مذاکرات ما را به حل نهایی نزدیک بسازد باز هم می‌خواستم تکرار کنم که فیصله ما مبنی بر قطع سلاح از جنوری ۹۲ بدین معنی است که هرچه زودتر آتش بس اعلان شود ما تعهدات خود را مطابق این طرح اجرا می‌کنیم. ممکن است در مورد پیشنهاد ما فکر کنید، می‌توانیم کدام نمایندگی شوروی در پشاور داشته باشیم و ما بتوانیم در این زمینه فکر کنیم این نمایندگی می تواند در تماس دائمی در پشاور باشد و این مفید است.

بهر ترتیب این دور مذاکرات هم ساعت دو و نیم بعد از ظهر به وقت مسکو پایان می یابد و هیأت مجاهدین که از طرف سفارت جمهوری اسلامی ایران به مهمانی دعوت شده بودند به طرف سفارت جمهوری اسلامی ایران می روند و شاید همه اعضای هیأت که مدت تقریباً دوشبانه روز است که جز تخم جوشانده، چای و مقداری خرما چیز دیگری تناول نکرده‌اند، علاقه دارند تا زودتر به سر سفره برسند و بدین ترتیب تالار مذاکرات را برای صرف نان ترک

گفتیم و اینک روانهٔ سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو هستیم که در بخش بعدی باز ادامهٔ جریان مذاکرات را خواهیم خواند.

* * *

(۶)

بازهم رویارویی با هیأت اتحاد شوروی

سومین دور مذاکرات با روسیه ساعت ۴:۴۰ بعد از ظهر به وقت مسکو در تالار قصر وزارت خارجه آغـاز یـافت، و ریـاست هـیأت روس‌ها را بلیگانوف معاون وزارت خارجه شوروی بر عهده داشت. بلیگانوف حرفهایش را چنین آغاز کرد:

ما خیلی خوب درک می کنیم که هـرروز جـنگ در افـغانستان موجب کشتن مردم است ،بنابراین، با قطع فعالیت های جنگی، جنگ هم توقف می کند و من خاطر نشان می کنم که انتقال و صدور سلاح به افغانستان افزایش نیافته است ما با امریکایی‌ها در قـطع صـدور سلاح به توافق رسیده ایم که در اعلامیه مشترک بطُور دقیق بـحث شده است. شما اهمیت مسأله اسرای جنگی ملت ما را درک می‌کنید و ما تشویش شما را در باره افراد تان درک می کنیم.

به نظر من، می توانستیم در جهت این میکانیزم مشترک جهت نیل به هدف مشترک یعنی جهت آزادی اسیران روسی و اسیران شما که در نزد حکومت کابل است با هم مساعدت کنیم.

یکی از اولی‌ترین کاری که استفاده از این مـیکانیزم مـی‌توانـد انجام دهد، این است که طرفین معلومات دقیق در اخـتیار یکـدیکر بگذارند.

ما می فهمیم که مشکلات در مورد اسیران روسی خصوصاً آنانی که در مناطق دور دست اند، وجود دارد. جانب شـوروی نـیز عـین

مشکل را دارد، زیرا اسیران شما نزد مانیست بلکه نزد کابل است. باید با کابل ارتباط بگیریم.

تقدیم کردن لیست، کار بعدی تبادل اسیران را آسان می‌کند. البته هدف تبادلهٔ اسیران جنگی روسی با اسیران جنگی در نزد رژیم کابل است. ما آماده هستیم تمام پیشنهادات شمارا جهت فعال ساختن این میکانیزم استماع نماییم. کار دومی ما این است که تفاهم بین خود را نزدیک سازیم و آن نزدیک ساختن تاریخ قطع سلاح است.

ما علاقه مندی شما را در اینکه سلاح هرچه زودتر قطع شود شنیدیم ما در مورد فکر می‌کنیم و امکانات حل آن را پیدا می‌کنیم.

نقطه سومی که مطرح می شود، ادامه تماس ها میان ما و مجاهدین است ملاقات امروزی ما خیلی مفید است زیرا این آغاز تماس‌های عام و تام است. ما طرفدار آن هستیم که چنین تماس‌ها بین ما ادامه یابد و می‌توان در اینجا کدام توافق مشخص و مشترک را اتخاذ کرد.

و همچنان می‌خواستم نظر شما را در بارهٔ این نکته جلب کنم که برای ما یک نماینده گی جهت تماس‌های پیوسته و دوامدار ضروری است. ما آماده ایم چنین نمایندگی را در اسلام اباد یا پشاور بسازیم به شرط اینکه زمینهٔ آن برابر شود، چنین نمایندگی امکان دارد سبب برقراری تماس‌ها شود.

البته ما می‌اندیشیم که این نمایندگی کفایت می‌کند یا نمایندگی دیگری هم، جهت تماس‌ها با مجاهدین مقیم تهران در آنجا گشایش یابد. به نظر من اگر کدام توافق دیگر میان ما صورت نگرفت تنها ایجاد چنین فیصله یک گام عملی و به پیش است.

البته هر یک از مسایل یادشده اهمیت خاص خود را دارد و جهت برجسته کردن هر یک، ما حاضریم هر یک از این مسایل را مطالعه کنیم و نظرات شما را یکجا با شما بررسی کنیم و آرزو مندیم به نتایج مشخصی برسیم.

سپس اندرونوف رشتهٔ سخن را بدست گرفته می‌گوید:

در مورد پیشنهاد های مشخصی با شما تبادل نظر می‌کنیم. من نمی‌گویم که صلاحیت دارم با شما به تفاهم نهایی برسم و می‌خواستم نکته به نکته در مورد مسایلی که از طرف معاون رئیس جمهور پیشنهاد شده صحبت کنیم.

معاون ریاست جمهوری روسیه دیروز به شما گفتند که روسیه در امور داخلی افغانستان مداخله نکرده است و مسئولیت مداخله قشون سرخ به دوش زعامت شوروی می‌باشد.

و روسیه در آینده هم در امور داخلی افغانستان مداخله نمی‌کند. از گفته های شما طوری درک کردیم که صدور سلاحهای شوروی به افغانستان هرچه زودتر قطع شود.

و به تعقیب گفته های معین وزارت خارجه شوروی، نمی‌دانم نظر شما در مورد قطع صدور سلاحهای شوروی به افغانستان قبل از جنوری ۱۹۹۲ چیست؟

شما درباب مواد سوخت گفتید که این مواد سوخت در وسایط جنگی مثل تانک و زرهپوش کار گرفته می‌شود. شما می‌خواهید چه نوع مواد دیگر قطع شود ورژیم کابل می‌تواند یک و دو سال دیگر هم بدون کمک‌ها، وضع خود را ادامه دهد. ولی ذخایر مواد سوخت کم است. اگر می‌خواهید مواد سوخت ارسال نشود ماشین جنگی کابل ایستاده می‌شود.

اندرونوف سپس در مورد اسیران تماس گرفته گفت:

آیا ممکن است تا نیمه ماه دسمبر فهرست مفصل اسیران شوروی را که در تنظیم های شما اسیر اند در اختیار ما قرار دهید، تا مادران آن اسیران مطمئن شوند.

ما می‌فهمیم که مشکلات تخنیکی وجود دارد، من چون در پشاور بودم و در افغانستان هم بودم، میدانم که این کار چه اشکالی دارد.

معاون رئیس جمهور روسیه به اسلام آباد سفر می‌کند و با شما مذاکره مینماید تا این معضله پایان یابد.

پس از پایان یافتن حرف‌های اندرونوف، استاد حرف‌های شان را



استاد در حال صحبت با جنرال قونسل شوروی در جده.
در فوتو از راست به چپ: دکتور نصیراحمد نور، جلال فرهیخته، جمشیدخان، یوسف
پدر الهام، عمادالدین وثیق و الهام نیز دیده می شود.

چنین آغاز کردند:

بسم الله الرحمن الرحیم.پیشنهاد اول من این است که پیشنهادات روسیه، پیشنهادات اتحاد شوروی جمعاً همآهنگ شود و به ما معلوم گردد و قبل از مذاکرات دیگر در اختیار ما قرار گیرد. زیرا از موضع گیری هایی که در اینجا شد بر می آید که دیدگاه گورباچوف و یلتسین، باهم فرق دارد.

در مذاکرات شما گفته شد ما ارسال سلاح را قطع کرده ایم، در حالی که آن ادامه دارد.

پیشنهاد دیگر من این است که باید تثبیت شود کمک‌هایی که به کابل صورت میگیرد مشخصا گفته شود که از کدام منبع و از کدام جمهوری است تا در آینده به این حرف نیاز پیدا نکنیم ،بگوییم که این کمک از طرف شوروی است یا از طرف فلان جمهوری.

و چه بهتر می بود که اشخاص با صلاحیت از جمهوریت هایی که با ما هم مرز هستند، مثل ازبکستان ، و ترکمنستان هم موجود می‌بودند تا با اطمینان هم، مسأله را حل می‌کردیم، زیرا وجود آنها در این مسئله ضروری است و ما از حضور وزیر خارجهٔ تاجکستان استقبال میکنیم. پیشنهاد دیگر من این است که ااتحاد شوروی و جمهوری روسیه و سایر جمهوریت ها پیشنهادات خود را در بارهٔ قطع فاجعهٔ افغانستان به ما تقدیم دارند تا به مطالعه آن باهم به بحث بپردازیم و هرگاه حرفهای تازه‌ای نداشته باشند ما هم وقت آنها را نمی‌گیریم و اگر قرار باشد پیشنهادات سازنده‌ای مطرح گردد ما حاضریم یک روز بیشتر اینجا درنگ کنیم.

شما در مورد اسیران حرفهایی زدید . ما انتظار داریم ،از شما حرفهای جدید تری بشنویم که سبب آرامش ذهنی همهٔ ما شود. هرگاه شما پیشنهادات جدی تر و سازنده تری داشته باشید ما می‌توانیم آنرا با برادران خود درپشاور مطرح نماییم.

- اندرونوف: آغای ربانی! آیا اجازه است یک نقطه را علاوه کنیم و آن اینکه من باید گزارش را به روتسکوی برسانم، آیا من می‌توانم به

ایشان بگویم که آنچه در مورد اسیران جنگی گفته شد مورد قبول شماست؟

استاد: ما هرپیشنهادی که صورت میگیرد با دلچسپی می‌شنویم و باید تصمیم ما مشترک باشد.

قیوم اوف وزیر خارجۀ تاجکستان : به اجازۀ شما به زبان تاجکی حرف می‌زنم. من خیلی متاسف هستم که عضو جمهوری ترکمنستان شرکت ندارد، اما از ازبکستان نماینده‌اش اشتراک دارد. حرفهای استاد محترم برای ما ارزشمند است ما در لحظات مفیدی هستیم، اگر از این لحظات استفاده نبریم کار خوبی نه کرده ایم. و من به صفت وزیر خارجه تاجکستان بشما وعده میدهم که از خاک تاجکستان به افغانستان سلاح نخواهد رفت و این فکر که یک میکانیزم مشترک بین ما و شما صورت گیرد اقدام نیک است. ما باید اعلامیه مشترک خیلی ها غنی و مفید که از طرف کل جهات قبول شود بدهیم. بنا براین همین فرصت است. این بیگاه، هم صحبت میشویم و ان شاء الله روز آینده روز نیکی خواهد بود.

معین وزارت خارجه روسیه کولوسوف:

من کوشش خواهم کرد تا به گفتۀ شما به توافقی برسیم که از طرف همه جوانب اجرا شود . به سوال قبلی شما می‌خواهم جواب بدهم : نظریاتی که از طرف وزیر خارجۀ روسیه فدرالی و اندرونوف مطرح گردیده، یکسان است و کدام فرقی ندارد و حتی زبان این پیشنهادات یکسان است و طوری که نمایندگان جمهوریت های مستقل ابراز کردند، نظرات همه در این استقامت یکسان است .امید است که ما به تصامیم خیلی جدی و جدید نایل آییم و در مورد حل این قضیه گامهای مثبتی برداریم . من طرفدار حرفهای آقای اندرونوف هستم که حرفهای ما در حد گفتگو باقی نمانند و باید عملی شوند.

و امروز شما پیشنهادات مختلفی را شنیدید، شما این پیشنهادات را مطالعه کنید تا فردا با هم صحبت کنیم و به نتایجی نایل آییم و نتیجه را به گرباچوف، یلتسین و سایر رؤسای جمهوری‌ها پیش کنیم تا

موجب خوشحالی آنها گردد.

بلیگانوف در این حین می گوید:

استاد محترم! شما تجربه دار و موی سفید و بزرگ هستید. ما منتظر پیشنهاد های شما هستیم.

استاد تبسم میکنند و می گویند: موی من سفید است اما خودم جوان هستم.

بلیگانوف می‌گوید: در صورت فرصت در سفارت پاکستان صحبت می کنیم و فردا روی مسایل مذاکرات را آغاز می کنیم.

آیت الله محسنی: ما پیشنهاد شما را جدی فکر می‌کنیم. شما یک موضوع دیگر را جدی فکر کنید و گمان می کنم اگر شما روی این موضوع فکر کنید به مشکل اسیران تان تا حدودی کمک می کند و مخالفین مذاکره باروس‌ها را مجبور می کند تا آنها هم اسیران خود را رها کنند و آن اینکه، در زمان بودن هیأت در مسکو باید اعلان شود که رژیم کابل حق استعمال اسلحه روسی را بعد از این ندارد.

مردم ما معتقد اند که قطع اسلحه از اول سال جدید یک موضوع تشریفاتی است و هیچ تاثیری درروند جنگ ندارد. نجیب اسلحهٔ زیادی دارد اسلحه را شما برای وی داده‌اید. او می‌تواند به جنگ ظالمانهٔ خود ادامه دهد و توافقات شما با امریکا برای مجاهدین هیچ جذابیتی ندارد. ما فکر می کنیم که آقای یلتسین این کار را می تواند و هم میتواند گورباچوف را قانع کند که در زمان بودن ما در مسکو، اعلان شود که کابل حق استعمال اسلحه روسی را ندارد.

اندرونوف که در پهلوی بلیگانوف نشسته بود گفت:

میتوان چنین اعلان نمود، ولی سوال اینجاست که چه کسی آنرا کنترول خواهد کرد؟

جلسه در همین جا، پایان می یابد چون هیأت مجاهدین، امشب از طرف سفیر پاکستان در سفارت پاکستان در مسکو مهمان‌اند، و هیأت شوروی نیز مهمان‌اند، همه به طرف سفارت پاکستان جهت صرف نان شام می روند . در سفارت پاکستان داکتر انگویرنیکولایوبچ عضو

شورای عالی اتحاد شوروی و عضو کمیته شورای عالی در امور جوانان، مسلمان می‌شود و کلمه طیبه را برزبان می راند.

کار روی اعلامیهٔ مشترک

هیأت مجاهدین قرار پیشنهاد استاد به جانب شوروی، منتظر پیشنهاد کتبی آنها بودند.

همین بود که روز ۴ شنبه ۱۳ نوامبر (۲۲ عقرب) ساعت دوازده ظهر، بختیار حکیموف آنکس که نقش ترجمان را ایفا می‌کرد، پیشنهاد سه ماده‌ای را به هیأت مجاهدین آورد که ذیلا به مطالعه تان میرسد:

«طی ملا قات ها و مذاکراتی که بتاریخ ۱۱ - ۱۳ نوامبر سال ۱۹۹۱ در مسکو صورت گرفت تاهمه در باره ضرورت حل وفصل سیاسی هرچه زود تر در افغانستان و ایجاد حکومتی که از پشتیبانی وسیع مردم افغانستان بر خوردار بوده باشد تایید شده است.

این امرزمینه ایرا فراهم خواهد آورد تا وضع حقوقی (STATUS) افغانستان به حیث دولت اسلامی، مستقل، غیر منسلک و دارای روابط صلح آمیز با همسایگان تامین گردد.

جانب شوروی حاضر است به انتخاب آزادانهٔ مردم افغانستان احترام نماید و مناسبات دوستانه و حسن همجواری با افغانستان داشته باشد.

[طرفین به]توافقات مشخص ذیل نیز نایل آمده اند:

۱ - مجاهدین بیان میکنند که بخاطر آزاد نمودن اسیران جنگی شوروی هر چیزی را که به آنها تعلق دارد، عملی خواهند نمود. آنها به حیث گام اول در این استقامت، فهرست چنین نظامیان را الی تاریخ اول دسامبر سال جاری تسلیم می کنند.

- طرف شوروی آمادگی خود را برای استفاده از تمام امکانات خویش جهت مساعدت به رهایی مجاهدین که دراسارت نزد

حکومت کابل می باشند، بیان میکند.

میکانیزم مشترک بمنظور حل مسایل مربوط ایجاد می شود.

۲ - جانب شوروی اظهار آمادگی میکند قطع اسلحه قبل از موعد یعنی حتی قبل از تاریخ اول جنوری سال ۱۹۹۲م تحویلدهی‌های اسلحه به افغانستان را مطالعه نماید. آن حاضر است که از کابل دعوت نماید که استعمال سلاح ثقیله علیه مجاهدین را موقوف کند، به این مفهوم که مجاهدین به نوبه خود از همین گونه سلاح نیز استفاده نکنند.

منبعد طرف شوروی، با در نظر داشت اوضاع، مسأله قطع هر نوع کمکها را که به ادامهٔ فعالیت‌های محاربوی، مستقیماً مساعدت می‌کند، بررسی خواهد نمود.

۳ - جانب شوروی آماده است، نمایندهٔ خویش را به منظور تامین تماس های منظم با مجاهدین مقیم پاکستان و ایران ارسال کند.»

با مطالعه متن پیشنهاد شده روس‌ها، متن دیگری از طرف هیأت مجاهدین ترتیب شد و برادران هریک، قاضی محمد امین و قاد، مولوی محمد شاه فضلی، مسعود خلیلی و داکتر سلطانی وظیفه یافتند تا با هیأت روس‌ها در روشنایی متن تهیه شده، مجاهدین مناقشه کنند و علت اینکه استاد در این جلسه اشتراک نکرد، عدم حضور هیأت عالی‌رتبهٔ جانب شوروی بود. استاد گفت : همین چهار نفر کافی است که با حضور مکمل هیأت شوروی استاد نیز به مذاکره رفتند.

اولین متنی که از طرف هیأت مجاهدین بعد از متن پیشنهادی روس‌ها تقدیم شد عبارت بود از:

۱ - طرفین، رژیم های کمونیستی دست نشانده افغانستان را غیر قانونی شمردند.

۲ - طرفین تجاوز نظامی اتحاد شوروی در افغانستان را که در دسامبر ۱۹۷۹م صورت گرفت، محکوم نمودند.

۳ - هردو جانب اعمال غیر قانونی و غیر انسانی که توسط

نیروهای تجاوزگر شوروی و حکومت دست نشانده کابل بـر مـلت افغانستان تحمیل شده. من حیث جنایات جبران نا پذیر تقبیح کردند.

۴ - جانب روسیه با آنکه مسوولیت دستور تجاوز نظامی سپاه شوروی در افغانستان را بر عهده نمی‌گیرد. با آنهم به تمام جنایاتی که سپاه روس در نه سال تجاوز خود مرتکب شده است، معترف است.

۵ - جانب روسیه موافقه کرده است که جهت دستیابی برای حل سیاسی و صلح آمیز استوار بر قوانین بین الدول و آرزوهای مـلت افغانستان همکاری نماید.

۶ - طرفین در پروسه انتقال قدرت از رژیـم دست نشـانده بـه حکومت انتقالی اسلامی موافقت کردند.

۷ - جانب مجاهدین موافقت کـردند بـا تـغییرات اصـلاحات و تعدیلات بخاطر توسعه بیشتر قاعده حکومت موقت اسلامی، هرچه زود تر اقدام نمایند.

۸ - جانب مجاهدین موافقت کرد پس از انتقال قدرت از رژیم، در ظرف دوسال، انتخابات سـرتاسری در افـغانستان را بـه هـمکاری سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی به راه اندازد.

۹ - مجاهدین بیان می کنند که بخاطر آزاد نمودن اسیران جنگی شوروی هرچیزی را که به آنها تعلق دارد عملی خواهند نمود، آنها به حیث گام اول در این جهت، فهرست نظامیان را هرچه زود تر تسلیم کنند (از متن روس‌ها)

۱۰ - طرف روسیه تعهد می کند که جهت مساعدت به رهـایی مجاهدین که در حبس رژیم کابل اند، از تمام امکانات خویش استفاده نمایند (از متن روس‌ها)

۱۱ - به تعقیب تصمیم روسیه مبنی بر همکاری در روند انـتقال قدرت، هرچه زود تر تمام اکمالات نظامی، مواد سوخت، و سـایط حربی و آلات جنگی را بر رژیم کابل قطع و پرسونل نظامی خود را از افغانستان خواهند کشید.

۱۲ - طرف مجاهدین موافقت کرد تا تایید احزاب دیگر مجاهدین

شوروی می‌خواهیم تا صداقت خود را در مورد ادعاهای شان، در ارتباط آرامش وصلح درگیتی و منطقه اظهار دارند و دلیل صداقت شان این است که آنها همه کمک‌های خود را از رژیم مزدور کابل قطع کنند و استبداد، دهشت افگنی و سیاست ستالینیستی خود را در قضیه افغانستان پایان دهند.

یکتن از زعمای جدید شوروی گفته است که: «نجیب بریای افغانستان است» اگر راستی آنها خواهان رهایی از سیاست استالینی در کشور خود هستند، پس آنها چگونه میخواهند که این سیاست در افغانستان ادامه یابد؟!

ما هرگز و در هیچ صورت از ذرهٔ حقوق خود تنازل نخواهیم کرد. ماعقیده داریم که حکومت مجاهدین یگانه راه حل است و ما اعلان می داریم که اسلام یگانه حامی صلح و آرامش در فغانستان، منطقه و جهان است و حکومت اسلامی یگانه عنصر امن واستقرار در افغانستان خواهد بود. بناءً روس‌ها و دیگران جز قبول حکومت مجاهدین چارهٔ دیگری ندارند. حکومت اسلامی امری است که در مورد با هیچ‌کس مذاکره نخواهیم کرد.

و مجاهدین در این مرحله باید حکومت را در دست گیرند و این کار سبب تثبیت امن و استقرار در منطقه و کشورهای همسایه خواهد شد. ما وقتی که مذاکره سیاسی می‌کنیم. طوری که در جهاد الگویی بودیم برای عزت امت اسلامی و دفاع از آیین اسلام، در میدان مذاکره نیز همانسان خواهیم بود. به این ترتیب مابه دیگران فرصت نمی‌دهیم تا بنام مجاهدین حرف بزنند. زیرا مجاهدین و سنگرداران تنها سزاوار این اند تا به نمایندگی ملت و سنگر حرف بزنند.

ما به مسکو می‌رویم و خواهان صلح و آرامش هستیم اما جهاد خودرا ترک نمی کنیم، زیرا جهاد فریضه هر مسلمان است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: «الجهاد ماض الی یوم القیامة.»

ما به شوروی می رویم و سماحت و عظمت اسلام را به دشمن می‌نمایانیم. و به این باوریم که تغییری در شوروی پدیدار شده است.

مستقر در پاکستان را تا آنجا که مقدور است در قبول این فیصله نامه تاریخی بدست آورند.

۱۳ - طرف روس‌ها تاکید کرد تا تایید اتحاد شوروی و دیگر جمهوریت های مستقل شوروی را در اجرای این فیصله نامه تضمین نماید.»

جانب شوروی با مطالعهٔ پیشنهاد مجاهدین، پیشنهاد دیگری را روز پنجشنبه بعد از ظهر تقدیم کرد که ذیلاً تقدیم میشود:

«طی ملاقات ها و مذاکرات رهبری روسیهٔ فدرال، وزارت امور خارجه شوروی، وزارت خارجهٔ روسیهٔ فدرال و نمایندگان عده‌ای از جمهوریت ها با هیأت مجاهدین افغانستان به ریاست استاد برهان الدین ربانی در مسکو بتاریخ ۱۱ - ۱۴ نومبر سال ۱۹۹۱ به تفاهمی در مورد مسایل ذیل دست یافتند:

۱ - تقبیح دستور غیر قانونی اعزام سپاه شوروی به افغانستان و شرکت اتحاد شوروی در جنگی که رنج‌ها و درد های بیشماری را بر ملت افغانستان تحمیل نموده و به آن هنوز هم می‌افزاید، تایید شده است.

۲ - تمام نمایندگان از جانب شوروی موافقت کرده اند که جهت دستیابی به حل سیاسی و صلح آمیز، استوار بر قوانین بین الدول و آروزهای ملت افغانستان همکاری نمایند.

۳ - و جوب ایجاد حکومت انتقالی در افغانستان و انتقال تمام صلاحیت قدرت دولتی به آن تایید گردیده است.

مجاهدین به نفع این اظهار نظر کردند که در ظرف دو سال پس از انتقال قدرت از رژیم کابل به حکومت انتقالی، انتخابات سر تاسری افغانستان به همکاری سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل متحد به راه انداخته شود.

۴ - مجاهدین موافقت دارند بخاطر آزاد نمودن هرچه زودتر یعنی حتی قبل از اول جنوری سال ۱۹۹۲م اسیران جنگی شوروی هر چیزی را که به آنها تعلق دارد عملی خواهند نمود. آنها به‌حیث گام

اول در این راستا، فهرست چنین نظامیان را هرچه زودتر تسلیم می‌کنند.

طرف شوروی موافقت می کند که از تمام امکانات خویش به رهایی مجاهدین که در حبس نزد رژیم کابل هستند استفاده نماید.

میکانیزم مشترک برای حل مسایل مربوط، تشکیل می شود.

طرف شوروی حاضر است جهت تماسهای منظم با مجاهدین مستقر در پاکستان و ایران، نمایندهٔ خود را اعزام نماید.

۵ - مطابقاً جانب شوروی موافقت می‌کند هر چه زودتر، تمام اکمالات نظامی خود، وسایل حربی وآلات جنگی را برای کابل قطع نماید وجهت کاهش قطعی تعداد پرسونل نظامی و منبعد احضار همه آنها از افغانستان اقدام کند.

طرف شوروی دعوت از تمام کشور های دیگر برای قطع تحویلات اسلحه به افغانستان را، تایید کرده است.

۶ - طرف مجاهدین موافقت کرد تا تأیید احزاب دیگر مجاهدین مستقر در پاکستان را تا آنجا که مقدور است در قبولیت این فیصله های تاریخی بدست آورند.

۷ - هیأت مجاهدین موافقت کرد تا در تغییرات، اصلاحات، و تعدیلات برای توسعه قاعده حکومت انتقالی مجاهدین هرچه زودتر اقدام نماید.»

ادامهٔ مذاکره و پریشانی هیأت

دور چهارم مذاکرات ساعت ۶:۱۰ شب به وقت مسکو بار دیگر آغاز یافت و استاد گفت ما پیشنهاد شما را مطالعه کردیم بخاطر تفاهم بیشتر برادران تصویب کردند، امشب متن پیشنهاد شده شما را مطالعه کنند و نقاط نظر خود را ابراز دارند.

مذاکرات مانند دور سومی در اقامتگاه مجاهدین صورت گرفت و با رفتن هیأت شوروی، مناقشه در مورد متن روس‌ها صورت گرفت و



جنرال قونسل شوروی در جده

تصویب شد تا اعلامیه دیگری از طرف مجاهدین تهیه شود و در آن نکات ذیل مدنظر گرفته شود.

کلمات و عبارات ذیل: ایجاد، اول دسامبر، آمادگی، اسارت، حکومت کابل، اظهار آمادگی، اول جنوری و هرچه که در متن روسی آمده است بالترتیب به کلمات و عبارات، لزوم، هرچه زود تر، تعهد می کند، حبس، رژیم کابل، تعهد می کند، ۲۰ نوامبر و عملی، تغییر یابد، یک سلسله تغییرات دیگر نیز در آن پدیدآید. همان بود که متن جدیدی از طرف مجاهدین تهیه شد و این متن عبارت بود از:

«طی ملاقات‌ها و مذاکرات رهبری روسیهٔ فدرال، وزارت امور خارجهٔ اتحاد شوروی، وزارت خارجهٔ روسیهٔ فدرال ونمایندگان عده ای از جمهوریت‌ها با هیأت مجاهدین افغانستان به ریاست استاد برهان الدین ربانی در مسکو به تاریخ ۱۱ - ۱۴ نوامبر سال ۱۹۹۱ به تفاهمی در مورد مسایل ذیل دست یافتند:

۱ - تمام حکومات متکی به حمایت اتحاد شوروی در افغانستان، غیر قانونی بوده، مخالف ارادهٔ ملت مسلمان افغانستان شمرده می‌شود.

۲ - تقبیح دستور غیر قانونی اعزام سپاه شوروی به افغانستان و شرکت اتحاد شوروی در جنگی که رنج‌ها و درد های بیشماری را برملت مسلمان افغانستان تحمیل نموده و به آن هنوز هم می‌افزاید، تایید شده است.

۳ - طرفین لزوم انتقال تمام صلاحیت های دولتی را به حکومت اسلامی انتقالی مجاهدین افغانستان تایید کرده اند.

۴ - هیأت مجاهدین بیان کرده اند در ظرف دوسال پس از انتقال قدرت از رژیم کابل به حکومت انتقالی، انتخابات سر تاسری افغانستان را به همکاری سازمان کنفرانس اسلامی و ساز مان ملل متحد به راه می‌اندازند.

۵ - هیأت مجاهدین موافقت دارندتا بخاطر آزاد نمودن هرچه زودتر اسیران جنگی اتحاد شوروی از هیچ گونه کوشش دریغ نورزند،

در اینجهت در قدم نخست، فهرستی از اسیران را در حدود امکان تا اول جنوری میسر خواهند ساخت و در عین زمان، طـرف شـوروی موافقت می کند از تمام امکانات خویش، جهت مساعدت به رهایی مجاهدینی که در حبس رژیم کابل اند، تا اول جنوری ۱۹۹۲ استفاده نماید.

۶ – جانب شوروی موافقت می کند که بتاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۹۱ تمام اکمالات نظامی، وسایل حربی و مواد سوخت وسایط جـنگی خود را برای کابل قطع نماید و جهت کاهش قطعی تـعداد پـرسونل نظامی و منبعد با احضار همهٔ آنها از افغانستان، اقدام نماید.

۷ – طرف مجاهدین موافقت کرد تاتایید احزاب دیگر مجاهدین مستقر در پاکستان راحتی المقدور در قبولیت ایـن فـیصله بـدست آورند.

۸ – طرف شوروی مسأله قطع هر نوع کمکها را کـه بـه ادامـهٔ فعالیت‌های محاربوی مساعدت می کند، بررسی خواهد نمود.

۹ – طرف شوروی خود را از نگاه حقوقی و اخـلاقی در اعـمار افغانستان متعهد می‌داند.

۱۰ – جهت پیگیری مندرجات اعلامیه و مذاکرات بعدی، هیأت مشترکی از طرفین تشکیل می‌گردد.[۱]

جلسه پنجم که ساعت ۶ شام پنجشنبه آغاز شد، بلیگانوف روبه استاد نموده خواهان نظر استاد شد. استاد فرمودند:

علاقه داریم زوتر به یک نتیجه برسیم، بهتر است کار مذاکرات خود را شروع کنیم.

بناء استاد مسوده اعلامیه مشترک را قرائت فرمودند که تـوسط مسعود خلیلی به انگلیسی هم ترجمه می شد، چون این متن قبلا به

---

۱ – یکی از این اعلامیه‌های راکه از طرف مجاهدین تهیه شده بود، استاد مطالعه نموده با خشم گفتند. زیاد سلیس و روان نیست. گمان می شود که آن راکدام نفر از تاجکستان نوشته باشد. مسعود خلیلی آنرا گرفته با صدای آهنگینش قرائت کرد که بسیار روان بود. و استاد زیر تـاثیر صدای او قرار گرفت و گفت درست است. اما بازهم توجه شود. فاضل

هیأت روسی داده شده بود. بلیگانوف گفت:

ما پیشنهاد شما را با تفصیلاتش مطالعه کردیم و اگر اجازه بدهید مواضع خود را می‌خواهم توضیح بدهم، قبل از همه الفاظ آنرا تحت غور قرار می‌دهیم و بعداً جمعا به نتیجه می رسیم:

شما که گفته اید تمام حکومات افغانستان متکی به حمایت شوروی در افغانستان بوده، مایان تمایل شما را محترم میشماریم. اما متاسفانه نمی‌توانیم آنرا قبول کنیم.

ما مناسبات دیپلوماتیک با حکومت کابل داریم و تعهدات حقوقی در برابر آن داریم، با در نظر داشت چنین نظریات اصولی، نمی‌توانیم این ماده را بپذیریم.

اگر به پیشنهاد سر منشی ملل متحد در مورد تشکیل حکومت ائتلافی وقعی گذاشته شود، بهتر است و شاید وضع تغییر بخورد، حکومت کابل عضو ساز مان ملل متحد بوده و حیثیت قانونی دارد و کرسی افغانستان را در آن به عهده دارد.

ما به همان دلایلی که مادهٔ اول را نتوانسته ایم بپذیریم، مادهٔ سوم را هم نمی‌توانیم بپذیریم.

باز هم لازم میدانم خاطر نشان کنم که حکومت ائتلافی دارای قاعده وسیعی که نمایندهٔ اقشار مختلف مردم افغانستان باشد، پذیرفته خواهد شد و در حال حاضر افغانستان به دو بخشی که باهم می‌جنگند تقسیم شده است و در تصمیم گیری های خود، از واقعیت‌ها پیروی کرده و به حساب بین المللی رفتار می‌کنیم.

در مادهٔ پنجم و در مورد مادهٔ چهارم طرح ماتجدید گردد، ما آنرا رد نمی‌کنیم اما حاضر هستیم در مورد انعطاف کنیم. شما جایی که مسأله اسیران مطرح است، چون زبان ما زبان صریح است، ما اظهار مایوسی می کنیم، آنچه عملاً معلوم می شود این است که فقط لیست نظامیان در دست ما گذاشته می شود و رهایی آنها به تعویق انداخته می شود، یعنی معلوم می‌شود که رهایی اسیران به کدام تاریخ بعدی موکول گردد.

همچنان عدم یکسانی در اعلامیه میان ما و شما، مورد توجه ما قرار گرفته است، مگر می شود که بر عهدهٔ ما تعهد گذاشته شود، اما مجاهدین فقط لیست اسیران را در اختیار ما می‌گذارند.

در اینجا استاد حرفهای بلیگانوف را رد نموده، می گوید، مسألهٔ اسیران در هردو جانب یک حکم را دارد.

سپس بلیگانوف حرف‌هایش را ادامه می دهد:

مادهٔ ششم مربوط به اکمالات است. من می‌خواهم برای تان روشن کنم که ما اجرای مادهٔ ششم را بطور ارگانیک مربوط اجرای حکم ماده پنجم از طرف شما می کنیم، به عبارت دیگر اگر تا اول جنوری اسیران روسی رها نگردند، قطع اکمالات هم به کابل اجرا نمی‌شود. یعنی ما متعهد نمی گردیم که تاریخ ۲۰ نوامبر یا تاریخ دیگری ثبت شود، همه چیز مربوط اجرای تعهدات دو جانب است و آن را ضروری میدانیم و نظر ما این است که در بارهٔ مادهٔ ۵ گفته می شود که ماده ۵ و ماده ۶ باهم پیوند نا گستنی دارند.

در مورد مواد سوخت ما حاضر نبودیم تا مشخص در متن ذکر شود زیرا کنترول و اجرای این تعهد، غیر ممکن به نظر می‌رسد. زیرا طیارات ملکی و طیارات رزمی یکنوع سوخت استعمال می‌کنند و دیزل، هم در تانک استعمال می‌شود و هم در تراکتور. جانب شوروی تعهداتی در مورد سوخت بر عهده دارد، ما کوشش می‌کردیم این موضوع را یک اندازه پوشیده منعکس دهیم، در همان ماده‌ای که در هشتم آمده به ششم محول شود.

شما پیشنهاد کردید که تحویل‌دهی سلاح از طرف شوروی به افغانستان قطع شود، ما این مسأله را یکطرفه فکر می‌کنیم، تحویل دهی سلاح به افغانستان، در تشدید وضع محاربوی واضح است.

در قطع تحویل سلاح از جنوری ۹۲ تسریع پروسه صلح رادر نظر داشتیم. با در نظر داشت تمایل قطع سلاح به افغانستان و ابراز تمایل این پروسه ما حق داریم که پرسان کنیم آیا کشور های دیگری که به افغانستان سلاح می فرستند، از نمونه ما تعقیب می کنند؟ البته

کشورهایی که به افغانستان کمک می کنند از نظر ما پنهان نیست.!

مادهٔ ۷ در باب موافقهٔ مجاهدین پشاور است در این باره دو نکته را ابرازمیدارم:

به نظر ما لازم است که احزاب مستقر در ایران هم ذکر شود، ما حاضریم از طرف مجاهدین ایران هم بشنویم که آنها هم نمایندگی از همه مجاهدین مقیم ایران می کنند. هرچه آنها بگویند ما با رضایت‌مندی آنرا خواهیم پذیرفت.

اجرای تعهدات در این مورد از طرف شوروی، به اجرای شما از حکم مادهٔ ۵ ارتباط خواهد داشت. و البته این تایید نه تنها از طرف احزاب مستقر در ایران بلکه از طرف قومندانان داخلی را احتوا کند، ما از آن استقبال خواهیم کرد. ما می‌فهمیم که تعداد بیشتر اسیران جنگی، در نزد فرماندهان داخلی است.

شما در مادهٔ ۹ پیشنهاد می‌کنید که تعهد حقوقی و اخلاقی در اعمار مجدد افغانستان ثبت گردد. تعهدات حقوقی وقتی ثبت میگردد که مربوط به قرار داد های بین المللی شود. اعلامیهٔ مشترک ما موضوع جداگانه است و احکام آن تمایل و آرزو را ابراز می‌کند، ولی برای ما فارمول قابل قبولی خواهد بود که اگر در آن دوباره « آمادگی اتحاد شوروی» در اعمار مجدد افغانستان ثبت میشد.

در باره مادهٔ دهم شما کدام نظر خاصی نداریم.

مهم اینست که روابط ما قطع نشود و حلقهٔ تفاهم را وسیع‌تر بگیریم و همکاری های دوجانبه در بین‌ما همیشه وجود داشته باشد.

پس از پایان یافتن حرفهای بلیگانوف که همه را متأثر ساخته و همه به خشم و غیظ آمده اند، استاد حرفهایش را شروع می کند.

استاد در حالیکه رنگ صورتش گلگون شده و آثار خشم را می‌توان در نگاه های او خواند چنین میگوید:

بسم الله الرحمن الرحیم (بسم الله را باسرعت ادا می‌کند) موقف معاون وزیر خارجهٔ شوروی، همان ضرب المثل معروف فارسی « یک نه وصد آسان» را به یاد ما میدهد.

فکر می‌کنم ما در مذاکرات وقت خود را ضایع ساختیم و «حظ» خود را باروس‌ها تجربه کردیم. ما چون از طرف رهبری روسیه فدراتیف دعوت شده ایم، می‌خواهیم با نمایندگان روسیه فدراتیف بنشینیم و به بینیم که آیا آنها هم، چنین نظر دارند.

نمایندهٔ روسیه فدرال :

در آغاز مذاکرات من فکر می کردم که ما کوشش کنیم مذاکرات در مسایلی متمرکز شود که در آن تفاهم ایجاد گردد، من همیش پیشنهاد می‌کردم که سازش و تفاهم در این مسایل وجود ندارد. طی چهار سالی است در مورد اسیران جنگی مذاکرات بانمایندگان مجاهدین دارم و من مطمئن شده ام که یگانه راه، مذاکره است. اگر مذاکره با کندی مواجه شده است من به حیث عضو پارلمان روسیه و نماینده کمیته رهایی اسیران، بکوشیم، آراء خود را نزدیک کنیم. اگر ما نتوانستیم به چنین نتایجی برسیم. اعلان می کنیم که چیزی نشد و اگر به نتیجه رسیدیم آنرا دنبال کنیم، من به حیث نماینده روسیه فدرال این کوشش را انجام می‌دهم.

استاد با نامه همراه سران و بزرگان هیأت مجاهدین مشوره می‌کند (چون ترجمان روسی حضور دارد بناء عوض رد و بدل نمودن حرف ، استاد با نامه ،همراه سایرین تبادیل نظر می‌کند) سپس می‌گوید:

برادران ما نقاط متن مسودهٔ شما را مورد غور قرار می‌دهند و امشب هر دو مسوده را، به دقت می‌خوانند و فردا باهم جلسه می‌کنیم و مساله را یکطرفه می سازیم.

هیأت شوروی جلسه را ترک می کنند ،هیأت مجاهدین نماز خفتن را ادا می‌کنند و پس از نماز با هم می‌نشینند و به بحث می‌پردازند.

و با یکنظر سریع به مسودهٔ روس‌ها، استاد می‌گویند:

مادهٔ اول متن روس‌ها را می‌گنجانیم.

در مادهٔ سوم فکر می‌کنیم.

در مادهٔ ۵ روس‌ها، عبارت (هرچه زودتر) آمده، به صفت یک حرکت تبلیغاتی برای ما مفید است حرف به حرف آن را می‌پذیریم.

مادهٔ ششم و هفتم آن قابل قبول است.

در مادهٔ ۴ روس‌ها عبارت « هرچه زودتر تسلیم می‌کنند» آمده است این عبارت لحن آمرانه دارد، باید تعدیل گردد. به نظر من « تا عملی خواهند نمود» مادهٔ ۴ کافی است، دیگر عباراتش حذف شود ماده هفتم روس‌ها حذف شود و اصلا آن را با عبارت دیگر، مجاهدین پیشنهاد نموده بودند، استاد در این حین رو به ما (فیض الرحمن وثیق و فضل الرحمن فاضل) نموده و چون کسی که امید نداشته باشد، موفق به صدور یک اعلامیهٔ مشترک گردد، دستور میدهند: همه اوراقی که میان ما وروس‌ها رد و بدل شده، یک یک کاپی داشته باشیم و مشکل این بود که فوتوکاپی در هوتل میسر نبود. و ما مجبور بودیم از هر مسوده چند نقل برداریم.

به هر ترتیب جهت تهیه یک متن دیگر از طرف مجاهدین ،کار صورت گرفت، اعضای هیأت همه خشمگین، بودند آثار آشفتگی در همه بویژه در استاد و قاضی وقاد بیش از همه پدیدار بود، متن جدیدی از طرف مجاهدین تهیه شد و به روس‌ها ارسال گردید. چون روز جمعه بود، دور آخر یا مذاکرات ششم هم بعد از ظهر دایر می شد و همه خود را به ترک کردن مسکو آماده می‌کردند، برخی برادران با استفاده از فرصت از برخی جاهای مسکو دیدن نمودند، که ماهم سری به میدان سرخ زدیم که با خشت‌های سیاه و بدقواره وبزرگتر از خشت های معمولی فرش شده بود، رفت و آمد مردم اندک بود.

در کنگره‌های کرملین بیرق شوروی و بیرق روسیه فدرال به چشم می‌خورد، از نزد قبر لینین که دوعسکر پهره دارد آن بود با تکبر، عبور کردیم و میلی، به دیدن آن نه نمودیم.

مجسمه های سران کمونیزم در طرف راست و چپ قبر لینین به چشم می‌خوردند ، چون فاصله مان با قبر، دور بود تنها ستالین را از بروتهایش بخوبی میتوانستیم تمییز کنیم.

نمی‌دانیم برژنیف هم در آن جمله بود و یا خیر؟ بعد از ۵ دقیقه، باردیگر به هوتل آمدیم، وضو گرفتیم و خود را به نماز جمعه آماده

کردیم. کسانیکه در مسجد جامع مسکو جهت ادای نماز رفتند عبارت بودند از: استاد، مولوی محمد نبی، مولوی محمد شاه، الحاج محمد اکبر عزیزی ، جلال فرهیخته و نگارنده گان این سفرنامه (وثیق و فاضل).

داخل محوطهٔ مسجد شدیم، دو جنازه را آورده بودند، هر کس بالای جنازه می رفت، اورادی میخواند و دستهایش را بروی می‌کشید.

نمازگزاران اکثرا ترک نژاد معلوم میشدند. به اتاق امام مسجد که راویل عین الدین نام دارد رفتیم. در اول پوستری به زبان عربی و روسی که از تاریخ دو صد ساله مسجد حکایت می کرد و دو سال قبل چاپ شده بود به چشم می‌خورد ،یک تعداد از نسخه‌های قرآن کریم چاپ سعودی، جای نماز، نشرات عربی و کلمهٔ شریف که با خود از عربستان سعودی آورده بودیم به مسجد اهداء کردیم.

ترجمان روسی گفت: «من چون کافر! هستم، رسم و رواج مسجد را نمی‌دانم تا پایان یافتن نماز تان، بیرون مسجد انتظار می کشم» ماهم از کار و صراحت و اعتراف او خوش شدیم.

استاد مدتی با امام مسجد صحبت کرد چون وقت نماز فرارسید، امام مسجد گفت : یکتن از اعضای هیأت آذان بگوید [۱] امام به ترکی خطبه خواند. سپس از استاد خواهش کرد، مسلمانان مسکو را امامت کنند، استاد امامت کردند. پس از ادای سنت، استاد بیانیه بسیار جذاب و مختصری به عربی ایراد کرد که از طرف امام مسجد ترجمه شد.

استاد در بیانیه‌اش فرمود:

من در شرایطی به مسکو می‌آیم که ایدیولوژی منحط و ضد انسانی کمونیزم درهم کوبیده شده است و برادران مسلمانم بعد از یک عمر زندگی در زیر بار، ذلت کمونیست‌ها، اینک بوی آزادی را

---

۱ - این دومین باری بود که افتخار اذان دادن در مسکو برای من نصیب می‌شد ،اما اذان در تالار وزارت خارجه شوروی برایم بسیار پرکیف بود. فاضل

هرگاه دوران حاکمیت برژینف و کمونیستان می‌بود، اگر هزار بار هم دعوت می‌شدیم هرگز به شوروی نمی رفتیم.»

الهام اسیر ازبکستانی:

سپس استاد به پرسشهای خبرنگاران پاسخ گفت و در ضمن، الهام را معرفی نمود و از معامله مجاهدین با اسیران سخن گفت و فرمود:

« الهام فرزند یوسف ازقریه «تورت گل» مربوط خوارزم‌ازبکستان است. هشت سال قبل به مجاهدین تسلیم شده و سپس اسلام آورده است، چون او مسلمان شده یک انسان آزاد است، و به رضا و رغبت با ما بوده و من به او وعده نموده بودم که تورا به عمره می‌برم و اینک اورا باخود به عمره آورده ام، و اگر بخواهد، می‌توانم او را به نزد پدر و مادرش نیز ببرم،اما او چون شرایط اختناق و استبداد کمونیزم را در گذشته تجربه کرده، از رفتن به شوروی، هراس دارد.»

استاد جهت ادای نماز ظهر، تالار کنفرانس مطبوعاتی را ترک گفتند و خبرنگاران موجود از «الهام» نیز پرسش‌هایی داشتند. الهام خبرنگاران را به زبان فارسی پاسخ می گفت که توسط برادر انجنیر عبدالحمید منهاج به زبان عربی ترجمه می‌شد.

الهام گفت من از برکت جهاد و مجاهدین هفتاد سوره قرآنکریم را حفظ کرده ام. برعلاوه چند کتاب در فقه و عقاید خوانده ام و چند جزء قرآن کریم را با ترجمه و تفسیر فراگرفته ام و تاهمین لحظه، تصمیم ندارم که به نزد پدر و مادرم به شوروی برگردم (زبان مادری الهام ازبکی است و او فارسی و پشتو را به روانی صحبت میکرد، این دو زبان را از مجاهدین آموخته بود)

شب را در قصر المؤتمرات سپری کردیم. ساعت ۹ صبح سفیر شوروی در عربستان سعودی، جنرال قنسل شوروی درجده و یک تن روس دیگر به اقامتگاه استاد در قصرالمؤتمرات آمدند و با استاد و اعضای هیأت ملاقات مختصری انجام دادند. سفیر شوروی آرزوکرد که این سفر نتایج مفیدی بار آورد.



استاد هنگام ایراد بیانیه در اسلام آباد

استشمام می کنند.

شما مسلمانان، گذشتهٔ تابناک و درخشان دارید. شما که خود شاهد فروپاشي نظام ضد انساني كمونيزم، بوده‌اید، بایست یگانه رهایی‌بخش، آیین عزیز اسلام را بدانید که پاسخ‌گوی همه نیاز های بشری در همه ادوار و اعصار است.

استاد در سخنرانی‌اش از مقاومت دلیرانهٔ مجاهدین افغانستان که با دست خالی و با اتکا به نیروی ایمان، ابر قدرت وحشی روس هارا شکست دادند یاد آور شد و پیروزی مسلمانان در افغانستان را، پیروزی همهٔ مسلمانان خواند و عامل اساسی شکست کمونیزم را شکست نظامی آن در افغانستان، یاد آورشد.

پس از پایان یافتن سخنرانی استاد، نماز گزاران قطار بستند و یکایک دستهای رهبر جمعیت اسلامی افغانستان و همراهان شان را فشردند و برخی دست های استاد را بوسیدند و به چشمان شان مالیدند که این دست فشردن‌ها و دست بوسیدن‌ها در حدود نیم ساعت طول کشید.

ما در همین مسجد با اعضای نهضت اسلامی تاجکستان که به گفته خود شان از تاجکستان آمده بودند و مدت یک‌هفته بود که در تلاش دیدن ما بودند، ملاقات کردیم و از ما خواستند تا برای شان از استاد وقت بگیریم. ما در جواب گفتیم، امروز آخرین روز اقامت ما در مسکو است و شما باید درروز های اول با ما تماس می‌گرفتید، آنها یاد آورشدند که ما از محل اقامت شما اطلاع نداشتیم، و سایل ارتباط جمعی، از حضور شما در مسکو خبر می‌داد، اما محل اقامت تان برای ما معلوم نبود. ما هم آدرس خود را برای شان سپردیم و گفتیم هوتل بیایید، ان شاء الله کوشش میکنیم تا استاد، دقایقی از وقتش را بشما تخصیص بدهند.

همان بود که به هوتل آمدیم و اعضای نهضت اسلامی تاجکستان و تعدادی از مبارزان مسلمان داغستان، دنبال ما رسیدند و استاد همراه شان صحبت کردند و در ضمن پیامی را برای ملت های مسلمان

آسیای میانه در نوار ثبت نموده به ایشان سپردیم تا به همه برسانند.

آن برادران از ما کسیت های و یدیویی، کتاب و سایر نشرات می‌خواستند که ما آنچه در اختیار داشتیم برایشان دادیم و استاد، سه عدد جای نماز را به رهبران نهضت اسلامی تاجکستان و داغستان بوسیله آنها که اعضای پیشتاز نهضت بودند، هدیه فرستاد.از جمله کسانی که در روز های اول و رود مان در مسکو روبرو شدیم مومن قناعت،[1] شاعر مشهور فارسی در تاجکستان است. او که بر علاوه از ریاست شورای نویسندگان تاجکستان رئیس روابط بین المللی پارلمان شوروی را نیز بر عهده داشت و در مذاکرات نفر سوم دست چپ پانکین بود.

مومن قناعت چندین بار به اقامتگاه مجاهدین آمد و با استاد صحبت مفصلی داشت.[2] استاد راجع به مسلمانان، رشد فکری آنها و

---

۱ - نخستین دیدارم را من با آقای مؤمن قناعت به خوبی در حافظه دارم، روز دوم ورودمان به مسکو.او به هوتل آمد و بامن در دهلیز هوتل معرفی شد و گفت من تاجیک هستم. من با سردی گفتم. بسیار خوب. اما او خود را معرفی کرد که عضو پارلمان شوروی است و می‌خواهد با استاد ملاقات خصوصی کند. موضوع برای من جالب شد. از استاد برایش وقت گرفتم. و با هم صحبت کردند. و روز وداع برای برخی اعضای هیأت یک یک پایه سماوار روسی هدیه داد که من در جمله نبودم. - فاضل.

۲ - استاد در دوران اقامت در مسکو با هیچ جهت رسمی مربوط به رژیم کابل ملاقات و دیدار نداشتند. زیرا من از اول تا آخر شاهد وضع بودم. در همان لحظه‌ای که وارد هوتل «اکتوبر سکایا» شدیم. برای هریک از اعضای هیأت اتاق‌های جداگانه توزیع گردید و به استاد اتاق بزرگتر که در حقیقت «اتاق سویت» آن هوتل بود و.از سالون آن برای ملاقات‌ها و مصاحبه‌ها استفاده به عمل می‌آمد. تعیین گردید. من به اتاق خود نرفتم ودر همان اتاق استاد استراحت می‌نمودم و تیلفون‌های استاد را جواب می‌دادم. روز دوم یا سوم در تیلفون کسی، خود را نماینده تلویزیون افغانستان معرفی کرد و گفت می‌خواهم با استاد مصاحبه کنم. من بدون مشوره با استاد. به او گفتم که آیا صلاحیت دارد هرچه استاد در مصاحبه بگوید، آنرا به نشر رساند. او گفت من این وعده راداده نمی‌توانم. من هم گفتم استاد هم به همچو مصاحبه حاضر نیست. همچنان در اتاق استاد بودم که تیلفون دیگری آمد و از آن طرف شخصی گفت که من سید محمد گلابزوی هستم .می‌خواهم به نزد استاد آمده با ایشان صحبت کنم. من شماره تیلفون اورا گرفتم و گفتم پیام شما را به استاد می‌رسانم و جوابشان را برایتان می‌گویم. استاد موافقه کردند و گفتند بیاید. من به آقای گلابزوی تماس گرفتم و وقت را تعیین نمودم .اما قبل از اینکه وقت معین فرا رسد ایشان بار دیگر تیلفون کردند و یادآور شدند که دختر کوچک شان که شش سال دارد مریض شده اسهت .او را به نزد داکتر میبرد و بعد ازآن به ملاقات استاد می آید .بار دیگر وقت تعیین شد و ایشان به وقت محدد به هوتل

وضع مساجد پرسشهایی نمود. مومن قناعت گفت:

در دوشنبه ۴۵ تا ۵۰ مسجد جدیداً ساخته شده اما به شکل ابتدایی و ساده. ملاهای ما دانش عالی ندارند. آزادی و استقلال خواهی ما هم نمایشی است. چون جمهوری ما ۴۹٪ تولیدات دارد و از نگاه قانون رشد اقتصادی، جمهوری که استقلال می خواهد، باید ۸۰٪ تولیداتش از خودش، باشد. که البته این حرف بعد از همپاشی شوروی مصداق خود را از دست داده است. او همچنان به استاد گفت:

مردم تاجیک شما را بسیار دوست دارند، اسم تان مایه افتخار همه ماست و شما چون آیت الله خمینی در نزد مردم ما بسیار محترم هستید.

او همچنان گفت:

مجسمهٔ لینین را در دوشنبه سرنگون کردند و به جای، آن مجسمه فردوسی را خواهند ساخت وبزرگترین خیابان تاجکستان را بنام خیابان اسماعیل سامانی، نام نهادند.

از حرف های مومن قناعت ما دریافتیم که احساسات نشنلیستی در میان مردم بسیار رشد یافته و اسلام خواهی و ملیت خواهی نزد شان خلط و عجین شده است که شاید دردوران مبارزات ضد استعماری مفید باشد اما بعد از آزادی، منجر به اختلاف با هم‌کیشان شان در دیگر نژادها خواهد شد.

ما اعضای انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی افغانستان (وثیق، فاضل و فرهیخته) هم با مومن قناعت صحبتهای

حاضر شدند. من و وثیق صاحب به بهانه‌ای. کلید اتاق آقای جلال فرهیخته را گرفته و آقای گلابزوی را به آن اتاق که گوشه‌تر بود و اغلباً در منزل چهارم بود. بردیم.و برای اینکه سایر اعضای هیأت. طوری که تاکید آقای گلابزوی بود اطلاع نیابند. استاد را نیز به همان اتاق بردیم ، دیدار و ملاقات میان ایشان صورت گرقت و آقای گلابزوی رو به استاد نموده گفت. من یک عسکر هستم و تابع امر شما هستم. او از نجیب شکایت کرد و گفت نجیب در جهت مخالف منافع ملت گام برمیدارد:من و وثیق صاحب در حدود ۱۰ - ۱۵ دقیقه هردو را تنها گذاشتیم. سپس با هم خدا حافظی کردند. آقای گلابزوی با ما هم خداحافظی نمودند و نگذاشتند ایشان را تا پایین بدرقه نماییم و گفتند که پایین نشوید تا ما را نه افغان‌ها ببینند و نه روسها.فاضل

مختصر و پراگنده‌ای داشتیم. در ضمن چند قطعه شعری را که تحت عنوان «برخیز» از طرف انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی افغانستان، به اقتراح گذاشته شده بود وسلسلهٔ نشر آن تقریباً ۱۸ ماه قبل در جریده «مجاهد» نشریه جمعیت اسلامی افغانستان، آغاز یافته بود و مسلمانان آسیای میانه را به قیام فرا می‌خواند، برایش خواندیم که مورد توجه او قرار گرفت. و در اخیر کلکسیون جریدهٔ مجاهد و یکتعداد نشرات را برایش تحفه دادیم که بسیار خوشحال شد. پس ازاین، دور آخر مذاکرات آغاز یافت که مثل جلسه پیشین،ریاست جلسات شوروی را، بیلگانوف بر عهده داشت. و جلسه ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر آغاز یافت.

قابل یاد آوری است که مسودهٔ پیشنهادی مجاهدین به شرح ذیل به هیأت شوروی قبلاً سپرده شده بود.

۱ - رد و قبول تمام قرار داد هایی که در میان شوروی و حکومات متکی به حمایت آن، از سال ۱۹۷۸م تا انتقال صلاحیت های دولتی به حکومت اسلامی انتقالی، عقد گردیده است، مربوط به فیصله حکومت انتقالی است.

۲ - تقبیح دستور غیر قانونی اعزام سپاه شوروی به افغانستان و شرکت اتحاد شوروی در جنگی که رنج‌ها و درد های بی‌شماری را به ملت مسلمان افغانستان تحمیل نموده و هنوز هم برآن می افزاید، تایید شده است.

۳ - طرفین لزوم انتقال تمام صلاحیت های دولتی را به حکومت اسلامی تایید کرده‌اند.

۴ - هیأت مجاهدین بیان کرده اند که در ظرف دوسال پس از انتقال قدرت از رژیم کابل به حکومت انتقالی، انتخابات سرتاسری افغانستان را به همکاری ساز مان کنفرانس اسلامی و ساز مان ملل متحد براه می اندازیم.

۵ - در مورد آزادی اسرا، طرفین اتفاق نمودند تا از هیچگونه کوشش دریغ نورزند. مجاهدین جهت آرزومندی به صلح،اقدام به

رهایی اولین گروه، در اول جنوری ۱۹۹۲ خواهند نمود. کمیسیون مشترک در مورد اسرای طرفین، ترتیبات مناسب و عملی را اتخاذ خواهد کرد.

۶ - جانب شوروی موافقت می کند که قبل از جنوری ۱۹۹۲ تمام اکمالات نظامی وسایل حربی و مواد سوخت و وسایط جنگی خود را به رژیم کابل قطع نماید و جهت کاهش جذری پرسونل نظامی و منبع احضار همهٔ آنها از افغانستان اقدام نماید.

۷ - در اعمار مجدد ویرانی های ناشی از جنگ ،اتحاد شوروی، خود را متعهد میداند.

۸ - جهت پیگیری مندر جات این اعلامیه و مذاکرات بعدی، هیأت مشترکی در خلال یک ماه تشکیل می گردد.

بیلگانوف گفت:

مذاکرات ما پیش می رود، پیشنهاد شما را به دقت مطالعه کردیم، طرف ما حاضر است نظریات خود را در مورد بگوید، اما قبل از آن اگر کدام نظری دارید اظهار بفرمایید.

استاد: ما حرفهای خود را د مسودهٔ پیشنهادی ذکر کرده‌ایم.

بیلگانوف: این سند پنجم امکانی را فراهم می آورد که به تفاهم برسیم،خواهش است که هرچه زود تر پروگرام اعلامیهٔ مشترک را به انجام برسانیم.

مادهٔ اول همه چیز درست است تردیدی نداریم.

در مادهٔ دوم چنین ماده‌ای را پیشنهاد می‌کنم: طرفین لزوم انتقال صلاحیت انتقالی و دولتی از طریق دوره انتقالی به حکومت اسلامی ای که مورد قبول اکثریت مطلق افغانستان بوده باشد تایید کرده است.

مادهٔ (۴) باید این نوع اصلاح شود که :طرفین در نظر دارند که سرنوشت تمام قرار داد ها و موافقت ها که بعد از ۱۹۷۸ بین اتحاد شوروی و حکومات کابل عقد گردیده است از طرف افغانستان توسط حکومت انتقالی فیصله خواهد شد.

مادهٔ (۷) چنین نوشته شود که: اتحاد شوروی در مساعی مشترک

جهت اعمار مجدد ویرانی های ناشی ازجنگ، شرکت خواهد کرد.

بیلگانوف بعد از پیشنهاد یک سلسله اصلاحات و تعدیلاتی که برای مجاهدین قابل قبول نبود، گفت:

چون شما بنابه دعوت اتحاد شوروی و روسیه فدرال آمده اید باید وزیر خارجهٔ روسیه فدرال، وزیر خارجهٔ تاجکستان، معاونین وزارت خارجه های اتحاد شوروی و روسیهٔ فدرال و همه کسانی که اشتراک کردند و با آنها ملاقات صورت گرفته ،در اعلامیه ذکر شوند.

و این کار اهمیت مذاکرات ما را منعکس خواهد کرد و در این صورت به نظر ما این سند، یک سند وزین خواهد بود.

استاد: در قسمت مقدمه آنچه یاد آوری شد، حرفی نداریم، اما در قسمت مطالب دیگر، از نگاه ادبیات فارسی اگر شکل تغییر بخورد، عبارات مفهوم خود را از دست میدهد. ما برای اینکه به نتیجه برسیم ضعیف ترین و ممکن ترین شکل را ترتیب دادیم. پس بهتر است که بدون تغییرات مورد قبول قرار گیرد.

شما که در مادهٔ دوم می‌خواهید کلمه اکثریت را با برخی کلمه‌های دیگر بیفزایید هیچ معنی ندارد. در قسمت ماده ۷ ویرانی که بخاطر هجوم شوروی به افغانستان نمایان شده، برای این است تا ملت ما مطمئن شود روس‌ها که وطن ما را ویران کرده اند، باید مسولانه در اعمار مجدد سهیم شوند.

بلیگانوف: بنظر ما نباید در سند مشترک، کشور های مختلف یکسان فهمیده شود، بهتر است یکساعت دیگر هم مذاکره کنیم و ببینیم کدام کس چه می‌خواهد و ممکن است، مادهٔ دوم را طوری درست کنیم که سوء تفاهم بوجود نیاید.

اندرونوف: ما از مبارزهٔ شما پشتیبانی میکنیم ولی متاسفانه تقسیم بندی قدرت سیاسی در حال حاضر چنین است که نه اتحاد شوروی و نه روسیهٔ فدرال از مادهٔ دوم شما پشتیبانی کرده نمی توانند و متنِ مادهٔ سوم را می‌گیریم، پیشنهاد می کنیم که اگر چیزی قابل قبول پیدا کردیم خوب ،ورنه مادهٔ دوم را فعلا از متن می کشیم.

استاد: این متن عین مطلبی است که شما در مادهٔ سوم متن تـان تحریر کرده بودید.

بلانوف که در دورهٔ بعد حکومت انتقالی بحث می‌کند، می‌گوید باید بگویم که این صلاحیت ما و شما نیست و مربوط به آینده و دورهٔ انتقالی می‌شود که چه قسم کارروایی می کند، ما باید وقت خود را با این حرف‌ها ضایع نه کنیم.

پس از جرو بحثهای زیادی آن ماده این طور اصلاح شد:

طرفین لزوم انتقال تمام صلاحیت های دولتی در افغانستان را به حکومت انتقالی اسلامی تایید کردند.

یکی از نمایندگان روسیه: اگر میلان داشته باشید می توانید اعلان کنید روسیه فدرالی منافع خود را به کدام شخص مرتبط نمی کند.

آیت الله محسنی:

شما بخاطر تقویه روحیه نجیب قبول نمی کنید که اگر قطع روابط شما اعلان شود، روحیه او ضعیف میگردد.

نماینده پارلمان شوروی با تضرع و مکاری:

شما در وطن ما دیدید که مغازه‌ها خالی است، ما از هیچ چیزی دریغ نمی‌کنیم که در اعمار مجدد افغانستان کمک کنیم، اما در طی چند سال نمی توانیم مردم خود را سیر کنیم، برای هر سیاستمدار ما پذیرفتن مادهٔ هفتم شما خود کشی است. معاون یلتسین گفته بود بـا وجود مشکلات کوشش خواهیم کرد که مواد غذایی را طوری توزیع کنیم که شما هم سهم داشته باشید و تنها مورد استفاده نجیب قـرار نگیرد، خواهش می‌کنیم پیشنهاد ما را در همان ماده به این عـبارت بپذیرید که: اتحاد شوروی در اعمار مجدد سهم خواهد گرفت.

استاد: مقصد از اعمار مجدد این نیست که از شما چیزی را بگیریم، که شما نداشته باشید، ما به این عقیده هستیم که اگر صلح در کشور ما تامین شود، کشور هایی هستند که به اندازه کافی در اعمار مجدد سهم می‌گیرند.

نمایندهٔ پارلمان: خواهش می کنم عوض «تعهد» «شرکت» نوشته

شود.

استاد: ما حسن نیت شما را کارداشتیم تا این پیام را به ملت خود ببریم. بناء به اثر خواهش نماینده پارلمان شوروی، کلمه تعهد رابه «حتما» عوض می‌کنیم. که این تغییر از طرف هیأت شوروی با اکراه پذیرفته شد.

متن اعلامیهٔ مجاهدین با جانب شوروی به شرح ذیل تهیه شد و به روسیه داد شده تا به روسی ترجمه گردد. متن اعلامیه چنین بود:

اعلامیهٔ مشترک صادره از سوی مجاهدین افـغانستان و هیأت شوروی و روسیهٔ فدرال

« هیأت مشترک مجاهدین افغانستان به رهبری استاد برهان الدین ربانی بنا به دعوت حکومت اتحاد شوروی جهت انجام مـذاکـرات مستقیم دو جانبه از تاریخ ۱۱ تا ۱۵ نوامبر ۱۹۹۱ م از مسکو دیدار کرد. این نخستین سفر رسمی هیأت مجاهدین بـه اتـحاد شـوروی می‌باشد. در این سفر استاد ربانی و دیگر اعضای محترم هـیأت، بـا معاون رئیس جمهور روسیهٔ فدرال آقای الکساندر روتسکوی بحث و گفتگو کردند. در این دیدار ها استاد ربانی در باره حل قضیه افغانستان و مساله اسیران جنگی شوروی و زندانیان مجاهدین در زندان‌هـای رژیم کابل مذاکره کردند.

استاد ربانی و اعضای هیأت مجاهدین با شوارد نادزه وزیر خارجه اسبق شوروی و عضو شـورای مشـورتی سـیاسی رئـیس جـمهور شوروی، دیدار نمودند.

هیأت مجاهدین با وزیر خارجهٔ شوروی آقای پانکین، وزیر خارجهٔ روسیهٔ فدرال کوزیروف، وزیر خارجه جمهوری تاجکستان قیوم‌اوف، نمایندگان سایر جمهوریت‌های شوروی و معاونین وزرای خـارجـهٔ اتحاد شوروی و روسیهٔ فدرال و عده‌ای از نمایندگان شورای عـالی پارلمان مرکزی، مومن قناعت رئیس روابط خارجی پارلمان شوروی



استاد در حال صحبت با جنرال قونسل شوروی در جده و آلهام

مذاکرات رسمی به عمل آوردند.

هیأت مجاهدین با خانواده های اسرای جنگی جلسه طـولانی و موثر داشت.

تمام ملاقات‌ها و مذاکرات بطور موثر وبی‌پرده صورت گـرفت، دوطرف مواضع خود را در دوره های مذاکرات آشکارا بیان کردند.

در پایان مذاکرات اعلامیه مشترک زیر صادر و در بـرابـر خـبر نگاران قرائت گردید:

۱ - تقبییح دستو غیر قانونی اعزام سپاه شوروی به افغانستان و شرکت اتحاد شوروی در جنگی که رنج‌ها و درد های بیشماری به ملت مسلمان افغانستان تحمیل نموده و هنوز هم بر آن می‌افزایـد، تـایید شده است.

۲ - طرفین لزوم انتقال تمام صلاحیت های دولتی را در افغانستان به حکومت اسلامی انتقالی تایید کرده اند.

۳ - هیأت مجاهدین بیان کرده اند که در ظـرف دوسـال پس از انتقال قدرت از رژیم کابل به حکومت انتقالی، به انتخابات سرتاسری در افغانستان، به همکاری سازمان کنفرانس اسلامی و ساز مان ملل متحد به راه انداخته شود.

۴ - رد و قبول تمام قرار داد هایی که در میان شوروی و حکومات متکی به حمایت آن از تاریخ ۱۹۷۸م تا انتقال صلاحیت های دولتی به حکومت اسلامی انتقالی، عقده گردیده است، مربوط به فـیصله حکومت انتقالی است.

۵ - در مورد آزادی اسرا، طرفین اتفاق نمودند تا از هـیچ گـونه کوشش دریغ نورزند. مجاهدین جهت آرزومندی به صلح ،اقدام به رهایی اولین گروه اسیران شوروی در اول جنوری ۱۹۹۲ خـواهـند نمود، کمیسیون مشترک در مورد آزادی اسـرای طـرفین تـرتیبات متقابل و عملی را اتخاذ خواهند نمود.

۶ - جانب شوروی موافقت میکند که قبل از جنوری ۱۹۹۲ تمام اکمالات نظامی و سایل حربی و مواد سوخت وسایط جنگی خود را به

رژیم کابل قطع نماید وجهت کاهش جذری پرسونل نظامی و متعاقبا احضار همه آنها از افغانستان اقدام نماید.

۷ - اتحاد شوروی در مساعی مشترک، جهت اعمار مجدد ویرانی های ناشی از جنگ حتما شرکت میکنند.

۸ - جهت پیگیری مندرجات این اعلامیه و مذاکرات بعدی، هیأت مشترکی در خلال یکماه تشکیل میگردد.»

هیأت مجاهدین از توافق بر سر این اعلامیه، همه خوشحال بودند که توانسته اند از زبان روس‌ها به «تحت‌الحمایگی» رژیم کابل اعتراف بگیرند، زیرا افغان‌های آزاده و سربلند می‌دانند که واژهٔ «تحت الحمایه» چگونه یک واژه ایست.؟!

خواننده گان عزیز!

حتما جریان سفر مسکو و ره‌آورد این سفر را با آنهمه گفت و شنود ها و تلخ کلامی ها و واکنش‌های سخت مجاهدین و اخیراً انعطاف دشمن در برابر هیأت را طی صفحات گذاشته، مورد مطالعه و ارزیابی قرار داده اید.

شکی نیست که هیأت مجاهدین تحت ریاست استاد برهان الدین ربانی در شرایطی به مسکو سفر کرد که دشمنان انتظار چنین ابتکاری را در مخیله نمی پرورانیدند و برخی از هم مسلکان جهادی در سطوح رهبری برخی از تنظیم‌ها، با مخالفت صریح و آشکار، شرکت در چنین سفر را، تحریم و علیه آن، تبلیغ کردند.

هیأت باوصف این همه ناباوری‌ها، شک و تردیدها و مخالفت ها، تصمیم به رفتن گرفت و این بن بست را شکست. پذیرفتن دعوت و تصمیم برچنین یک سفر پر مخاطره، از دور اندیشی و درایت و فهم سیاسی صائب، عده ای از رهبران جهادی که با این پروسه موافق بودند، نشأت می‌کرد.

گفتیم هیأت با وصف همه مشکلات، به این سفر اقدام کرد و بر سرمیز مذاکره با دشمن نیز کفایت و اهلیت سیاسی سنگرداران را به اثبات رسانید و دشمنی را که تا سالهای سال گرداننده گان

سپس هیأت به طرف میدان هوایی بین المللی جده روان شد، «الهام» نیز تا نزد هواپیما، هیأت را همراهی کرد و در حال توقف کوتاهی که در ترمینل میدان هوایی جده داشتیم، «الهام» نامه ای به خانواده اش نوشت.[1] متن نامه به زبان ازبکی ورسم‌الخط روسی (الفبای سریلیک) نگاشته شده بود، نامه چنین بود:

«پدر بزرگوارم! من صحت دارم، و خیریتی شمارا از خداوند تعالی میخواهم من مسلمان شدم و اکنون در میان دوستان خود هستم، برای من خفه نشوید و نه دنبال من بگردید.

به همه سلام بگویید. الهام»

حرکت سوی سرزمین دشمن:

هیأت مجاهدین ساعت ۲۰ : ۱۰ به وقت سعودی به هواپیما بالا شد که شهزاده ترکی الفیصل و تعدادی از مامورین عالیرتبه سعودی برای وداع حاضر بودند.

در نیمه راه برادران در هوا پیما نیز مصروفیتی داشتند و آن پوشیدن لباسهای گرم.و زمستانی برای سرمای مسکو بود.

تقریباً وضع ظاهری همه همان وضع پشاور، اسلام آباد وجده بود یعنی لباس افغانی با دستاریا پکول. تنها مسعود خلیلی وحامد گیلانی دریشی به تن داشتند که گیلانی صاحب نکتایی را هم برآن افزوده بود. فاصله میان جده و مسکو را جویا شدیم، گفتند طیاره شش ساعت در هوا میباشد.

برادران همه در اندیشه فرورفته بودند و ما هرلحظه به سرزمین دشمن نزدیک ترمیشدیم. حالت عجیبی برما مستولی بود، ما رهسپار دیاری بودیم که سیزده سال تمام با همه وجود در برابر تجاوز سردمدارانش جنگیده بودیم و اکنون نیز معرکه بزرگتری در پیش رو داشتیم و آن ستیز با حرفها در برابر دشمن و در سرزمین دشمن بود،

---

۱ – با الهام بعد از سفر به جده معرفی و آشنا شدم و روابط مان صمیمی شد .همراه با وثیق صاحب او را تشویق کردیم تا نامه‌ای برای پدر و مادرش بنویسد و او هم از پیشنهاد ما خرسند گردید و نامه نوشت .فاضل

چون بعد فاصله اجازه نمی‌داد، تا محترم وثیق صاحب به حیث کسی که با هم همسفر بودیم و مشترکاً ،این گزارش را نوشتیم، آن را یکبار دیگر از نظر می‌گذراند و ملاحظاتش را که لابد در آن زمان نه نگاشته بود، در این فضای جدید ، همه را به رشته تحریر می‌کشید، اما آرزومندی این است که این رساله مجدداً به چاپ برسد، و هم سفران دیگر هم ملاحظات شان را، جهت تکمیل این اثر بفرستند، ومن هم فعلاً، به یک سلسله اوراق و اسناد و عکس‌های دیگری که قبلاً همه را گرد آورده بودم، هیچکدام را در اختیار ندارم، امید که روزی به آنها دسترسی پیدا کنم.

من در متن کدام تصرفی نه نموده‌ام، صرف به تصحیح اغلاط طباعتی دست یازیدم و یک سلسله پاورقی‌ها را هم بدان افزودم، که البته مسئولیت همه را من بر دوش دارم، نه وثیق صاحب .

آرزومندم نشر این اثر بر صفحهٔ مهمی از تاریخ سراسر افتخار جهاد روشنی افگند.

فضل الرحمن «فاضل»

شهر «بن» – آلمان فدرال – ۱۵ سنبله ۱۳۸۱ خورشیدی

مجاهدین در مسکو



(مذاکرات با روسها)



گزارشگران

فضل الرحمن فاضل

فیض الرحمن وثیق

مجاهدین در مسکو

(مذاکرات با روس‌ها)

گزارشگران:

فیض الرحمن وثیق و فضل‌الرحمن فاضل

مشخصات کتاب

نام: مجاهدین در مسکو

گزارشگران: فیض الرحمن وثیق و فضل الرحمن فاضل

مهتمم چاپ: مسعود الرحمن فاضل

صفحه آرایی: نوید جلیل

تایپ: هارون مراد

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: میزان ۱۳۸۱ هجری شمسی (سپتامبر ۲۰۰۲م)

ناشر: بنیاد پژوهشهای علمی و فرهنگی

چاپ: بنگاه انتشارات میوند - کتابخانهٔ سبا

چهارراهی صدارت، کابل، افغانستان

تیلفون: 0093-20-2200455 صندوق پستی 5225

آدرس نمایندگی در پشاور:

سبا کتابخانه، دهکی نعلبندی، بازار قصه خوانی

تیلفون: 2565520

بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

فهرست

بسم الله الرحمن الرحیم

به جای مقدمه

آنچه مطالعه می‌فرمایید، گزارش سفر هیأت مجاهدین در برج عقرب سال ۱۳۷۰ هجری خورشیدی به مسکو است، که بعد از سفر بلافاصله در پنج شماره جریده «مجاهد» ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، تحت عنوان «آزمون دشوار، پیروزی بزرگ» به نشر رسید، و اینک اینجانب بعد از مرور یازده سال از آن تاریخ، و بعد از مشوره تیلفونی ،با برادر گرامی ام فیض الرحمن وثیق مجدداً، آن را برای نشر آماده می‌سازم.